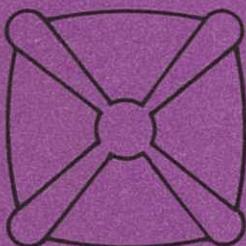


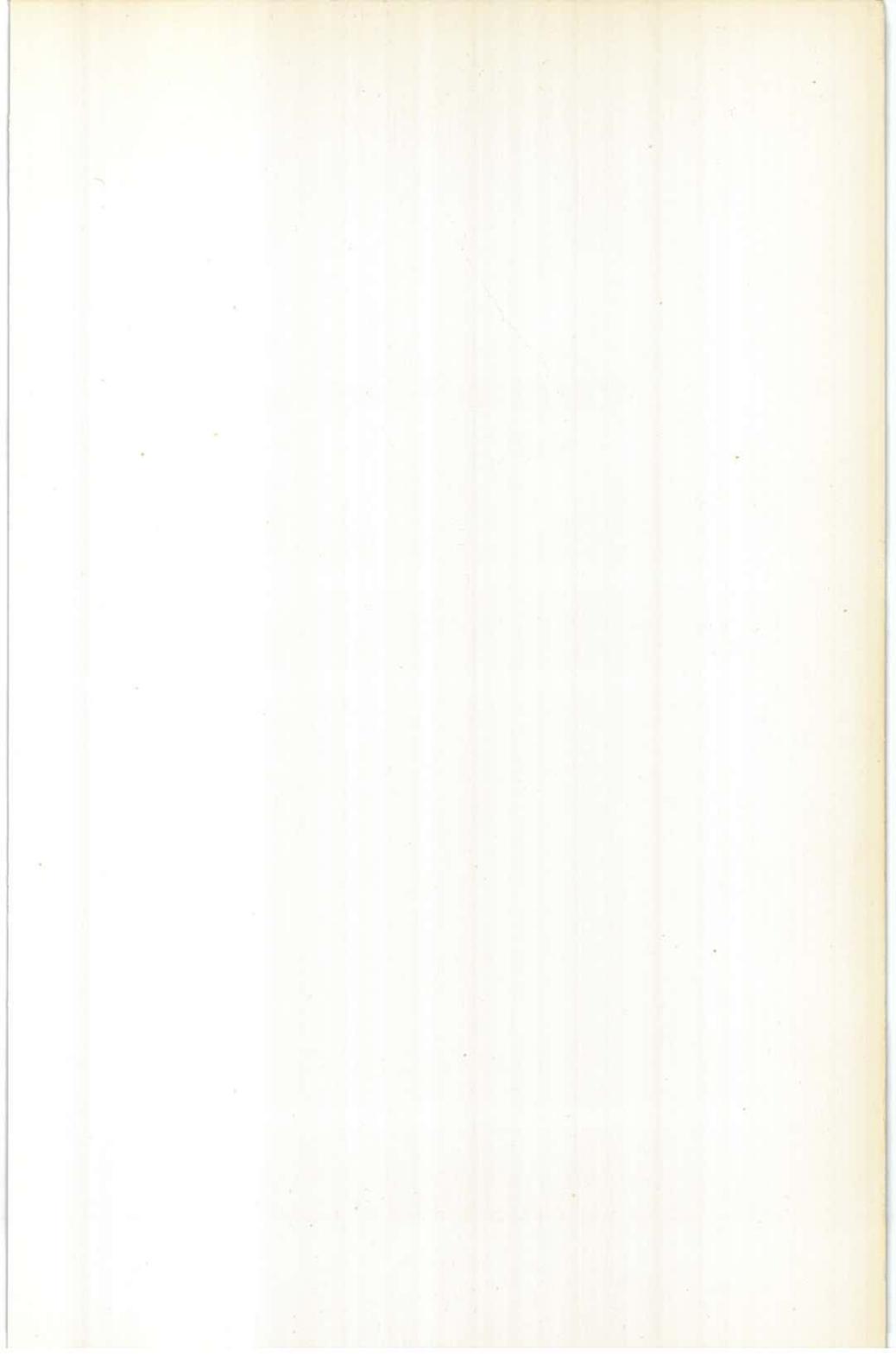


نشریهٔ تئوریک و سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران



بنیادگذار دکتر تقی ارافی

سال یازدهم ، شماره



دستی

در این شماره:

صفحه

۲	نظری به پنجه سال فعالیت حزب طبقه کارگر در ایران
۱۶	تژهای درباره وضع اجتماعی و اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست ایران (عدالت)
۲۰	درباره برخی از شخصیت‌های حزب کمونیست ایران
۲۳	آنچه کمونیسم — متراوف ارجاع سیاه در قرن بیست
۳۷	هکل و دیالکتیک
۴۰	پاد داشتها و خاطراتی درباره سلیمان محسن اسکندری
۴۷	"انقلاب فرهنگی" یا کودتای ضد انقلابی
۵۳	پنج مسئله عدد میازده اید علولیک
۵۸	ناسیونالیسم و انترنالیسم
۶۱	بحران اجتماعی — اقتصادی دولت صفوی
۶۸	گوشه‌ای از فعالیت حزب کمونیست ایران در کرمانشاهان
۷۲	مرگ یک ایران‌شناس بزرگ
۷۳	یک اثر مغفید
۷۶	درباره آثار محمد مکری — کرد شناس و زبان‌شناس ایرانی
۷۹	برخی مفاهیم و اصطلاحات
۸۴	ترازدی "فرار مغزها"
۸۶	فهرست دهستانه "دنیا"

نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
هر سه ماه یکباره تحت نظر هیئت تحریریه منتشر می‌شود

د وره دوم
شماره دوم
سال پايزدهم
تابستان سال ۱۳۴۹

نظری به پنجه سال فعالیت حزب طبقه کارگر در ایران*

جشنی که مالروز برگزار میکنیم بمناسبت پنجمین سالروز تشکیل رسمی حزب کمونیست ایران است که حزب ما، حزب توده ای ایران وارث بالاستحقاق و ادامه دهنده ای راه آن میباشد.
این جشن راماد رسالی برگزار میکنیم که مصادف با سالگرد های مهم خواه در مقیاس جنیش بین-المللی کمونیستی و کارگری و خواه در مقیاس نهضت داخلی خود کشور ماست.
۲۲ آوریل گذشته جشن صدمین سال تولد ولاد پیر ایلیچ لنین، پیشوای بزرگ زحمتکشان جهان برگزار شده بانی نخستین دولت سوسیالیستی جهان بود - دولتی که تشکیل آن موجب تحولات بزرگی در جنبش رهائی پخش کشورما و رهائی آن از چنگ دو امیرالیسیم گشت.
لنین توجه خاصی به انقلاب ایران و جنبش رهائی پخش خلقهای ماد داشت. در مقاولات متعدد او به این موضوع اشاره کرده و حتی قطعنامه ویژه ای بنایه پیشنهاد وی از جانب کفرانس پراک حزب سوسیال دموکرات کارگری (بلشویک) روسیه در سال ۱۹۱۲ صادر شده که مدخله ای حکومت تزار را بمنظلم روکوب انقلاب مشروطیت ایران سخت محکوم قینمود.
راجح باین موضوع در سعینه ایان متشدد ماء خواه بمناسبت پنجمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و خواه بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین کبیر بتعصیل سخن رفته است و در این سخنرانی احتیاجی به تکرار آن نیست.
۱۹ ماه مه گذشته نیز ۵ سال از روز برسمیت شناخته شدن حکومت شوروی از طرف ایران گذشت. در آن موقع اوج انقلاب در سراسر شمال و آغاز جنبش در نقاط دیگر کشور دولت ایران را اورد از کرد که حکومت نوبنیاد شوروی را برسمیت بشناسد و این افتخار برای مردم ایران باقی ماند که مانع خستین کشوری بود یعنی که روسیه ای شوروی، حکومتی راکه لنین تشکیل داده بود، برسمیت شناختیم.
بالاخره امسال مصادف است با اند مین سال تولد حیدر عواغلی، انقلابی بزرگ، یکی ازمو سینی حزب کمونیست ایران و رهبر شایسته و واقع بین نهضت کمونیستی کشور ماکه در مبارزه برای معاشرات و نیکروزی مردم ماجان سپرد. سرایای زندگی حیدر عواغلی توانم با جنبش سوسیال دموکراتی و کمونیستی ایران است. ولذا بحق حزب ما تصمیم گرفته است جشن نود مین سالروز تولد این شخصیت بزرگ انقلابی با برگزاری پنجمین سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران توانم گردد.
امروز پنجمین سالروز رسمی حزب کمونیست ایران برگزار میکنیم. تکیه ای خاص ما روی کلمه ای رسمی از این جهت است که تاریخ جنبش کمونیستی کشورما محدود به این پنجه سال نیست. آغاز رسمی اتفاق و تشکیل گروههای سوسیال دموکراتی را، که مقدمه ای تشکیل جمعیتها و احزاب ماقبل حزب کمونیست بود، باید آغاز سده ای پیشتر داشت.
نمونه ای فعالیت و اقدامات علی سوسیال دموکراتهای ایران و همکاری آنها با سوسیال دموکراتها (بلشویک) روس از سال ۱۹۰۱ بچشم میخورد.

(*) سخنرانی رفیق عبد الصمد کامبخش دبیرکمیته ای مرکزی حزب توده ای ایران در جلسه ای جشن.

مدارک موجود حاکی از آنست که از آغاز سال ۱۹۰۱ سوسیال دموکراتها در تبریز فعالیت نهانی داشتند. از اینچه رساند روزنامه‌ی "ایسکرا" بود که از طریق برلن - وین - تبریز به باکو فرستاده میشد و این کار تحت نظر شخص لنهن و کروپسکایا (همسر لنهن) انجام میگرفت. برنامه‌ای که کروپسکایا در ماه مه ۱۹۰۱ از سویش به متهدی این کارد رحاجی طرخان (هشتاخان) نوشته است گفته میشود:

"اطریق ایران چهار بسته فروشی شد ۰۰۰ چگونگی را اطلاع ده، سرعت حمل مطبوعات تاچه اندازه است؟ دانستن این موضوع اهمیت دارد تا بد این آیا بن راه برای ارسال شماره‌های "ایسکرا" هم بدرد خور است یا اینکه تنها میتوان جزو را زاین راه حمل نمود."

(از اینچه پید است که تا آن موقع جزویتی حل شده بوده است و در صد بوده اند روزنامه‌ی "ایسکرا" راه بفرستند).

در یاسخ کالپرین - نماینده‌ی روزنامه‌ی "ایسکرا" در یاکوکه دیر رسیدن مطبوعات ارسالی را دلیل نامناسب بودن این راه میداند، لنهن شخصاً مینویسد:

"مدت زیادی نیست که ما از وین به ایران (مطبوعات) ارسال داشته ایم و اظهار نظر در این باره عجولانه خواهد بود. چه بسا که موقتی داشته باشیم. صاحب آذر من را در شهر تبریز مطلع مانند که باید کتابهای از برلن دریافت کند و رسید آنها را اطلاع دهد."

نخستین آوردن کان افکار و تشکیل دهنگان گروههای سوسیال دموکرات ایرانیانی بودند که برای کارفصیل و موسی و یانسبتاً درآمدت به ماوراء قفقاز و آسیای میانه بجهة برای کار در صنایع نفت باکو رفت و آمد میکردند.

از مرآجعه به آمارگرکی ایران و دفاتر کارگزاری (که رفت و آمد های بد ون گذرنامه را که در آن موقع مرسوم بود در برابر نمیگیرد) میتوان بوضعت این رفت و آمد های برد. عده‌ی افرادی که برای کارهای فصلی بمقصد روسیه از مرزهای ایران خارج شده اند در سال ۱۹۱۱ بیش از ۱۹۰ هزار نفر و مراجعت کنندگان اندکی بیش از ۱۱۰ هزار نفر و در سال ۱۹۱۲ بترتیب در حدود ۸۳ و ۱۱۶ هزار نفر بوده اند. بطوطکلی ۵۰٪ یعنی از کلیه ای کارگران صنایع نفت باکو را ایرانیان تشکیل میدادند و از میان آنهاست که اشخاصی نظیر حیدر عواغی بیرون آمدند.

سوسیال دموکراتهای بلشویک ققاز آنها را آمده می‌ساختند و به آنها برای مبارزه در میهن شان الهام می‌بخشیدند و آنها را مجهر مینمودند. در پایان به عده‌ی ای از این کارگران که در آستانه انقلاب مشروطیت با ایران مراجعت میکنند از طرف جلیل محمد قلی زاده مدیر مجله‌ی "مانصر الدین" که در ایران شهرتی بسیار بدست آورد بود چنین میخوانیم:

"پس از آمدن به میهن تان مردم برهنه، گرسنه و ستكش نظیر خود تان را گرد آورید، به آنها مزد دهید که طبقه‌ی کارگر روسیه پیا خاسته است. به همشهربان کارگر بگویند که رفقاء روسی پیا شهاد رود میفرستند، پیا هم اطمینان دهید که اکراه رفقاء اینجا را پیش گیرند و پیخواهند از نوغ استبد اد رهایی پایند، اگر خواسته باشند حقوق انسانی خود را بیکف آورند و نفسی پیه از ارادی یکشند، آنکه است که رفقاء آنها در روسیه پیچم پیخوانند: زنجیران روی زمین متحد شوید. بگذاری خوانند و متحد شوند."

حزب پلشههک روسیه صرفنظر از تبلیغ ایده های مارکسیستی در میان کارگران ایرانی و کشاندن آنها به مبارزه‌ی علی‌فعالیت و پژوهه ای برای تشکیل آنها انجام میداد. چنانکه در سال ۱۹۰۴ به ابتکار پلشههکهای روس توسط گروهی از سویی دموکراتهای ایرانی جمعیتی بنام "هفت" تشکیل شدکه بین‌ریج نضج گرفت و عددی قابل ملاحظه‌ای از کارگران ایرانی صنایع نفت باکو را در خود گرد آورد. آنها از طریق این جمعیت برای مبارزه در راه تامین حقوق خود تجهیز و رفته رفته به مبارزات سیاسی جلب میشدند.

اعتصاب عمومی و نمایش عظیم کارگران نفت که بمناسبت کشته شدن صفرعلی اوف - یکی از هبران جمعیت "هفت" برآگردید تا آنروز ساخته نداشت و هشداری برای حکومت تزاری بود. پس ازان روز نامه‌ی "هفت" ارگان این جمعیت توقیف شد و فعالیت جمعیت پیش از یک سال نپایید. ولی نقش شاخص خود را بازی کرد. جمعیت سویی دموکرات (اجتماعیون عامیون) تحت رهبری نزمان نزمان اوف بر زمینه‌ی همین جمعیت بوجود آمد.

جمعیت "هفت" فعالیت قابل توجهی در زمینه‌ی رسوخ اندیشه‌های انقلابی انجام داد. روزنامه "هفت" ارگان این جمعیت در حقیقت نخستین نشریه‌ای بود که اندیشه‌های مارکسیستی-لنینیستی را به ایران آورد و کارگران را باروجهی هم در واترنسیونالیستی پرولتری تربیت مینمود. از آن‌نگام تابه امروز انترناسیونالیسم پرولتری مانند رشته‌ی سرخی ارکلیه‌ی چنین کمونیستی ایران میگرد و هیچ کوششی از جانب بد خواهان و دشمنان مانتوانسته است مارا از این شاهراه منحرف مسارده.

سویی دموکراسی ایران گرچه توانست شکل یک حزب واحدی پخود بگیرد ولی سازمانی‌ای جد اگانه‌ی آن نقش بزرگی در بسط و پایداری انقلاب مشروطیت پویزه در نواحی شمال ایران - آذربایجان و گیلان بازی کردند.

عده‌ی زیادی از سویی دموکراتهای بلشویک قفقازیه کمل سویی دموکراتهای ایران شناختند. در تاریخ ۳ فوریه ۱۹۰۷ گارتوبیک سفیر روس در ایران به وزارتخارجه‌ی روسیه چنین گزارش میدهد:

"رابطه‌ی انقلابیون ایران بپهنه نواحی مزدی (گیلان و آذربایجان) با چشمیته‌های قفقازیون شک پرقرار است. شبناههای فراوانی که در اینجا باشعار "عدالت، آزادی، مساوات" منتشر میشود در چاپخانه‌ی انقلابی شهریار اطوم طبع میشود."

در یادداشت‌های چرچیل مترجم سفارت انگلیس که به گیلان سفرکرد بود چنین میخوانیم:

"برای من کاملاً آشکار گشت که چنین رشت در قفقاز طرح‌بزی گردیده و بود است یک دسته قفقازیان مصمم که عده‌ی آنها از ۵۰ تن بیش نبوده اجرآگردیده و طی شش هفته‌ای که از هشتم فوریه گذشته است بر تعداد این افراد افزوده شده و بطوریکه بمن گفته شده‌ی آنها اکنون به ۳۵ تن بالغ است."

انقلاب مشروطیت ایران که یک انقلاب بپهنه ای بود و در نقاط دیگر کشور و خود مرکز از این چهارچوب فراتر نرفت، بهمث سویی دموکراتهای ایران و لکهای ارزنده‌ی بلشههکهای قفقاز، در شمال ایران پویزه در آذربایجان چنیه‌ی وسیع توده ای خود گرفت و در دفعات عتیریز به اوج خود رسید.

بطوریکه توجه همه‌ی جهانیان را بخود جلب کرد.
لنین با توجه خاص خود به جنبش رهایی بخش ایران طی مقاله‌ی "مواد انفجاری در سیاست
جهانی" مینویسد:

"وضع انقلابیون ایران در کشوریکه از یک طرف اریابان هند و از سوی دیگر حکومت ارتجاعی روس در شرف تقسیم آنند، بمناسبت شواراست. ولی مبارزه‌ی مرسخت تبریز، کامیابیهای مکرر نظمی انقلابیون، که بنظر مرسید رهم شکسته‌اند، نشان میدهد که سرد مد اران شاه حتی با گرفتن کمک از لیاخوف های روس و دیپلمات های انگلیس نیز باشد پدیده ترین مقاوتهای توده‌ی مردم روس و هستند. چنین جنبش انقلابی که متواند به کوشند گذاشت به دوران گذشته اسلحه بدست پاسخ دند انشکن بدده و قهرمانان چنین کوشش‌های را مجبور به درخواست کمک از خارج یکند و هوشدنی نیست و حتی پیروزی کامل ارجاع ایران در این شرایط تنها میتواند آستانه‌ی هیجانهای نوین توده‌ای بشود".

صحت این پیشگویی لنین را انقلاب بهای بعدی آذر با یاجان، گیلان، خراسان به ثبت رسانید. در باره‌ی اهمیت و عظمت انقلاب مشروطیت ایران و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی ای که در شمال انجام شد مطالب پسیاری نوشته شده که یکی از آنها را برای نمونه ذکر میکنیم.
پاولوچ از تاریخ نویسان انقلابی روس، انقلاب ایران را چنین وصف میکند:

"در میان کشورهای آسیائی، ایران نخستین کشور است که صلایح جنگ را علیه استبداد شاهان خود، علیه زورگویی ددمنشانه‌ی حکومتها اریایی، که پشت سر انان ایستاده‌اند، درداد. ایران پیشتاباز کوچک آسیای بدراشده است. ولی پیشتابزی است جسور که تا دل ارد و گاه خصم تا خنه و با وجود کوچک خود هراس در دل دشمن افکنده است، نیز از پیش آن هند ۳۰۰ میلیونی و سپس چین ۱۰۰ میلیونی در حرکتند".



در راه من سوییال دموکرات‌های قفقاز که بکمک انقلابیون گیلان آمد بودند، سرگی ارزنیکیدزه قرارداد است. نیز نظریوی قسمی از اینیقت است حزب کمونیست مارکس و انگلیس بزبان فارسی ترجمه شد که متاسفانه نسخه ای از آن درست نیست.

از جهت رسمخ افکار و اندیشه های مترقبی دروانی را روزنامه‌ی "ایران نو" بوجود می‌آورد (۱۹۱۰). در این روزنامه (که رسمی ارگان حزب دموکرات بود) سوییال دموکرات‌ها نفوذ زویی داشتند در مقاله‌ها و یکرشته مقالات مسلسل این روزنامه به مطالب زیادی درباره‌ی مارکسیم و مارکسیسم، قانون‌نمک تکامل جامعه، مبارزه‌ی طبقاتی، برخورد مارکسیستی به ترور انفرادی، نقش شخصیت در تاریخ و نظری آن بر می‌خوریم که برای آن زمان پسیار روش کنند است.

انقلاب مشروطیت ایران بواسطه‌ی دخالت نیروهای مسلح خارجی، و ورود ارتض روسیه‌ی تزاری و فعالیت امیرالیسم انگلیس ناکام ماند. ولی جنبش پایان نهاد یافت. بیوژه سوییال دموکرات‌های ایران که تجاری بدبست آورد بودند اکنون در صدد تشکیل نیروهای خود برآمدند.

در سال ۱۹۱۱ عده ای از کارگران ایرانی گروهی بنام "عدالت" بوجود آوردند که برایه‌ی آن در ماه ۱۹۱۷ حزب سوییال دموکرات "عدالت" برگیری اسدالله غفارزاده، یکی از انقلابیون

باتجربه‌ی زمان خود تشکیل گردید.

اکنون تحت تأثیر انقلاب فوریه‌ی روس زمینه‌ی مساعدتی برای فعالیت سیاسی فراهم شده بتو

حزب عدالت علاوه بر هسته‌هایی که در میان ایرانیان مقیم مaura^۱ قفاز، عشق آباد، تاشکند و غیره داشته، موفق شد سازمانهای خود را به نقاط متعدد ایران، آذربایجان، گیلان، خراسان و تاحدی خود تهران پیشنهاد دهد.

حزب دارای دو ارگان چاپی بود: مجله‌ی "پیرق عدالت" و روزنامه‌ی "حریت". در مردم مهی منتشره در روزنامه‌ی "حریت" خصوصیات این حزب بعنوان یک حزب پرولتاری انترناسیونالیستی ذکر و گفته شده است که حزب عدالت متعلق به کارگران و دهقانان است ولی صرف آن برای قشرهای دیگر زحمتکش نیز باز است. عدالت حزبی است که در راه نیکروزی همه‌ی زحمتکشان جهان و برای خدمت به همه‌ی پیشینهای تشکیل یافته است و در راه تبلیغ اندیشه‌های سوسیال دموکراتی و برقراری مالکیت عمومی بر سائل تولید مبارزه میکند.

نخستین کنفرانس حزب با حضور نماینده‌گانی از سازمانهای حزبی در ۳ خرداد ۱۲۹۹ (۱۳ آوریل ۱۹۲۰) تشکیل شد. در این کنفرانس حیدر عواوغی گزارش مبسوطی حاوی تحلیل وضع آنروز ایران خواه از نظر اقتصادی و خواه سیاسی، روش حزب نسبت به سلطنت، مسائل سازمانی و تاکتیکی حزب و غیره دادکه منجر بعید و سندی گردید که در آن تجاوزات امپرالیسم در کشورهای خاور بوده در ایران تشریح شده و وظیفه‌ی هماره‌ی علیه اسارت ایران بدست امپرالیسم انگلیس در مقابل سازمان حزبی قرار میگرفت. در مسائل سازمانی کنفرانس که تنهایانه‌ی های بخشی از سازمانها در آن شرکت داشتند نتوانست تصمیماتی اتخاذ کند و مرکزی برای سرتاسر حزب بوجود آورد.

نهایتاً از اینکه اوج انقلاب گیلان فعالیت علمی کمونیست‌های را در این منطقه امکان پذیر نمود حزب عدالت موفق شد کنگره‌ی خود را با حضور نماینده‌گان همه‌ی سازمانها در تاریخ ۲۲ زوشن ۱۹۲۰ (شهر انزلی (پهلوی امروز) برگزار کند که مانند کنگره‌ی موسسان حزب کمونیست ایران میدانیم و جشن امروز نیز بدین مناسب است.



در این نخستین کنگره‌که لنین و نیمان نریمان اف برای است افتخاری آن برگزیده شد نتیام حزب "عدالت" به "حزب کمونیست (عدالت) ایران" بدل شد که بعد از کلمه‌ی "عدالت" نیز از آن حذف گردید. کنگره برنامه و اساسنامه‌ی حزب را تصویب نمود.

مواد اساسی نخستین برنامه‌ی حزب کمونیست ایران مصوب در کنگره‌ی اول عارت بود از اخراج کامل امپرالیست‌های انگلیس از ایران، سرنگون ساختن سلطنت فاجاریه، اعلام جمهوری، ایجاد حکومت دموکراتیک، مصادره‌ی زمین‌های ملاکان بزرگ و فئودال‌ها و تقسیم بلا عوض آن میان دهقانان، لغو امتیازات خارجی و غیره.

در برنامه‌ی مصوب کنگره‌ی اول حزب کمونیست ایران نیز یکبار دیگر روی وظیفه انترناسیونالیستی حزب تکیه‌ی خاصی شده است و گفته می‌شود که مابا پشتیوانی زحمتکشان و پرولتاریای همیجه‌ن که پرچم سرخ انقلاب سوسیالیستی را برافراشته و شعار مشترک "پرولتاریای جهان متحد شود" را اعلام داشته اند، به هدف خود نائل خواهیم شد.

کنگره، کمیته‌ی مرکزی را مرکب از ۱۵ نفر انتخاب نمود.

امکان فعالیت علمی نیروهای انقلابی و تشکیل کنگره‌ی حزب کمونیست ایران در نتیجه‌ی انقلاب بسیار کثیر و گسترده شدن پروندهای حکومت شوروی د رماحل بعدی تامزه‌ها ای ایران پیدا شد.

پس از خستین انقلاب روسیه - انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و برافتادن حکومت تزاری رومان‌گلیمی ها که آکنون دیگر بد ون رقب مانده بودند خود را تنها مالک الرقاب ایران میدانستند. ایران تو سلط نیروهای انگلیس اشغال شد. در سال ۱۹۱۹ انگلیسها موفق شدند بادولت و توق الدله قراردادی منعقد مازتدکه رسما ایران را تحت الحمایه ای انگلیس می‌ساخت. با اینکه قرارداد تنها پس از تصویب مجلس شورای ملی میتوانست قدرت قانونی بیابد، علاوه بر اجرای پاره ای مواد آن دست زده شده بود. امپریالیسم انگلیس به اشغال ایران اتفاق افتاد و در صدد تصرف مراکز صنعتی مهم ماوراء قفقاز و پیویزه صنایع نفت باکو بود. در اینمورد نینین طی نطقی در جلسه ای کمیته ای اجرائیه ای مرکزی روسیه در ۲۹ آریا ۱۹۱۸ گفت:

«انگلستان ایران را تهاماً بلعیده است و آکنون خود را بانیروی نظامی به جنوب قفقاز نزدیک میکند».

حکومت های پوشالی کشورهای ماوراء قفقاز که بدست مساواتی ها و اشناکهاتشکیل یافته بودند خود را علاوه نزیر حمایت انگلیس قراردادند. ارتش انگلیس رهسپار قفقاز گردید. کوچک خان که پس از شکست از قرقاون روس تحت فرماندهی سرهنگ بیچارخ فاتح مقاومت در مقابل نیروی انگلیس نداشت په مازش و عقد قرارداد عدم تعریض با انگلیسها تن داد و نیروی انگلیس برای اشغال باکو و نواحی ماوراء قفقاز راه یافت.

ولی پیروزیهای حکومت شوروی ورق را برگرداند. انگلیسها نه تنها پاکاههای خود را در رما و را قفقاز، بلکه قسمت شمال ایران را نیز ترک کردند.

بدینظریق میدان فعالیت علنی برای نیروهای دموکراتیک و حزب کمونیست ایران بازشد. انقلاب گیلان اوج گرفت. در ماه زوئن، اندکی قبل از تشکیل کنگره ای حزب کمونیست ایران، کوچک خان با نیروهای خود وارد رشت شد و در گیلان جمهوری شوروی اعلام گردید. در این مرحله حزب کمونیست یکی از نیروهای اصلی محرکه ای انقلاب گیلان بود. در حقیقت حکومتی که تشکیل شد حکومت جبهه ای واحد همه ای نیروهای انقلابی بود که اگر دچار اشتباهات و اختلافات نمیشد امکانات بزرگی برای کامیابی های بعدی داشت.

متاً سفاته حکومت انقلابی گیلان در این ترکیب خود دیری نپائید. از یکسو کوچک خان که نماینده ملادان و بوزیواری متوسط و بطریق عده خرد بوزیواری بود، از گسترش انقلاب بینانک شد بود. از جانب دیگر رهبری حزب کمونیست نتوانست اوضاع و احوال و مرحله ای راکه انقلاب طی میکرد درک نکند. شور و هیجان انقلابی که اندکی به تجزیه و تحلیل رف و صحیح مارکسیستی نداشت رهبران حزب را دچار بیماری همه کیر زمان خود یعنی چپ روی و سکتاریسم کرد. رهبران حزب بد ون توجه به مرحله انقلاب شمارانقلاب سوسیالیستی را پیش کشیدند و با اقدامات چپ روانه و نقش تصدیقات کنگره ای اول که مبارزه علیه امپریالیسم را در ریک جیمه ای واحد لازم دانسته بود، مالکین متوسط، بوزیواری و خرد کشید و جانبه حکومت ملی متلاشی شد.

تشکیل نخستین کنگره ای خلقهای خاور در باکو درده ای اول سپتامبر ۱۹۲۰ که نماینده کمونیست ایران پریاست حقد رعواغلی در آن حضور داشت پاتجزنه و تحلیل صحیح از وضع جنبش های رهایی بخش ملی شرق و تماش بعد ای عده ای از نماینده کان این کنگره، ازانچمه نماینده ای ایران رفیق اخوندزاده، باکمیترن و شخص نینین کلک بزرگی به بهبود وضع داخلی حزب کرد. در رهبری حزب تحول بوجود آمد و حید رعواغلی به دینی حزب انتخاب شد. در زانیه ای ۱۹۲۱

تزهای معروف حیدر عواغلی درباره‌ی وضع اجتماعی و اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست (عدالت) ایران پیغام بسیار رسید که رهندوز برای کارایندۀی حزب بود.

در این تزهای پد و اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از جمله گفته شده است که ایران در حال حاضر در آستانه ی گذار از نظام قبیله‌ای و فتوحاتی بسوی سرمایه داری است ۰۰۰ یکانه طبقه مولود ایران طبقه‌ی دهقانان است که زیراستعارشید ملاکان فتوحاتی دارد و لست های متکی باین طبقه میباشد.

ایران فاقد صنایع بزرگ ماشینی است. گامهایی که برای ایجاد صنایع در واائل سده‌ی حاضر پرداخته شد در نتیجه‌ی رقبات انگلیس و روسیه‌ی تزاری خشی گردید و بنابراین در مرحله‌ی فعلی ایران فاقد پرولتاریای صنعتی است ۰۰۰ صد ها هزار از پیشنهاد و روان صنایع دستی در اثر رقبات خارجی به ضمیمه کاران و لومین پرولتاریای شهر افزوده شده است.

سرمایه‌ی بازرگانی که مقاومت بیشتری نشان داد نیز در ایران حصار اعتبارات درست باشکهای خارجی، در آستانه‌ی ورشکستگی کامل است.

در تزهای پس از ذکرینش بزرگی که روحانیون در زندگی کشور بازی میکنند روحانیون به دو قشر مشخص تقسیم شده اند: قشر بالایی که در دیف ملاکان بزرگ قرار گرفته است و طبقاً در منافع طبقاتی آنها شرک است و قشر دیگری که پخش عددی آن شهر نشین هستند و از لحاظ طبقاتی منافع شان با منافع خود بپوشانند یکی است.

در تزهاد کرده است که طبقه‌ی حاکمه‌ی ایران متکی به ملاکان بزرگ است که تعدادشان در سرتاسر کشور از ۳۰۰ نفر تجاوز نمیکند و هر یک از آنها دارای دهها و صدها د هستند. نتیجه اینکه ایران نه تنها در حال صعود اقتصادی نیست، بلکه منحنی نزول را طی میکند، ولذا وجود زمینه‌ی مناسبی برای انقلاب فراهم ساخته است.

و امنیروهایی که بالقوه میتوانند به انقلاب بگردد در تزهای ترتیب زیر طبقه بندی شده اند: هزاران پیشه و ورشکسته، کارگران بنگاههای تعطیل شده و دهقانان بی خانمان که رو به رفته طبقه‌ای از فقرای شهر را تشکیل میدهند. طبقه‌ی دهقانان بی زمین. طبقه‌ی وسیع بازرگانان خرد و متوسط که در حدود ۵ میلیون نفرند و در پرستگاه فقر و نیستی قرار گرفته اند.

از جزئی و تحلیل فو ق و ظایف میر حزب نیز تعبین شده است که خلاصه‌ی آن عبارتست از تهیه هرچه بیشتر کارهای استوار، جمع آوری همه‌ی نیروهای انقلابی زور پر جم جنیش رهایی بخشمی، تبلیغات وسیع برای شناساندن نقش امپریالیسم جهانی و سیاست انگلیسها در ایران، تبلیغات وسیع میان دهقانان و فقرای شهر بمنظور بیدار کردن آگاهی طبقاتی آنها ۰۰۰ باد رنگرگفت تعبیبات مذهبی آنها کار وسیع سازمانی بین طبقات رحمتکش، تشکیل اتحاد دیه‌ها، شرکت‌ها ای تعاونی و غیره، تشکیل نیروی مسلح انقلابی - ملی برای مبارزه با امپریالیستها خارجی و دولت شاه ۰۰۰ و اما خط مشی عمومی حزب باستی مبنی بر اتحاد همه‌ی طبقات از پرولتاریاگرفته تا بورژوازی متوسط علیه سلطنت قاجاریه و امپریالیسم باشد.

در این تزهای تیزی عددی مبارزه‌ی داخلی حزب متوجه عناصر چپ است که پاسیاست مکتار خود موجب انشعال در حکومت موقت می‌شند. ولی در عین حال عناصر راست نیز در جریان مبارزه با چچ روی پیدا شده بودند که معتقد بودند شماره مصادره املاک بطور کلی باید از برنامه‌ی حزب حذف گردد تا طبقه‌ی مالکین در کنار نیروهای دولتی به مبارزه با انقلابیون دست نزنند.

در مقابل این انحراف در تزهای اتفاقه میشود: باید رنگرگفت اینکه از یک طرف مبارزه علیه انگلیسها خواه ناخواه ملاکان بزرگ راکه انگلیسها پشتیان آنها هستند بر مبنایگریاند و از طرف دیگر معا دره‌ی

اموال این طبقه بهیچوجه تضادی پامنافع خرد و بورژوازی متوسط ندارد و آنها از انقلاب دور نمیکند و حال آنکه این عمل محركی خواهد بود برای دهقانان که به چنین انقلابی بپیونددند. تزهای حیدرخواگی معموبه‌ی مرکزی حزب (در ترکیب نوین خود) در حقیقت نخستین آزمایش جدی تعیین تاثیل حزب و وظائف میرم آن برآسان تحیل مارکسیستی و طبقاتی و تعیین متفقین پولناریا در مرحله‌ی معین انقلاب بود. بدینه است که این تزهای برای همان زمان نیز خالی از نقص نبود. ازانچمه در تحلیل طبقات موجود اشاره‌ای به بورژوازی کمبار و رکه پکی از پایه‌های رئیسم آنروزی بوده است نشد و برخی نکات دیگر. ولی این نارسائیها بهیچوجه از اهمیت آن نمیکاهد. سیاست نوین حزب زمینه‌ی پسیار مساعد برای همکاری همه‌ی نیروهای انقلابی آنروز و در درجه‌ی اول بانی روی جنگلی هافراهم ساخت و این همکاری برای مدت کوتاهی بوجود آمد. انقلاب از تو نیرو گرفت. درینکی از جنگها ارتش انقلابی به سرکردگی حیدرخواوی شکست سختی به نیروهای دلتی وارد ساخت.

ولی تزلزل نیروهای بینابنی انقلاب قوت میگرفت. کوچک خان از پسرفتهای حزب کمویست هراسناک بود. بالاخره این تزلزل کار را به خیانت کشاند. حیدرخواوی غدارانه بدست کوچک خان کشته شد. کمیته‌ی انقلابی که پس از ترمیم کمیته‌ی مرکزی حزب تشکیل شده بود در رهم ریخت. ارتجماع و در این آن رضاخان به کوچک خان نیز ایقا شکرد. وی پنهان‌گام غب نشینی در کوه‌های طالش از سرما تلف شد و سربزیده اش را برای رضاخان آوردند. انقلاب گیلان یکی از برجسته‌ترین صفحات چنیش انقلابی نه تنها ایران بلکه خاورمیانه و نزد پلک است. تشکیل جمهوری گیلان زینت پخش تاریخ مبارزه مسلح مردم ایران برای استقلال و آزادی خویش است. در این چنیش حزب کمویست ایران با همه‌ی نواقص و مشکلات، نقش مهم خود را در سازمان دهی و پیمیج توده هایپارزی کرد و تا شیر عیقی در سیر حوارد داشت.

از تفاوچ مهم این چنیش و بطرولکی چنیشی که سراسرکشور افرار گرفت لغو قرارداد ۱۹۲۲ ایران و انگلیم، انعقاد قرارداد فوریه‌ی ۱۹۲۱ بادولت شوروی و خروج نیروهای انگلیس از ایران بود. اندکاً مردم ایران در این مبارزه به حکومت نوینیاد شوروی بود. حکومت شوروی بالاصله پس از انعقاد قرارداد ایران و انگلیم در ۱۹۱۹ اوست ۱۹۱۹ رسمی پشتیبانی خود را از مبارزه‌ی مردم ایران علیه امپرالیسم انگلیم اعلام داشت. در این پیام گفته شده است :

"در این هنگام که فاتح سرمیست چنی درنده‌ی انگلیمی درصد است کمند پردازی را برگردان مردم ایران بیافکند، حکومت کارگری و دهقانی جمهوری روسیه با قاطعیت هر چه تمامتر اعلام میدارد که قرارداد انگلیم و ایران، قراردادی را که به این پردازگی تحقق می‌بخشد برسیت نمیشاند . . . مردم زحمتکش روسیه دست پرادری خود را بسوی شماتوده‌های زحمتکش مستعد پدیده ای ایران دراز میکنند. دور نیست لحظه‌ای که ماعلاً موفق شویم وظیه‌ی مبارزه‌ی مشترک خود را بهمراه شماطیه د رندگان بزرگ و کوچک و ستمگران که سرچشمه‌ی زجر و شکنجه‌های بیشمار بوده اند انجام دهیم."

پس از شکست انقلاب گیلان در وان دیگری در زندگی حزب کمویست ایران آغاز میشود. در وان سازمانده‌ی و گسترش فعالیت سازمانی حزب در نقاط مختلف کشور و قبل از همه در مرکز. در بد و امر حزب کمویست در شرایط نسبتاً مساعدی قرار داشت. رضاخان که برای رسیدن به قدرت مطلق و

براند اختن سلطنت قاجاری، اندکاً اجتماعی مطمئنی نداشت نه تنها نیروهای مترقب و ازانجه می‌زدند حزب کمونیست ایران را نادیده بکرد. با آنکه حزب کمونیست از ازادی پرخورد این بود در این مرحله امکاناتی برای بسط فعالیت سازمانی و ایدئولوژیک وجود داشت.

از نظر سازمانی درست داشتن رهبری اتحاد به های کارگری از طریق فراکسیون های حزبی، تشکیل جمعیت های فرهنگی، شرکت در احزاب مترقب و تشکیل فراکسیون در این احزاب وغیره.

پکانه حزب مترقب از زمان حزب اجتماعی بود که توسط سلیمان میرزا از عناصر مترقب تشکیل شده و شاخه های خود را در اطلب شهرستانها گشترش داده بود. حزب کمونیست ایران نفوذ قابل توجهی میان اجتماعیون بدست آورد. اعضاً حزب در سازمانهای این جمیعت دارای فراکسیون های حزبی بودند؛ بنحوی که برای کنگره ای اجتماعیون که قرار بود تشکیل شود و بمناسبت تغییر سیاست رضاخان تشکیل نشد و بساط خود حزب پرچمده شد، عده ای قابل توجهی از کمونیست ها انتخاب شده بودند. دوام بیشتری جمیعت های فرهنگی داشتند که را متوسط کمونیست هادر شهرهای مختلف تشکیل شدند؛ جمیعت "فرهنگ" رشت، جمیعت "فرخخت" انزلي، جمیعت "پروش" قزوین. این جمیعتها با استفاده از روحیه ای انقلابی از زمان توانسته بودند سرگل جوانان شهرهای خود را در سازمانهای خود گرد آورند و از طرق دادن تاثیر، تأثیرسیس کلاس های اکابر و کلک به مو سسات و مد آر با قشرهای وسیع مردم را بطریه پرقارکنند. فعالیت این جمیعتها منحصر به فعالیت فرهنگی نبود. اعضاً آنها پرای کارزارهای سیاسی نیز تجهیز میشدند.

علاوه بر این حزب کمونیست ایران در این دوران فعالیت وسیعی بین زنان انجام داد. جمیعت "پیک سعادت نسوان" که در واقع شعبه ای از فرهنگ بود دوش بدوش آن جمیعت فعالیت میکرد. در تهران جمیعت "بید اری زنان" که مستقیماً بدست حزب تشکیل شده بود نماینده های متعددی صحنه گذاری کرد که یکی از آنها مصادف با روز هشتم مارس بود و برای نخستین بار بالا گال پلیس از این روز بین المللی تجلیل شد. این جمیعتها مطالبات خاص زنان را در روزنامه های خود مطرح میساختماند در این دوران و در اینهای بعدی حزب کمونیست ایران توجه خاصی به فعالیت ایدئولوژیک داشت. مطبووعات حزبی از زمان مقام ویژه ای در روزنامه چنیش کمو نیستی دارند. روزنامه "حقیقت" بعد پریت سید محمد دهگان عضو کمیته ای مرکزی حزب که رسماً ارگان اتحاد به های کارگری تهران، ولی در واقع کار ارگان مرکزی حزب را نجات میداد وسیعیاً و بازبان مداده افکار و نظریات مارکسیستی را در دسترس توده ها قرار میداد.

نخستین شماره ای این روزنامه با شعار "رنجبر روی زمین اتحاد" در ۹ دی ۱۳۰۰ انتشار یافت و بواسطه ای تحلیل مارکسیستی حواست بزبان ساده طرح مسائل برم روز از وضع کارگران و دهقانان و نوازیهای خود پر زدنی در ردیف پر تراژیک روزنامه ای از تو زخ کامل بجند برابر قیمت خرد و فروش میشد. مقالات مفصل روزنامه ای "حقیقت" درباره ای تاریخ چنیش کمو نیستی توجه روشنگران را بخود جلب کرد. شدت عصبانیت رضا شاه را از مفهومیت ای که روزنامه "حقیقت" پیدا کرده بود از این جمیعت و فهمید که برای مشیرالدله نخست وزیر وقت پیغام داده این روزنامه باید توقیف شود و اگر توقیف نشود ستورمید هم شمارا به نخست وزیری راه نهند. نکته ای که باعث سقوط حکومت مشیرالدله شد.

پس از توقیف روزنامه ای "حقیقت" روزنامه ای "کار" و "دهگان" انتشار یافتند که با هم سبک کار روزنامه ای "حقیقت" و "پکان" متنها بامطالبه ساده تری خلاصه دارند. روزنامه ای هفتگی "خلق" نیز باین دو اضافه شده ترجمه ای کتاب "الطبای کمونیسم" را در پاورقی منتشر میکرد. حزب در ولایات نیز مطبوعاتی داشت که از مجله ای "فرهنگ رشت" و روزنامه ای "نصیحت" قزوین

که در پاورپوینتی درباره‌ی ماتریالیسم دیالکتیک آغاز کرد، بود میتوان نام برد. پجاست که یادی نیز از مجله‌ی "جرقه" پشود. ازاین مجله‌ی نفیس و پرجم و پرمطلوب که بحث در اطراف مسائل اجتماعی و سیاسی ازظرمارکمیسم - لئنیسم اغاز کرد، دو شماره بهیش منتشر نشد. ولی همان دو شماره جای پرازرسی برای این مجله در تاریخ مطبوعات مارکسیستی لنهنیستی ابا. ساکده است و حدایت میتوان، اثرا سلف مجله‌ی "دنیا" دانست.

ایران پارلمانی است و پیرامون این مسئله از اینجا شروع شد. این مسئله در دوران سازمان جوانان کمونیست نیز تشکیل شد و با کوشش حزب که خود از پد و تشکیل د رکمینترن عضو بیت یاقته بود اتحادیه های ایران و سازمان جوانان کمونیست نیز بترتبی به عضو پیت انتراپیوتال بین المللی اتحادیه ها (پروف اینتن) و بین العمل جوانان درآمدند.

برای رضاخان که پس از گذراندن کارزاری بمنظور اعلام جمهوری پنفح خود اکنون بفکر سلطنت افتاده بود نیروهای مترقب و بیوزه حزب کمونیست ایران میتوانستند سر راه باشند. لذا حزب کمونیست در معرض پیگرد شدید قرار گرفت، به فعالیت جمعیت "اجتماعیون" نیز بتد روح پایان داده شد، روزنامه "نصیحت" که از بیانیای مطبوعات حزب بود توقیف و واعظ قزوینی مدیر آن بطریق فجیعی بقتل رسید.

حزب وارد مرحله‌ی دشوار تریاکاره – مبارزه عیق زیرزمینی شد.

با آنکه پس از کارزار برای اعلام جمهوری و بویژه هنگام کارزار برای لغو سلطنت قاجاریه سیما واقعی رضاخان خود را روشنتر و نمایانتر میساخت، شخصیت وی هنوز برای برخی نیروهای متفرق معمائی بود. مردی بود از میان مردم پرخاسته، طرد کنندهٔ سید ضیا الدین — عامل شناخته شدهٔ انقلابی و کسی بود که برای همکاری با نیروهای متفرق آمادگی ظاهری نشان داده بود و حزب کمونیست در عین داشتن روش انتقادی مدتی از وی پشتیبانی میکرد. علاوه بر آن سیاست تمرکز و سرکوب قوی‌الها و خونین نیز که ظاهرا مخالف سیاست سنتی انگلیس بعنی حکمرانی از راه جدی اند اختن بود، از نظر عینی متفرق و میهن پرستانه بنظر میرسید. لذا عده‌ای بویژه اکثریت کمیته‌ی مرکزی هنوز معتقد به سیاست مبارزه و وحدت باری بودند. حال آنکه اقلیت رهبری با تجزیه و تحلیل، هشیارانه تری از اوضاع عمومی جهان و موقعیت ایران به نتیجه‌ی دیگر و صحیحتری میرسید و آن اینکه تشکیل دولت موسسالیستی شوروی اکنون اجرای سیاست دیگری را از طرف دشمنان این کشور بویژه امپرالیسم انگلیس ایجاد نمود. و آن زنجیره‌حاصره ای از کشورهای دارای رژیم ضد شوروی و تقویت نیروهای این دول بود که ایران یکی از آنها محسوب میشد و اکنون تمرکز و تقویت نیروهای آن در برنامه قرار گرفت؛ مضافاً پسر اینکه رضاشاه که پتدربج به بزرگترین ملانک شوربدل میشد در موضوع بلاترید ضد شوروی قرار گرفته بود. کنگره‌ی دوم (۱۹۲۷) با کملت کمیتن اخلاف رابینفع پلاتiform اقلیت حل کرد و پاشار ترین مد افعین پلاتiform طرف مقابل از حزب اخراج شدند. احیاً وحدت اید ٹولویزک امکان داد که حزب با وجود شوارهای ناشی از پیکردها با اینزی و شعریخشی بیشتری بکار خود آمد (۱). کنگره‌ی دوم راه روشنی درمقابل حزب بازکرد و فعالیت اینرا متوجه تقویت سازمانی و اید ٹولویزکو مبارزه با ارتقای داخلى و در راش آن رضاشاه و امپرالیسم و بطور عده امپرالیسم انگلیس نمود. با وجود شرایط دشواری از رضاشاه، حزب در دروران پس از کنگره‌ی دوم کامیابیهای شایان توجهی بویژه د مرآکز کارگری بدست اورد.

(۱) درباره‌ی کنگره‌ی دوم حزب کمونیست ایران (کنگره‌ی ارومیه) مقاله ویژه‌ای از طرف اینجانب در مجله دنیا (شماره ۳۱۰۱ اول) درج شده است و درینجا کاراندازی نمایند.

نشان دهنده‌ی نضوج جنبش کارگری ایران اعصابهای است که همه‌ی آنها مستقیماً تحریک است
رهبری حزب انجام می‌گرفت:

اردیبهشت ۱۳۰۸ اعصاب عمومی کارگران نفت جنوب که در آن بیعت هزار نفر شرکت جستند و در مسکوب آن علاوه بر زیرین نظامی ایران نیز در رایان انجلیس نیز شرکت داشت. کمونیستهای رهبر این اعصاب همچنان بلاتکلیف در زندان رضاشاهی ماند تا شهریور ۱۳۲۲ فرار می‌شد. سپس اعصاب ۲۰۰ نفر کارگر اهل مازندران در تابستان همین سال انجام گرفت. اردیبهشت ۱۳۱۰ اعصاب کارگران کارخانه‌ی کارخانه "وطن" در راصدیان که بزرگترین کارخانه‌ی آن زمان بود. درنتیجه‌ی این اعصاب ساعات کار روزانه به ۹ ساعت تقلیل یافت و به مزد کارگران افزوده شد. نصرالله اصلانی (کامران) رهبر این اعصاب تحت الحفظ پیغمبران اعزام گردید که بین راه توانست فرار کند. درنتیجه‌ی این اوج جنبش کارگری است که قانون سیاه ضدکمونیستی دهم خرداد ۱۳۱۰ به فرموده‌ی رضاشاه از مجلس می‌گذرد و بازداشت‌ها و پیگرد‌های متعدد آن برای مدته فعالیت حزب را متوقف می‌سازد.

در مرحله‌ی حمله‌ی بیرونیان ارجاع سیاه علاوه بر کمکهای عمومی کمینترن و کمکهای وزیر حزب کمونیست اتحاد شوروی پیجاست که یادی از کمکهایی مشود که حزب کمونیست آلمان به حزب مکاره است. در سال ۱۳۱۰ وسائل انتشار مجله‌ی "شوریه حزب"، "متاره‌ی سرخ" و روزنامه‌ی ارگان حزب "پیکار" را حزب کمونیست آلمان فراهم نمود که بعده آولی درین و دوین نخست در برلین و سپس در روزن منتشر می‌شود. روزنامه‌ی "متاره‌ی سرخ" به مسائل تئوریک مارکسیستی و مقالات تحلیلی مربوط به اوضاع داخلی کشور و روزنامه‌ی "پیکار" به مسائل آنکه تعلیم تخصصی پاکت بود.

در این مطبوعات مسائل مبتلا به روز، تحلیل مرحله‌ی انقلاب ایران، تشریح انقلاب بو روزانی و بو روزوا - دیکارتیک، لزوم مزکردگی طبقه‌ی کارگر و مقاماتی درباره‌ی امپرالیسم از اثر لنین نشر می‌یافتد. آنچه که ارجاع ایران و در رایان آن شخص رضاشاه را از کوره بدر میزد جنبه‌ی افساگرانه روزنامه‌ی پیکار بود. یکی از مسائل حاد آنروز موضوع امتیاز نفت جنوب بود که مقدمه‌ی تعداد آن با ظاهره مخالفت پیان آغاز شد. بود. روزنامه‌ی "پیکار" تحت عنوان "پیکار اسرار ارافا من مینماید" (۱۵ دسامبر ۱۳۲۲ - ۱۳۱۱ آذر ۱۳۱۴) و سپس در مقالات مسلسل ماهیت مذکور را با کمپانی نفت و هدف آن یعنی تهدید این امتیاز یقینت بالا بود. ناجیز مسهم ایران را اشکار ساخت و در خطابیه‌ی کارگران و عموم زحمتکشان ایران اعلام داشت که آنچه از تظر منافق مردم مامطرح است عبارت است از "تصرف فسروی موسسات نفتی و طرد کمپانی نفت جنوب، الگا" کلیه‌ی دیون ایران به انجلیس، قطع عملیات پیانک شاهنشاهی که یکی از عمال عده‌ی امپرالیسم در ایران است، تحریم امتعه‌ی انجلیسی وغیره (پیکار سال سوم، شماره‌ی ۲۱).

عصبانیت شدید رضاشاه از همان بد و انتشار روزنامه‌ی "پیکار" وی رایه اقدام رسوانی واد اشت که عبارت بود از فرآخواندن سفیر ایران از آلمان و تهدید بقطع روابط سیاسی در صورت ادامه‌ی نشر این روزنامه در آلمان. گواینده‌ی پلیس آلمان بلافاصله دست باقدام زد و روزنامه‌ی پیکار توقیف شد. مدیر مسئول آن دکتر کارل ورنر (Carl Wehner) که از طرف حزب کمونیست آلمان انتشار روزنامه را بعهده گرفته بود در معرض پیگرد قارگرفت و مرتضی طوی که از طرف کمینترن مامور کار حزب در آلمان بود تبعید گشت - ولی محکمه‌ی پیکار که در Moabit رسوانی برآورد شد، رسوانی باز هم بیشتری برای رضاشاه بیاراورد. وکیل پیکار که از طرف حزب کمونیست آلمان معرفی شده بود، پدره از روی جنایات رضاشاه پرا فکرد و بالا راهه‌ی اسناد و مدارک متقن (قتل و اعظام قزوینی، قتل عشقی، قتل غرضی) که همان زمان بعنوان مهاجر در آلمان بسزمیرد و برای شهادت حاضر بود وغیره) حقانیت نوشته‌های پیکار را ثابت کرد.

نمود ارزوشنی از استبداد منشی و آزمندی رضاخان موضوع قتل واعظ قزوینی است. در مجله آلمانی "ولت بونه" (Weltbühne) ۱۹ آوریل ۱۹۳۲ چنین میخوانیم:

"یحیی واعظ مدیر روزنامه‌ی "نصیحت" بود. در سال ۱۹۲۵ وی آشکارا در رخیا با نی تهران کشته شد زیرا در روزنامه خود مطالبی علیه برگزیدن رضاخان مقام سلطنت پیشتبای از اعلام جمهوری در ایران نگاشته بود. قاتل دستگیر شده‌ی وی طنا به کرد هی خود می‌سالید، بد ون انکه به مسئولیت جلب شود. دو روز قبل از کشته شدن واعظ ایستاد از طرف رضاخان احضار شده بود تا شاید بتوان وی راموفق ساخت. ولی واعظ ایستادگی کرد. رضاخان وی را مرخص کرد و تهدید نمود که دو روز نخواهد گذشت که وی سرای کار خود را خواهد دید. دو روز بعد واعظ کشته شد." (۱)

خواندن این سطور از مجله‌ی آلمانی "ولت بونه" برای مالازاین نظر اهمیت دارد که ملک الشعرا^۱ بهار در تاریخ خود مدعی است که واعظ را بمناسبت شباختی که به بهار داشته است بجای وی کشته اند. حال انکه مدارک و شواهد عکس آنرا حکم میکند. کشته‌ی واعظ حسین فشنگی است که بدستور رضاخان این کار را تجام داده و خود به این عمل خود، همان طور که در مجله‌ی "ولت بونه" آمد است، می‌سالیده است. در روزه‌ی منتشره از طرف دانشجویان مترقبی ایرانی در پاریس در باره‌ی توقيف پیکار از جمله چنین میخوانیم:

"روزنامه‌ی پیکار تنها بارقه‌ای بود که به ملت ایران ۰۰۰ روح تازه دید. و امیدوار ۰۰۰ میداد. از این جهت هیچ مایه‌ی تعجب نیست اگر حکومت ایران انتشار پیکار را برای خود یک مسئله‌ی حیاتی دانسته به حکومت ایران تهدید قطع روابط نموده است. ۰۰۰ خوشبختانه همان طور که مانتظار داشتم جرائد آزاد پخواه و مخصوصاً جارائد کارگری آلمان ۰۰۰ ساکت ننشستند. توقيف پیکار و تبعید یک محصل انقلابی برای ماتوفيق اجرای شد که تمام جرائد آلمان به مسئله‌ی ایران توجه نمودند. ۰۰۰ و مانوانستیم شمه‌ای از اوضاع امروزی و زیم استبدادی و هویت شخص رضاخان را در جرائد کارگری و آزاد پخواه ایران منتشر نماییم."

بهنگام توقيف "پیکار" روزنامه‌ی "نهضت" تحت مسئولیت ایشان رینکا (Erich Rinka) در برلن انتشار یافت و سپس پیکار ادامه‌ی حیات داد و شماره‌های ازان در روین طبع و به ایران ارسال میگردید.

از اوائل سال ۱۹۳۳ کمینتن با اعزام یک مخصوص و انتخاب نماینده‌ای برای ایران مقدمات احیا^۲ رهبری حزب رافراهم نمود و هسته‌ی اولیه‌ی آن با شرکت دکتر تدقی اراثی تشکیل شد (۲). مجله "دنیا" (۱) مجله‌ی "ولت بونه" این اظهارات را از قول وکیل مد افع روزنامه "پیکار" در ادکاه ایران نقل میکند و تعلیم مینماید که این وکیل مد افع عکس جسد مثله شده واعظ رانیز به دادگاه ارائه داد. عکسی که وکیل مد افع ارائه میدهد عکس جسد واعظ با سر نیم بزیده است که یکی از افسران کلانتری مجلس در همان موقع پنهانی به حزب داده بود و توسط حزب تکثیر شد.

(۲) پیک اعزامی کمینتن همان رفیق کامران (نصرالله اصلانی) بود که انتساب کارخانه‌ی "وطن" اصفهان را سازمان داده بود.

که قبل از طرف دکترارانی تا سیم شد و منتشر میگشت بعنوان ارگان حزب شناخته شد.
وظاغیگی که در مقابل هستی جدید رهبری قرار گرفت گرد آوری نیروهای پراکنده و تهییه‌ی کادر برای آینده و ازین لحاظ فعالیت خاص میان روشنفکران بود.

نقش اخیر را مجله‌ی "دنیا" و شخص دکترارانی بوجه احسن ایفا کردند.

مجله‌ی "دنیا" هنگامی به انتشار خود آغاز نمود که حزب کمونیست تار و مار شده بنظریه آمد و ازین جهت توجه خاصی به نشریه‌ی جدید وجود نداشت. بعلاوه مجله‌ی "دبیا" توانست خود را در سایه‌ی زیان باصطلاح "ازوپ" مستور دارد بنحوی که پلیس تاموقوع کشف سازمان نوین به ماهیت واقعی آن بی نیزه بود.

مجله‌ی "دنیا" را از تظکار ایدئولوژیک و پخش اندیشه‌های مارکسیست - لینینیست باید پدر شر تین در وان فعالیت حزب کمونیست ایران دانست. ترویج سیاستاتیک این اندیشه‌ها عده‌ی زیادی از روشنفکران راکه تشنی اشنازی با آن بودند دور مجله و دکتر ارانی گرد آورد.

مجله‌ی "دنیا" پس از یک سال و نیم در حالیکه پلیس هنوز درحال اغفال بود مullet تصمیم و زارت فرهنگ که کارمندان خود را از دخالت در رسایست منع میداشت تعطیل شد ولی تا آن‌هنگام کارخود را کرده بود. ازینان روشنفکرانی که در اطراف آن و ارانی گرد آمده بودند کادرهای پرای آینده حزب تربیت یافتند هم اکنون مجله‌ی "دنیا" ارگان تشوریک حزب ماکه ادامه دهندۀ‌ی کار ارانی و پاران اوست.

اسناد آنروزی دنیارانتشرمیکند تاخوانند کان به اهمیت کاریکه آنروز انجام شده است بی ببرند.

از روایت این در وان کوتاه که دیارید پیشنهشت ۱۳۱۶ با پایان داشت عده‌ای از کارگردانان حزب پایان می‌پذیرد میتوان اعتماد کارگران راه اهن مازندران و اعتماد بهای دانشکده‌ی فنی تهران و مدرسه‌ی دارالفنون را ذکر کرد. اعتماد بیرون خواستار بیهود وضع تدریس و تعلیم برشی از معلمان بودند که خواست آنها، بد و آنکه پلیس بی برد و باشد که اعتماد از چه ناحیه‌ای اداره میشود براورد شد. کشف سازمان نوین حزب که مقدمه محکمه معروف به ۳۵ تفر بود برای یکباره گرفتاریت حزب را دچار وقته کرد. ولی خود محکمه‌ی ۵۳ نفر، دفاع متمهین و در درجه‌ی اول دفاع تاریخی دکتر ارانی انگیزه‌ای بود برای شناساندن حزب کمونیست و کمونیستهای ایران که دستگاه حکمه را بجای خود روی نیعمت متمهین نشاندند.

پایان در وان اخیر فعالیت حزب کمونیست ایران آغاز پایان در وی خود کامگی و دیکتاتوری رضا شاه بود. سقوط رضا شاه امکانات جدیدی برای کارکمونیستهای فراهم ساخت. آنان تحت لوای حزب توده‌ی ایران بمعابه خلف شایسته و جانشین حزب کمونیست ایران کار و راه آنرا بمقایس بیسابقه ای داده دادند. آنچه راکه حزب توده ایران از تظریشکل آموزی، ترویج مارکسیسم لینینیسم و تربیت افراد با روح فد اکاری و از خود گذشتگی انجام داده با کلمات زیرین در تاریخ جنبش رهایی‌بخش کشوری مابت است و حک نشدنی است که خود تاریخی است جد اکاره، حبیم و اموزنده حزب ماهمندان زنده است و راهی راکه حزب کمونیست ایران بارگردان پیگیری و ففاد اری به آرمانهای آن ادامه داده و خواهد داد.

زنده باد پنجمین سالروز حزب کمونیست ایران!

زنده با تحریب توده‌ی ایران - وارث و ادامه دهندۀ‌ی راه حزب کمونیست ایران!

زنده باد کمونیسم!

برای تنظیم این سخنرانی علاوه بر اطلاعات و مقالات خود مختران ازد ارک نقل شده در آثار زیرین نیز استفاده شده است:

(۱) م . ن . ایوانوا - جنبش رهایی پخش‌ملی ایران
بقيه د رصفحة بعد

بقيه‌ی زيرنويس صفحه‌ي قبل :

М. Н. Иванова :"Национально-освободительное движение в Иране".

(۲) م . س . ايوانف .—"طبقه‌ی کارگر ایران معاصر"

М. С. Иванов :"Рабочий класс современного Ирана".

(۳) آگاهی .—نشر اندیشه‌های مارکسیسم .—لینینیسم در ایران

А. М. Агахи :"Распространение идей Марксизма-Ленинизма в Иране".

(۴) تقی شاهین .—تشکیل حزب کمونیست ایران (به زبان آذربایجانی)

Шахин :"Иран Коммунист партиясинын йараңмасы".



تزلّهای در باره وضع اجتماعی و اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست ایران (عدالت)

معرفی سند :

در زانویه ۱۹۲۱ کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست ایران سند مهم تحلیلی و تئوریک تحت عنوان "تزلّهای در باره وضع اجتماعی و اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست ایران (عدالت)" به تصویب رساند. این تزلّهای شامل بر توصیف وضع جامعه‌ی آنروزی کشورها و مشخصات طبقات مختلف و رابطه‌ی آنها نسبت به امرانقلاب و مرحله‌ی آنروزی چنین انقلابی است. این تزلّهای بعد‌ها به "تزلّهای چدر عواملی" معروف شد، زیرا حیدر درتنظیم و متصویب رساندن آنها نقش درجه‌ی اول داشته است. متأسفانه متن کامل فارسی این تزلّهای اکنون در دسترس نیست و ما بنایاً ترجمه‌ی آنرا از روسی ذیلاً بچاپ می‌ناییم. این ترجمه نیز همی‌ترها را در بزمیگرد و از کتاب "جنبش رهائی پخش در ایران" اثر روحش شوروی با نویسنده م. ن. ایوانوا اتخاذ شده است که خود وی آنرا از شماره‌ی ۱۷ مارس سال ۱۹۲۱ مجله‌ی شوروی "زندگی خلق‌ها" (Жизнь национальностей) ۱۷.III.1921 در آخذ کرد. است بدین ترتیب ترجمه‌ی روسی تزلّه‌ها درست در همان ایام در یک مجله‌ی شوروی بچاپ رسیده، اکنون باز دیگر بفارسی برگردانده می‌شود. طبیعی است که برای مامطلوب است متن فارسی را بیاییم، زیرا م بطیحات سیاسی آن ایام را بهتر منعکس می‌کند. اگرچنان توفیقی دست دهد ازramبد دا در "دنیا" بچاپ خواهیم رساند.

"تزلّهای چنانکه یاد او شدیم" مهمنتین سندی است که در آن ایام برای تحلیل مارکسیستی وضع ایران و توصیف طبقات جامعه‌ی آنروزی کشورها و تعیین تاکتیک حزب طبقه‌ی کارگر بعمل آمده و اهیت این تحلیل تا امروز محفوظ مانده است، زیرا وضع آن دوران را بادقت علمی نشان میدهد و معیار خوبی است برای مقایسه با امروز، یعنی دروانی که سرمایه داری و استبداد در ایران بطور نسبی رشد بیافتد و چهره‌ی جامعه‌ی سنتی قرون وسطایی تغییرات بسیاری کرده است. علی‌رغم این تغییرات، هنوز بقایای جامعه‌ای که در تزلّهای توصیف شده است و نقش طبقات آن در جامعه‌ی آنروزما باقی است و از این‌جهت تزلّهای متواتاند سندی تلقی شود که حتی از جهت پرانتیک انقلابی امروزی مخالفی از فایده نیست.

این سند نشان میدهد که کمونیست‌های ایران از همان آغاز بیک دید واقع‌بینانه و مشخص در مورد جامعه‌ی ایران، انقلاب ایران و نیروهای محركه‌ی انقلاب مجهز بودند و از اندیشه‌های قالبی و تقلیدی پرهیز داشته‌اند و اسلوب تحلیل مارکسیستی را بخوبی برمود مشخص ایران اطباق داده بودند. هدفهای فوری مطروحه در تزلّهای طرد اشغالگران انگلیس و بریتانیا بساط رئیم قاجار علی‌شد، ولی روشن است که چنین انقلابی نتوانست به پیروزی‌های اساسی تراویتی دست دست یابد و پیروزی‌توانست در موضع علمی مطروحه در تزلّهای باقی بماند و دچار انحراف راست و چپ نشود. ما بررسی دقیق این سند مهم تاریخی را به خوانندگان ارجمند "دنیا" و همه‌ی رفقای حزبی توصیه می‌کنیم.

۱ "ایران در مرحله‌ی گذار از زندگی پدرشاھی - عشايری و فعد الی بسرايیه داري قراردا رد .
۷۵ درصد اهالی که بطور عدد بکار رفاقت مشغولند از اهالی ده نشين و شهرنشين و ۲۵ درصد از
عشایرچاد رشین تشکيل شده اند . پگانه طبقه‌ی اساسی و مولد ایران ده قاتان "حقنکشندکه" رعیت
نام دارند که بد ون بهره‌کشی از کار دیگران ، اقتصاد کوچک خود را اداره میکنند . فعد المهاز زمیندا
(خانها ، مالکان) ده قاتان را بیرحمانه استثمار میکنند . آنان باتکیه بقدرت دولت ده قاتان را عملاء
وابسته بخود و ملک خود نگاه داشته اند و نه تنها زمین و اموال منقول ده قاتان ، بلکه جان اورانیز درید
تصرف خود دارند .

دستگاه دولتی ایران که بطور عدد از اشرافیت کهنه‌ی فعد الی تشکيل شده ، بعلت آنکه رسم
فروش کلیه‌ی مقامات و مشاغل دولتی تا امروز محفوظ مانده است به مردمی که تحت رهبری اوست بمشابه
غلامان و باجگذاران مبتکر و تنها توجهش معطوف اخذ حد اکثر عایدی از اهالی است ضعن آنکه تمام
سنگینی مالیات‌ها رنگارنگ و جبارانه برد و شد ده قاتان قراردارد که اورا ورشکست میکند ، آواره میسازد .

۲

عشایرچاد رشین که تقریباً در وضع بد وی زندگی میکنند و سایل زندگی خود را از جمله از غارت
و مشکل اهالی ساکن بدست می‌آورند . آنها ده قاتان را به پرداخت سیوریات و مالیات دائمی نقدی و
جنسي مجبور می‌سازند . با آنکه تاخت و تاز چاد رشین زبان عظیمی به زارعین بی سلاح وارد می‌سازد ،
شاه و دلتش علیه آنها دست بکوچکترین اقدام نی زند ، زیرا اولاً باهیچ نیروی نمیتواند با آنها
مقابله کند ؛ ثانیاً عشايرچنگی و مسلح د صورت بروز خطرو اخلي و خارجي پشتیان او هستند (۱) .

۳

صناعت فابریکی بزرگ در ایران بهبیچوجه موجود نیست . کوشش‌هایی که در آغاز قرن بیستم برای
ایجاد آنها شده در راه راکش انگلیس و روسيه‌ی تزاری بناکامی کامل انجامیده است .
همچنین صنایع بزرگ معدنی وجود ندارد ، بی راسرايیه داران انگلیس و روس که امتیازات مختلفی
از شاه گرفته اند ، همه‌ی ترقیه‌ای طبیعی کشور را بخود منحصر ساخته و اکثر آنها را بلا استفاده گذاشته
اند . فقدان مطلق راه‌های اهن ۰ ۰ ۰ برای تکامل اقتصادی ایران مانع بسیار بزرگ پدید آورده
است .

در ایران پرولتاریای صنعتی بهبیچوجه وجود ندارد . گروههای کارگران فابریکی که در دو ران
تلash برای ایجاد صنایع بیوی آغاز پیدا ایش نهادند پس ازیسته شدن فابریکها یخشی بخارج (بطور
عدد بآکو) مهاجرت کردند و بخش دیگر در شهرهای بزرگ سکونت گزیدند .
سرمايه داری اروپا در جریان نفوذ خود در ایران صنعت پشه وری را که زمانی بسطی فراوان داشت
و اکنون شاید پژوهتم نیم آن باقی مانده باشد تقریباً بکلی نابود کرد و صدها هزار پشه ور و حرفه مند را
بعقوف فقرا وارد ساخت .
لوصین پرولتاریا که از کارگران ، پشه وران و حرفه مندان سابق تشکیل میشود و انبوه ده قاتان

(۱) مسئله‌ی تناقض موجود بین ده نشینی و چاد رشینی که دریند ۱ و ۲ این تزها آمد است یکی از
مسائل رهگشا برای درک ویرگی سیرتاریخ درکشواره است . مترجم

ورشکسته و بی‌زمین داعماً با آن می‌پیوندند بخش مهی از اهالی شهرهای ایران را تشکیل میدند. این طبقه بعلت شرایط تحمل ناپذیرگذ ران خود دارای روحیه‌ی کاملاً انقلابی است ولی کاملاً غیرمت Shankle است و فاقد آگاهی طبقاتی است.

۴

سرمایه‌ی بازگانی که طولانی تر و مجد انه تراز همه برای حیات خود مبارزه کرده است سرانجام در ایران حصاری شدن اعتبارات بدست باانکهای خارجی سکوی شد و اکنون تجار ایرانی در آستانه‌ی ورشکست کاملند. ۰۰۰ این وضع شاق بورژوازی کوچک و متوسط تجاری ایران روحیات انقلابی معینی در وی ایجاد میکند.

۵

روحانیت در ایران فوق العاده کثیرالعد است. تقریباً صد هزارنفر به زمرةی روحانی تعلق دارند. روحانیت نقشی عظیم در زندگی کشور ایفا میکند، زیرا قدرت قضائی و معارف درست آنها است. ۰۰۰ روحانیون به دو بخش (۱) مختلف قویات تقسیم میشوند. بخش فوقيه که "مجتبه‌دین" نام دارد از اراضی زراعی و سیعی را در دست دارند و به ملاکان بدل شده اند و برد هفقاتان ستم میرانند و آنها را استثمار میکنند. این بخش روحانیت بسیار مرتاج است و تماماً از دولت شاهی حمایت میکند. بخش دیگر روحانیت که بیشتر شهرنشین است از موقعفات پهله ای ندارد و از جهت منافع اقتصادی خود بـ بورژوازی کوچک پیوند نزدیک دارد. این بخش روحانیت خواستار اصلاحات دموکراتیک است و در انقلاب سال ۱۹۰۸ (۲) شرکت فعال داشته است.

۶

طبقه‌ی حاکمه‌ی امروزی ایران یعنی ملاکان (که تنها قریب سه هزار است) دارای دهها وحدت‌ها ده یعنی اراضی زراعی و دهقاتانی هستند که در این اراضی به کشت و کارمشغولند. طبیعی است که این ملاکان امیدوار نیستند که بتوانند وضع اقتصادی خود را دریک ریز نمود. لذا با تمام قوا حافظ نظم موجود یعنی دولت ارتجاعی شاه و حاکمیت امپرالیستهای خارجی هستند. ملاکان در رک میکنند که با سقوط حاکمیت سپیطره جویان بیگانه، قدرت خود آنها ساقط میشود، لذا باد و دست بد امن انگلیس چنگ میزنند و با تمام قوای مکوشند نفوذ این کشور را حفظ کنند. هرجنبیش از قلبی، حتی اگر خالص ملی هم باشد، و علیه انگلیس متوجه شود، از طرف ملاکان بارفتار خصمانه و مقابله‌ی مسلحانه روپرور میشود.

احکام فوق نشان میدهد که اکنون ایران کشور یست که از لحاظ اقتصادی رشد یابنده نیست بلکه به قهر امیروند و این و خامت داعمی شرایط اقتصادی زندگی اکثریت اهالی زمینه‌ی مساعد برای انقلاب

(۱) در متن روسی ترها "به دو طبقه مختلف" ذکر شده ولی بعد از دو بخش روحانیت صحبت شده است. ماهمه‌جا بخش ترجمه کرده ایم. مترجم

(۲) متصود انقلاب ۱۹۰۵ – ۱۹۱۱ مشروطیت ایران است. مترجم

ایجاد میکند. علیه تنها طبقه‌ی ضد انقلابی (۱) ملاکان بزرگ طبقات بالقوه انقلابی زیرین ایستاده اند:

الف) مقدوم برهمه هزاران پیش ور و حرفه مندو کارگر کارخانه‌های تعطیل شده و دهقانان بی زمین که در جستجوی کارگری خته اند و طبقه‌ی فقراء شهری را تشکیل میدهند.

ب) تعداد انبوی دهقانان (ریت) که نه تنها از حق مالکیت پرملک و خانه و چاریا، بلکه از حق شخصیت نیز محرومند و ملاکان و خانها و مجتهدان آنها را بیرحمانه بهره‌کشی میکنند و در زیربار سنگین بهره‌ی ملاکانه و مالیات د ولتشی کمر خم کردند و امیدی به پنهانی وضع رقت بار خود در صورت حفظ نظام موجود ندارند.

ج) طبقه‌ی انبوی کاسپکاران متوسط و کوچک که به سه میلیون و نیم بالغ میگردند (۲) و در مرز فقر کامل قراردادند و در رک میکنند که رقابت روز افزون سرمایه‌ی انگلیسی و بقای نظام گذشته طبقه‌ی کاسب ایران را به فنا قطعی میکنند.

همه‌ی طبقات نامبرده در فوق پانزده سال است در حال جوش و خروش انقلابی هستند و خرابی وضع اقتصادی آنها به تراکم روز افزون انرژی انقلابی کلک میکنند و انجارانقلابی را تاکنیز میسازد. بدین ترتیب روشن است که مرحله‌ی اول جنبش انقلابی باید دارای خصلت رهائی بخشن ملی باشد" (۳)

(۱) در ترجمه‌ای از پژوهی کمپاراد و رکه بنویه‌ی خود دارای خصلت ضد انقلابی بود ذکر نشد. مقتضی مترجم

(۲) درصد ها و پیکره‌هایی که در این سند ذکر شده است قاعدتاً باید تخمینی و حد سی باشد. مترجم

(۳) متن تزهاد رکتاب بانو ایوانوا بهمین جا خاتمه می‌یابد و سپس این جملات اضافه شده است:

"تزهاد مقابله سازمانهای حزبی دو وظیفه‌ی اساسی زیرین را قرار میدارد: (۱) بیاد اشتمن و

گسترش دادن جنبش رهائی پخش ملى برای اخراج امپریالیست‌های انگلیس از ایران و

براند اختن شاه — امری که با جریان اول ارتباط ناکنفردارد؛ (۲) بهم پیوستن و سازمان

دادن دهقانان و فقراء شهر در پوسه‌ی مبارزه با امپریالیست‌های انگلیس." (صفحات ۱۰۱-۱۰۵)

تا ۱۰۵ کتاب م. ن. ایوانوا "جنپش رهائی پخش ملى در ایران در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۲۲" (۱۹۶۱).

چاپ نشریات خاورزمین مسکو سال ۱۹۶۱. ترجمه‌ی تزهاد مقابله و حواشی از ۱۰۰ ط.

در باره برخی از

شخصیت‌های حزب کمونیست ایران

(حیدر عواغلی، سلطان زاده، نیک بین، شرقی)

اخیراً رفیق حزبی ما علی شمیده (دکتر در تاریخ) جزوی ای بنام "لنین و ایران" بزم‌نامه‌ای روسی و اذربایجانی به‌چاپ رسانده است که به حد مین سال میلاد لنین اختصاص دارد. در این جزو اطلاعات و اسناد تاریخی جالبی که حاکی از روابط طولانی لنین با کشور ما، چنیش انقلابی آن و افراد جد اکانه است، گرد آمده است. ما اطلاعات کوتاه زیرین را در باره‌ی زندگی حیدر عواغلی، سلطان‌زاده، کریم نیک بین، و حسین شرقی (جویا) که هریک در تاریخ حزب کمونیست ایران نقش مهمی ایفا کرده اند با موافقت خود رفیق شمیده استخراج و بمناسبت رابطه‌ی این شماره‌ی مجله‌ی "دنیا" با پنجمین سالگرد حزب کمونیست ایران، درج می‌کنیم.

"دنیا"

حیدر عواغلی

حیدر عواغلی فرزند میرزا علی اکبر افشار در ۲۰ دسامبر ۱۸۸۰ در شهر ارومیه متولد شد. پدر رش طبیب بود و چون در پیرخی مخالفتها با دولت وقت شرکت جسته بود در سال ۱۸۸۶ با خانواده‌ی خود ایران راترک و به شهر اکساندروپل (لنین‌کلان کنونی در ارمنستان شوروی) آمد. در سال ۱۸۹۱ حیدر دبیرستان (زمیناز) ایروان را با کامیابی پایان داد و در ۱۸۹۸-۹۹ دانشکده‌ی انژئوکنیک تفلیس را تمام کرده در سال ۱۸۹۸ وارد سازمان "حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه" (سازمان قفقاز) شد و به باکو رفت و دریک فابریک نساجی بکاری‌ماشین برق مشغول شد و سپس به سمت‌های مهندس برق و استاد و سرمکانیسمین در چاههای نفت متعلق به تقی اف بکار پرداخت. در سال ۱۹۰۳ حیدر به مشهد رفت و کوشید تا در انجاسازمان سوسیال دموکرات را برای نخستین بار در ایران بوجود آورد. ازانجا حیدر به تهران رفت و در راه آهن تهران - شهر ری و سپس بنوان مکانیسمین برق در کارخانه‌ی برق حاجی امین‌الضیب بکار پرداخت. حیدر بمناسبت شرکت فعال و موثر خود در انقلاب مشروطه (۱۹۰۵) - ۱۹۱۱ بارها تحت تعقیب قرار گرفت و یا تبعید شد. پس از انقلاب اکتبر، در سال ۱۹۱۹، حیدر به سمت عضو کمیته‌ی انقلابی جمهوری خاور بانیوهای گارد سفید و مداخله گر مبارزه کرد. در ۱۱ سپتامبر

۱۹۲۰ نخستین پلنوم وسیع حزب کمونیست ایران وی را بعنوان دبیرکل کمیته‌ی مرکزی نهاد حزب انتخاب می‌کند. در زانویه ۱۹۲۱ کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست ایران تزهای معروف "در باره‌ی وضع اقتصادی و اجتماعی کشور" را منتشر می‌کند و از آن‌جاکه حیدر مصطفی این تزهای است بنام او معروف است.^(۰) ما بخشی از این تزهای راهنمای شماره نشود اد ایم - دنیا^(۱). چهارم اوت ۱۹۲۱ حیدر کیسرام امور خارجه در دلت شوری گیلان شد. وی در ۲۰ سپتامبر ۱۹۲۱ در نتیجه‌ی یک توطئه‌ی ضد انقلابی غدارانه بقتل رسید.

سلطان زاده (آتویس میکائیلیان)

سلطان زاده در سال ۱۸۸۹ در مراغه متولد یافت. از آغاز جوانی به سوسیال دموکرات‌های انقلابی پیوست. در ۱۹۰۷ در جنبش سوسیال دموکراتیک قفقاز شرکت جست. در ۱۹۱۲ عضو حزب بلشویک شد و در روسیه و قفقاز و آسیای میانه به فعالیت حزبی و انقلابی مشغول شد. در سال ۱۹۱۹ به عضویت حزب "عدالت" - حزب سوسیال دموکرات‌های ایرانی درآمد و بعد هایکی از مبتکران تشکیل حزب کمونیست ایران شد و در کنگره‌ی اول این حزب در سال ۱۹۲۰ و کنگره‌ی دوم آن در سال ۱۹۲۷ شرکت جست و به عضویت کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست ایران انتخاب شد.

از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۰ سلطان زاده به مثابه یکی از رهبران حزب کمونیست ایران در کنگره‌های ۲ و ۳ و ۴ کمینترن و ۱ و ۲ و ۵ و ۶ پروپریتین شرکت جست و از تربیوهای این مجتمع برای دفاع از حقوق مردم ایران استفاده کرد. سلطان زاده تاریخ و اقتصاد ایران را خوب می‌شناسخت و آثار متعددی در تحلیل وضع سیاسی و اقتصادی کشورشونشته است. سلطان زاده در مسئله‌ی جنبش رهایی پوشید چار اشتباها را چپ روشهای جدی بود و ازانجا به ضرورت همکاری پروندهای و دهقانان با سوزن‌واری ملی در مرحله‌ی انقلاب ملی و دموکراتیک بی نمیرد. در جلسه‌ی عمومی کنگره‌ی دوم کمینترن سلطان‌زاده در باره‌ی دورنمای انقلاب اجتماعی در شرق سخن رانده که لینین در باره‌ی آن ملاحظاتی را قید کرده است. (کلیات لینین بزیان روسی - جلد ۴۱، صفحه ۴۵۷) (۱)

کریم نیک پیر

در سال ۱۸۹۳ در تبریز متولد شد. از آغاز جوانی در جنبش رهایی پوشش لارگی ایران شرکت داشت. از سال ۱۹۱۷ عضو حزب کمونیست (بلشویک) روسیه شد و رأسای میانه علیه مد اخله گران خارجی و "باسماچی‌ها" (باند های مسلح ضد انقلابی) نبرد کرد. از سال ۱۹۲۱ تا سال ۱۹۲۵ امور حزبی را در تهران رهبری کرد. سال‌های چند بپراول حزب کمونیست ایران بود.

(۱) لینین در این ملاحظات خود در باره‌ی گزارش سلطان‌زاده چنین مینویسد:

"در باره‌ی دورنمای انقلاب اجتماعی در شرق:

(۱) انتحطاط طبقات استعمارگر و دارا ؟

(۲) پوشش عددی اهالی دهقانانندکه در معرض استشارقرون وسطائی قراردادند ؟

(۳) در صنعت باپشه و ران خرد پا رو برو هستیم ؟

(۴) نتیجه :

باید موسمات شوروی و نیز حزب کمونیست را (از جهت ترکیب اعضا و وظایف خاص آن) با شرایط

کشورهای دهقانی شرق مستعمراتی توافق داد. همه‌ی مطلب در اینجاست.

حسین شرقی یا "جویا" در سال ۱۹۰۳ در عشق آباد در خانواده‌ی پک خیاط تبریزی بنام مشهدی هاشم متولد شد. در استان ایرانی "مظفری" و در استان روسی راد رهمین شهر گذراند ۱۰ از آغاز جوانی در فعالیت سازمان جوانان لنینی (کمسوول) در ترکمنستان شرکت جست و در سال ۱۹۲۱ بنمایندگی از سازمان محل به کنگره‌ی جوانان در مسکو اعزام شد. پس از آن در "کوتو" یا "دانشگاه کمونیستی رحمتکشاون خاورزمین (KVTB)" به تحصیل پرداخت و پس از اتمام تحصیل در همان دانشگاه معلم اقتصاد شد. از ۱۹۲۶ برای کارخانی به ایران آمد. در سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۱ دبیر اول حزب کمونیست ایران بود و در تهران، رشت، تبریز، فعالیت داشت. در سال ۱۹۳۱ بعلت تعقیب پلیس مجبور شد از کشور خارج شود و پارها در "کمینترن" و "پروفینترن" بنمایندگی ایران شرکت جست. در یکی از کنگره‌های کمینترن بنمایندگی کمیسیون بازرگانی انتخاب شد. در ۱۹۳۱ وارد "انستیتیوی پرفسوری سرخ" شد و پس از انجام تحصیل در راکانهای حزبی در ازبکستان شوروی به فعالیت پرداخت و تا ۱۹۳۸ به این فعالیت مشغول بود.^(۱)

(۱) در جزوی "لنین و ایران" اطلاعات کوتاهی نیز در پاره‌ی یکی دیگر از شخصیت‌های حزب کمونیست ایران رفیق سیروس بهرام آمده است. ازان‌جاکه خوانندگان "دنیا" بازندگی و آثار رفیق سیروس بهرام که اینک در شهر دوشنبه هشتاد و ششمین سال زندگی خود را می‌گذراند اشاره تفصیلی دارند، آن اطلاعات کوتاه در اینجا نقل نشده است.

آنتی کمونیسم - مترادف ارجاع سیاه در قرن بیستم*

آنتم کمونیسم - هسته‌ی استراتژی امپریالیستی

کنفرانس جهانی سال ۱۹۶۹ ضرورت تقویت مبارزه‌ی احزاب برادرانه آنتی کمونیسم مورد تائید قرار داد. آنتی کمونیسم مترادف ارجاع سیاه در قرن بیستم است، سلاخی است که امپریالیستها آن میخواهند جنبش جهانی انقلابی راتزمز کنند، و سیستم سرمایه‌داری رانجات دهند. اما همانطور که در سند اصلی کنفرانس جهانی تصریح گردید، امپریالیسم دیگران قدرت راند اردکه بتواند ابتکار تاریخی ازدست رفته را در پایه بدهد است آورده و تکامل جهان معاصر را به قهقهه بکشاند.

آنتم کمونیسم، که یک دوران کامل مبارزه‌ی تاریخی - جهانی میان موسیالیسم و سرمایه‌داری را در بر میگیرد، هسته‌ی استراتژی عمومی طبقاتی بورژوازی امپریالیستی را در شرایط تحقیق بحران عمومی سرمایه‌داری و رشد نیروهای سوسیالیستی (یعنی نیروهای جنبش کارگری و مجموعه‌ی جنبش آزادی پیش) تشکیل میدهد. تجربیات حاصله می‌آموزد که هرقد رنیروهای ترقیخواه قوی شوند، بهمان اندازه آنتی کمونیسم فعالیت خود را بیشتر بسط میدهند و اسلوبهای محیلزه تری بکار میبرند.

پایه‌ی این سیاست کماکان سمت گیری درجهت قدرت نظامی ایالات متحده ای امریکا و ان‌کمپلکس صنعتی - نظامی عظیمی است که براساس این قدرت نظامی پدید شده و رشد یافته است. محاکمه سرمایه‌ی اتحادیاری سایرکشورهای بورژوازی هم حساب خود را برروی همین قدرت مبتنی می‌سازند. مثلا روزنامه‌ی ارجاعی "لوفیگارو" (Le Figaro) در ۱۹ ژوئیه‌ی سال ۱۹۶۹ نوشته:

"در مقابل موفقیت‌های مارکسیسم - لینینیسم فقط یک حامی وجود دارد و آنهم ایالات متحده ای امریکاست، فقط یک سپرورد دارد که آنهم امریکادرد است دارد."

صریحترازین نمیتوان بیان کرد. "سید"‌ی که "فیگارو" ازان یاد میکند، فقط نیروی انتی امریکانیست، بلکه مجموعه سیستم بلوك نشامی تهاجمی است، که علیه اتحاد شوروی و سایرکشورهای سوسیالیستی، و در آخرین تحلیل علیه تمام مبارزان ضد امپریالیسم متوجه است.

ماده‌ی کذائی، پیمان اتلانتیک شمالی از اعضا "ناتو میطلبد":

"بهریک از کشورهای غضو هر نوع کمک نظامی ویا غیرنظامی و پشتیبانی در مورد بخطه افتادن استقلال سیاسی و امنیت آن مبذول گردد."

* از خزانی رفیق بیوس پاناما ریف دبیرکمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنفرانس تغییر بین‌المللی در مورد آنتی کمونیسم بمناسبت صد میان‌سال‌لین (مسکو، ۲۳-۱۹ ژوئن ۱۹۶۹)

بعبارت دیگر مسئله اینطور مطرح است که هرگاه رشد جنبش انقلابی و دموکراتیک در یک کشور معین عضو ناتو وضع "خطرناکی" برای حکمرانی سرمایه داری و ارتقای وجود آورد، مد اخله‌ی نظامی مجاز شمرده شود.

یونان نمونه‌ی بارز این سیاست است. ارتقای یونان که از بسط جنبش دموکراتیک بینناک شده بود، با کمل مأشین نظامی مخلوق ناتو، درکشور یک رژیم دیکتاتوری بوجود آورده باشند و کشتار تود مای کو نیست هاو سایرد دموکراتها مستقر گردید. و این بهیچوجه یک مورد تصادفی، یک استثنای نیست. بطونیکه روش شده است نقشه‌های نظری نیز از طرف گروههای نظامی ارتقای ایتالیا تعجبه شده بود. (پرونده‌ی معروف به "سی فار") (Sifar)

شبکه‌ی وسیع سازمانهای فاشیستی و پروفاشیستی

درین حال محافظ امپرالیستی حاکم، شبکه‌های وسیع سازمانهای فاشیستی و پروفاشیستی گو ناگون را در ذخیره دارند که نیروی ضربی آنکه کمونیسم هستند، در ایالات متحده‌ی امریکا قریباً ۲۰۰۰ نوع از این سازمانهای موجود اند. در اروپای غربی، فاشیسم علاوه بر اسپانیا، پرتغال و یونان در احزاب نشو فاشیستی آلمان غربی و اتریش و همچنین در سنه‌های نئوفاشیستی ایتالیا، پفعالیت مشغول است. درین حال حاضر احزاب و دسته‌های نئوفاشیستی در پیش از ۱۰۰ کشور کار میکنند. از این سازمانهای تعداد اتحادهای بین المللی ایجاد شده است. در ایالات متحده‌ی امریکا ده‌ها مرکز آنکه کمونیستی متخصص در این کار، خبرگزاریها و انتیتوهای برای پژوهش "مسائل کمونیسم" وجود دارد. عده‌ی کثیری از آنها خارج از میزهای ایالات متحده‌ی امریکا فعالیت میکنند.

آنکه کمونیسم بارز: فعالیت اعضاء اصلی آپارات دولتی، احزاب سیاسی و انتیتوهای ایدئولوژیک آلمان غربی را همیری میکند. بیش از ۹۰ انتیتویی پیزه و انجمن‌ها با سیستم مالی دست و دل پیاز انحصارهای مرسوط هستند، که تحت عنوان کلی "خارپژوهی" (Ostforschung) معروف است. این انتیتوها "رد" تئوری ماکسیستی-لنینیستی و جمع آوری اطلاعاتی راجع به مجموعه‌ی جهات زندگی کشورهای سوسیالیستی راوظیفه‌ی خود قرارداده اند و پیشنهادها و رهنمودهای را برای سیاست داخلی و خارجی امپرالیسم آلمان غربی و همچنین برای تبلیغات ضد کمونیستی آن تنظیم میکنند. یک قسمت مهم وسائل و کوشش‌های تبلیغات ضد کمونیستی آلمان غربی طیه جمهوری دموکراتیک آلمان است.

در مقیاس جهانی، یکی از حلقات مهم سلسله‌ی فعالیت آنکه کمونیستی ایالات متحده‌ی امریکا که از ده‌سال قبل از طرف وزارت امور خارجه انجام میشود "سپاه صلح" است که در حال حاضر ۱۵۰۰۰ عضو دارد و فعالیت خود را در ۱۵ کشور پیشداده است. نظیر این سازمانها پس از ایالات متحده امریکا از طرف دولتهای آلمان فربی، انگلستان و رژیم نیز تشکیل شده است.

درکشورهای آسیائی، افریقائی و امریکای لاتین مراکز بین‌المللی ارتقای و آتشه مثل "جمعیت ضد کمونیستی مل آسیا"، "اجتماع ضد کمونیستی مسیحی آسیائی"، "جمعیت جهانی ضد کمونیستی" و بسیاری دیگر، فعالیت مشغولند.

یکی از پژوههای "جتنگ روانی" علیه کمونیسم، که ستادهای سیاسی امپرالیسم اینروزهای را کرد، اند، همارست از بکار بردن استراتژی مختلف برای مقزششونی.

در اشکوب "بالائی این ساختمان" "تئوریسم" هایی مانند د. بورن هام (D.Burnham)، ر. آرون (R. Aron)، و. روستو (W. Rostow)، د. بل (D. Bell)، ز. بزرگنیسکی

(Z. Brzezinski) و دیگران فعالیت میکنند. اندیشه های ضد انقلابی و ارجاعی "جامعه واحد منعیتی"، باصطلاح "انقلاب نئوکاپتالیستی" ، "ایدئولوژی زد ائی" "جامعه و همچنین اندیشه فرضی ازد است دادن نفوذ اجتناب ناپذیر ایده های کمونیستی تحت تا "ثیرانقلاب علمی - فنی از مفروضی این آقایان سرچشمه میگیرد. ارجاعی ترین نوع این تفکر "تئوری همگرایی" است. در کتابهای تئوریسم های آنتی کمونیست، که برای باصطلاح طبقه ای ممتاز تهیه شده است، نقطه ای میدا ا آنتی کمونیسم طبق وضع هرکشور پایه گذاری شده و دلائل علمی کاذب برای آن تهییه گردیده است.

وظیفه "اشکوب" میانی این ساختمان آنتی کمونیستی عبارت است از "ترویج" اندیشه های آنتی کمونیستی که هم اکنون آماده شده است، بوسیله درسنامه های باصطلاح "علمی" عامه فهم. در این مرحله ما بانیوهای که بایدست خوش تا "ثیرات آنتی کمونیستی این افراد قرار گیرند رو برو هستیم یعنی جوانان محصل، روشنگران و کادر راهی سازمانهای مختلف اجتماعی و احزاب سیاسی. بالاخره در "اشکوب" پائینی وسائل توده ای تبلیغاتی آنتی کمونیسم قرار ارده که بوسیله میلیونها جلد محصولات چایی، بوسیله ای رادیو و تلویزیون نفوذ میکند. اینست دستگاه عده ای "جنگ روانی" که باکلیه ای وسائل در میلیونها انسان تا "ثیر میکند. توجه ویژه ای معطوف میشود که سخن دروغ عنوان "کلام عینی" جازد شود. تکیه ای اساسی بر روی فاکتهایی که اشته میشود که باگرایش و نظریات خاصی انتخاب شده و مورد تفسیر قرار میگیرد و بدینوسیله میکوشند تا سوسیالیسم را بشکل مضحك و اقترا آمیزی عرضه دارند.

هدفهای استراتژی امپریالیستی

- آنتی کمونیسم مدرن سه وظیفه ای بهم پیوسته برای خود قائل است :
- ۱) سوسیالیسم را باید کند و بالا قل و وضع کشورهای راکه در آنها انقلاب سوسیالیستی پیروز شده است و بمقایه پشاوهنگ پروسه ای انقلابی درجهان به پیش میرود، تضعیف نماید؛
 - ۲) از پیروز انقلاب درکشورهای خودی جلوگیرد؛
 - ۳) از گذاشتهایی که خود را از زیر بار حکمرانی استعماری امپریالیسم آزاد کرده اند، برای تحولات سوسیالیستی مانع بعمل آوردن آنها را در دائره ای استثمار و حکمرانی خود نگاه دارد.

این هدفهای استراتژی آنتی کمونیستی امپریالیسم تغییرنکرده است. اما امپریالیسم در شیوه های اجرایی آنها خود را مجبوری بیند تغییراتی راکه درجهان درنتیجه ای کامیابیهای پیروزی سوسیالیسم و سایرینهای مترقب و انقلابی از پیش میرود، د نظر بکیرد.

درحال حاضر استراتژهای آنتی کمونیسم قدرت نظامی و اقتصادی عظیم اتحاد شوروی و خطر بزرگ ایجاد یک جنگ جهانی را برای خود امپریالیسم ایالات متحده ای امریکا در نظر میگیرند. هر قدر دستهای امپریالیسم برای ایجاد یک جنگ جدید جهانی بسته باشد، و هر قدر درونمای یک هجوم جهانی به سوسیالیسم برای او خطروناکتر بیاشد، بهمن اند از جهت ایدئولوژیکی - سیاسی آنتی کمونیسم بیشتر در درجه ای اول اهمیت قرار میگیرد.

اما احتی برای یک لحظه نباید فراموش کرد، که امپریالیسم از توپیت وسائل نظامی برای مبارزه علیه کشورهای سوسیالیستی غلت نمیکند. خطر قدرت نظامی بهیچوجه از دستور روز مبارزه ای طبقاتی بین المللی زد و ده نشده است. همچنین خطر یک جنگ جهانی همیشه وجود دارد.

تقویت نیروی نظامی ضربتی ایالات متحده ای امریکا، که هدف عمدہی آن اتحاد شوروی است و خواهد بود، ادامه دارد. و انتی کمونیسم نقش درجه ای اول را برای توجیه این روش بازی میکند. ایدهٔ تلافی‌جوئی اجتماعی و تغیر تراپس نیروهاد رجهان بنفع نظم منسخ سرمایه داری که پایه واساس انتی کمونیسم است، پیوند ناگستنی میان انتی کمونیسم و تهاجم، میان انتی کمونیسم و خطر جنگ برای ملل صلح طلب را آشکار میسازد.

تاکتیک نوین انتی کمونیسم

حالابینیم برخی جهات جدید تاکتیک معاصر انتی کمونیسم که مستقیماً علیه کشورهای سوسیالیستی متوجه است، چگونه است؟ در اینجاد و نکتهٔ مهم قابل ذکر است:

- ۱) امید به تفرقهٔ سوسیالیسم جهانی بعثابه سیستم،
 - ۲) "فرسایش" (Erosion) جامعهٔ سوسیالیستی و استحالهٔ آن (بعض هم بورژواشی).
- تجسم کامل این خط مشی امیرالیسم در باصطلاح دکترین "پل زدن" متجلی شده است. محتوی عدهٔ این تاکتیک انتی کمونیسم عبارت از انتستکهٔ کشورهای سوسیالیستی را در مقابل اتحاد شوروی قرار دهد.

سیستم جهانی سوسیالیسم، ارگانیسم اجتماعی جوان و رشد یابنده است. طبیعی است که این سیستم که از جهت سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک و مناسبات بین کشورها که در تماش این زمینه ها بر پایهٔ کاملانوی قراردارد، بدون مشکلات سیر نمیکند. مناسبات خالص انتربینیونالیستی یکباره برقرار نمیشود. براین اساس انتی کمونیسم کوشش میکند ازوضع سو استفاده کند. بهمین جهت انتی کمونیسم تزریزیونیستی "کمونیسم ملی" را به پیش میکشد که لینین پنچاه سال پیش آنرا "مهمل اشکار" نام گذارد. سکیلینگ (Skiling) مدیر "مرکز پژوهش روسیه و اروپای شرقی" که بتازگی در کانادا اتابسین شد، است، مینویسد:

"در ازیزیابی دقیق نقش و امکانات بالقوه، کمونیسم ملی میتواند وضع و سیاست معقولی را در مقابل تکامل حوادث آینده در اروپای شرقی و کشورهای کمونیستی برای ما امکان پذیر سازد" (۱). بهمین جهت باید سیاست مادرمقابل کمونیسم ظرفیت و محظايانه تر شود، ماباید از تبلیغات ناشیانه و تهدید به تهاجم اجتناب و زیم و گسترش آرام کمونیسم ملی را در ربلوک کمونیسم خواستار باشیم" (۲).

در جنبهٔ کمونیسم ملی "دکترین پل زدن" بر روی "تحولات داخلی" کشورهای سوسیالیستی و روحی انحراف ایدئولوژیک و سیاسی آنها سمعت گیری میکند. از نظر سیاست اجتماعی، این نظریات - ویرگی نوین آنها رهمنی است - نه فقط بر روی باقیماندهٔ طبقهٔ استعمارکنندهٔ شکست خورد و همراه - هان آنها کیه میکند، بلکه همچنین بر روی عناصر روزیزونیست و اپورتونیست است. این ویرگیهای تاکتیک انتی کمونیسم خود را آشکارا رحوادث معروف چکوسلواکی نشان داد. البته در ارتباط با این مسئله نباید خود باقی مانده است.

(۱) سکیلینگ، کمونیسم: ملی و بین المللی، تورنتو ۱۹۶۶، ص ۴

(۲) همانجا، ص ۱۱۱

در تابستان ۱۹۶۹ یکی از "شوریسمین" و - آنطور که دیده می شود - یکی از پر اتیمیسین های استرا -
ترزی آنتی کمونیسم واشنگتن تحت نام مستعار ریز گروس (George Gross) (در صحنه ظاهر شد .
رهنود های او پیطرغ غیر عادی رک و صریح است . بعیده هی گروس "لیبرال" های چکوسلواک یا -
اشتباه کرد و اندوان اینکه توجه خود را بر روی اجرای رفته های متصرک کرد نکه در آخرین تحمل کمونیسم
را باید از قدرت دور سازد . گروس می اموزد نیروهای "ازادی" می باشندی در درجه اول بر روی پلا تفرم
ناسیونالیسم متعدد می شدند و نه بر روی رفرمیسم آنتی کمونیستی . آنها میتوانستند شانس بزرگی بسیاری
کامیابی داشته باشند ، اگر برای تغییر وضع موجود چهارچوب کمونیسم (سوسیالیسم) عمل می کردند و از اغاز
شعار (رفرم) نظام سوسیالیستی را به پیش نمی کشیدند . گروس مرحمنه خبر میدهد :

"سه کلمه نتیجه گیری از این پژوهش را به بترین وجه نشان میدهند : تفرقه، اپورتونیسم
و ناسیونالیسم . از میان این سه کلمه ناسیونالیسم حرف آخر را باید بزند ، زیرا این
کلمه سرجشمه ای هم تفرقه و هم اپورتونیسم است" (۱)

ف
لنین پکرات این ضرورت را خاطر نشان ساخته است که باید موقع اشکال نوین مبارزه ای که از طر
د شمن طبقاتی بکار برد و می شود ، شناخت . این حکم لنین بخصوص در زمان ما همیت ویژه ای کسب
می کند ، زیرا جنیش انقلابی بایک تاکتیک روز بروز محیانه تر دشمن روبرو است ، که کوشاست اقدامات
ذلیف و شیوه های دسیمه کارانه راعیه کشورهای سوسیالیستی بکار بزند .
تمام تجربیات زمان معاصر اهمیت سیاسی عظیم آموزش لنین را تأیید می کند . همینکه امیرالیمس
امیرکار رسال ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۵ شیوه ای "تصاعد جنگی" (Escalation) را رویت نام بطری بیسابقه ای
تقویت کرد و عملیات تهاجمی خود راعیه جمهوری دمکراتیک ویتنام آغاز نمود ، روی یک کامیابی در جنگ
لاقل بدین دلیل حساب می کرد ، که در این زمان وحدت ارد و گاه سوسیالیستی بطور مشهود بوسیله
سیاست پکن تضعیف شده بود .

اگر مانکست این نقشه را تزدیک مورد مطالعه قرار دهیم ، نباید از تظر در برد از این که تهاجم
امریکا در رویت نام باشکست های سختی در نتیجه ای مقاومت قهرمانانه ای خود ملت ویتنام و در نتیجه ای
جنیش همبستگی و پشتیانی از ملت ویتنام از طرف تمام جهان ، و قبل از همه از طرف کشورهای سوسیالیستی
رو برو شده است .

مناطق سیاسی سر سخت است : هرگونه غلت در مبارزه ای ایدئولوژیک از طرف ما ، که خط تفرقه
نیروهای سوسیالیستی و تضعیف جنبش کارگری و ازادی پیش را به مرآه آورد ، در جناح ارتقای مخالف
امپریالیستی این سود ارابید ارمکند ، که مسائل بین المللی از طرق نظامی حل کند .

جهت عددی تهاجم : جنبش جهانی کمونیستی

در راش جنبش ضد امپریالیستی و انقلابی جهانی در عصر ما جنبش جهانی کمونیستی قرار دارد .
احزاب کمونیستی و کارگری تحت شرایط مشخص کشورهای خود نیروی بین المللی را مجمع می کنند و پیش
آهنه که متفقی را در جهان تشکیل میدهند . و درست بهمین جهت است که آنتی کمونیسم اتش خود را
علیه این احزاب متوجه ساخته است .

(۱) گروس - "کمونیسم تقسیم شده ، برخی ملاحظات درباره ای سیاست امریکا" ، مجله ای روسیه ،
ژوئیه ای ۱۹۶۹ ، صفحات ۲۲۶ - ۲۷۰

امپریالیسم بیوژه کوشش میکند یاروابط کمونیستها را بانیروهای اجتماعی مترقبی از بین پیرد و از هزا
کمونیست این امکان را برای داده نقش رهبری را بدست آورند و یانش رهبری را که آنها بدست آوردند
تضییف کنند. اینست هدف گیری آنتی کونیست دیشورهای سرمایه داری.

یک نوعی "شریعت" (Catéchisme) مبارزه علیه احزاب کمونیستی، کتاب ادگار هوور (Edgar Hoover)
رئیس پلیس مخفی فدرال ایالات متحده ای امریکاست، که "F.B.I." نام
دارد. هوور تحت لواز تفکر پلیسی خود کمونیستها را بیان میکند. "گروههای توطئه گران محدود الفکر" قلمداد
میکند. جعلیات آنتی کمونیستهای از نوع "بیمار لیبرال" و ازانجلمه سوسیال دموکراتها با همین
ادعاهای پلیسی پیوند دارد. با وجود این میدانیم که جنبش کمونیستی درست از همان آغاز موجود بیست
خود علیه شیوه های توطئه گرانه و فعالیت بلا تکیستی و ملکونیستی قد برآفرشت. لینین بطور قاطع
سکتاریسم و ماجراجویی انقلابی دروغین را محاکوم کرد و حزب را بکار دیریان توده هامتوحه نمود و برای
نیروی جنبش توده ها اهمیت عظیم قائل بود. کمونیستها به این ارشیه ای لینین وفاد ارزند.
هوور هدف جنبش کمونیستی را چنین بیان میکند:

"برقراری قهرآمیز یک نظام اجتماعی توتالیتر"^(۱)

این کالایکی از رایج ترین کالاهای دریازار آنتی کمونیسم است. بخلافه هوور کوشش میکند کمونیستها
را بمنزله ای نیروی ضد ملی مجسم سازد، که برخلاف منافع ملت خود عمل میکنند و خود را تابع "مراکز"
جاسوسی کرده اند. این یکی از همن ترین و رایج ترین دروغهای تبلیغات امپریالیستی است.
البته این بیان ناشیانه مضمون جعلیات تئوریک هوور را بیوژه گزند پذیرمیسازد. امپطور عده
ایده های آنتی کمونیسم علا از این قالبها خارج نمیشوند، اگرچه این ایده ها معمولاً از طرف اشخاص
ماهربی ترویج میشوند که میتوانند هم آنها را با سطح مختلف مردم و هم با شرایط ویژه ای کشور های
مختلف تطبیق دهند.
البته اینرا هم میدانیم که مبارزه علیه احزاب کمونیستی فقط تنها با وسائل ایدئولوژیک رهبری
نمیگردد. هوور نتیجه میگیرد:

"آنچه کمونیستهای فهمند، زبان زور است."^(۲)

آنچه کمونیسم بطور وسیع شیوه های تعقیب راعیه کمونیستها پکار میبرد، تاباوز گنجینه ای تفکر
کمونیستی و فعالیت کمونیستی را چو کند و توده ها را بترسانند. تاریخ پس از جنگ ایالات متحده ای امریکا
از تعقیب سرخ کمونیستها مطلع است. باصطلاح قانون مک کارن (McCarren) حزب کونیست
راغمال یک قدرت خارجی معرفی میکند و میخواهد که حزب کونیست، رهبران و اعضاً ان نام خود را
در پیک ارگان دولتی به ثبت رسانند. قانون ماده ای دارد که برئیس جمهوری حق میدهد، در صورتی که
دولت نظامی در کشور برقرار شود، کمونیستهای بیرون حکم دادگاه دستگیر کند و در ارد و گاه کار توقیف
نماید، یعنی همان کاری را بکند که هیتلر در آلمان کرده است. دولت نیکسون فعالیت اداره هیزارسی
علیه باصطلاح فعلیت خرابکارانه را ارزو زده کرده است. باز هم "لیست های سیاه" از کمونیستها
منتشر میشود که در آنها نام بیش از ۱۰۰۰ نفر درج است.
در اغلب کشورهای سرمایه داری علیه احزاب کمونیستی اقدامات خشنی اعمال میشود. تقریباً نصف

(۱) ادگار هوور - مطالعه ای کمونیسم، نیویورک، ۱۹۶۲، صفحه ۹۰

(۲) همانجا، صفحه ۱۸۶

احزاب کمونیست بطور مخفی و یانیمه مخفی کار میکنند. در آرژانتین، بربزیل، هائیتی، گواتمالا، جمهوری دومینیک، مکزیکو، نیکاراگوئه، پاتاما، پاراگوئه و سالوادور فعالیت اشکار کمونیستها اجازه داده نمیتواند پیکتاتوری نظامی مستقر در بربزیل برای اینکه توده ها را مروع کند و انها را از کمونیستها جدا نسازد و حزب کمونیست را زیر ضربه بگیرد، ترور و حشتناکی رامعمول میدارد. در همین کشور علیه کمونیستها تصویب نامه ای صادر شده است که مجازات اعدام را برای عملیات خرابکارانه پیش بینی میکند. سازمانهای ترویستی افراطی راست از قبیل MAC (جنسی انتی کمونیسم) و SCC (مرکز شکار کمونیستها) باکتف و پشتیانی ماًمورین د ولتی د رکشور مشغول کارند.

همانطور که راک دورسیلیه (Jacques Dorcillier) نماینده ای کمونیستهای هائیتی در رکنفران من مسکو سال ۱۹۱۹ گفت: در گستره ۱۲ سال حکمرانی رژیم دووالیه (Duvalier) تعدد اکسانیکه بدون انجام بازجوشی و دادرسی در زندان فورت دیمانش (Fort Dimanche) اعدام شده اند به ۰۰۰ ۲۶ نفرمیرسد.^(۱)

تعقیب وحشتناک و شدید علیه حزب کمونیست قهرمان جمهوری افريقای جنوبی اعمال میشود. همچنین در عده ای از کشورهای افریقا کمونیستها مورد تعقیب قرار گیرند.^(۲) قتل عام خونین اند و نزی که در آن ده ها و دهها هزار کمونیست و دموکرات توسط ارتجاج قربانی شدن از خاطرها محو شده است. چیزی که درین میان جالب است، اینست که این قتل عام نه فقط از طرف مخالف امپریالیستی جهانی تا مید شد، بلکه همچنین مورد تاً بید رهبری اتحاد های ازاد قرار گرفت. سازمان محلی آسیائی IBFG در کنگره ای هشتم خود تصویب کرد، باید کاری کرد "تا آخرین نیروهای کمونیستی اند و نزی از بین برد شود".^(۳)

بینیم در اروپای "مقدم" وضع از چه قرار است. اینجا هم در سه کشور اسپانیا، پرتغال و یونان کمونیستهای را زندان میاند ازند، اعدام میکنند و مورد محیله ترین شکنجه ها قرار میدند. حزب کمونیست آلمان غیرقانونی اعلام شده است. شرکت کنندگان در رکنفرانس جهانی سال ۱۹۶۹ در سنند اصلی همبستگی خود را با هم زمان خود که در زندانهای مخوف ریمهای دیکتاتوری و فاشیستی و زندان های کشورهای سرمایه داری رنج میبرند اعلام کردند و آزادی اینها را تقاضانه دند.

با وجود پست ترین اتهامات و تعقیب های سیاسی که انتی کمونیسم بکار میرد، معهدنا به هدف خود نائل نمیشود. برای انتی کمونیسم غریب ممکن است پروسه ای پیشگیری ناپذیر نفوذ روز افزون ایده های کمونیستی را از بین ببرد. اموز باید این سخنان لینین را که در زمان خود گفته است بخاطراورد:

"استعمار کنندگان هنوز بقد رکافی قوی هستند تا بهترین رهبران انقلاب جهانی پرولتاری را نابود کنند و لینچ کنند. اما استعمار کنندگان همه ای جهان دیگر آن قدرت را نداشتند که از پیروزی انقلاب جهانی پرولتاری جلو گیری نمایند".^(۴)

"انتقاد از درون" و منادیان آن

جریان تکامل اجتماعی، مبارزه ای شجاعانه و هدف مندانه احزاب کمونیستی و کارگری، نظریات آنتی کمونیسم را بطور چشمگیر بعقب میراند، در میان توده ها و جبهه ای کمونیستهای را توپت می بخشند و

(۱) کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری - بولتن اطلاعاتی، شماره ۱۱-۱۵ سال ۱۹۶۹

(۲) کشورها ایران نیز در عده این نوع کشورهاست (مترجم)

(۳) بولتن - CISL، زانویه ۱۹۶۷ - فوریه ۱۹۶۸، صفحه ۵

(۴) و ۱۰ لینین - کلیات اثمار - جلد ۲۸، برلن ۱۹۰۹، صفحات ۴۴۸ - ۴۴۹

نیروهای تازه ای بصفوف آنها وارد میکند. بهمین جهت امپرالیسم در حال حاضر در جنپ تهاجم جبهه ای امیدوار است که احزاب کمونیستی را ازد داخل متلاشی سازد و قدرت مبارزه را از آنها سلب کند. این دو میں جهت مهم مبارزه علیه جنبش کمونیستی است. در این گستره شیوه های پازهم محیلانه تری بکار برده میشود که آنتی کمونیسم خشن طراز هور اخلاق دارد.

در گذشته آنتی کمونیسم کوشش میکرد لنهنیسم را باتوطه ای سکوت مقابله دهد. اما امروز که عقول میلیونها انسان به لننهنیسم توجه کرد، است، دیگر نمیتواند این تاکتیک را بکار برد. در ارتباط با این موضوع یاد آور میشود که در سالهای اخیر در غرب یک سلسه ارکتابهای ایدئولوگیکای بورژواشی درباره لننهن و لننهنیسم بچاپ رسیده است از قبیل: « لننهنیسم »، « لننهن و پیشوایکها »، « لننهن مینزله انسان، تئوریسین و رهبر »، « مارکس و لننهن ». بمناسبت صد سالگی میلاد و ۱۰۰ لننهن بازار کتاب از ادبیات ضد کمونیستی که لننهنیسم رامسخ و مبتدل میکنند، پراست. در عین حال "انتقاد باصطلاح از درون" در مورد لننهنیسم براه افتاده است که پرحرارت ترین مروجین آن مرتدان از مارکسیم هستند که برطبق اوضاع و احوال بمعتم راست و یا "چپ" سمت گیری میکنند. اما در موعد مبارزه ای آنها علیه احزاب کمونیست است. روشنفکران بورژوا - لمیرال نیز با همین شیوه ای "انتقاد از درون" مشغولند و کوشش میکنند تئوری و پرایتیک لننهنیسم را در مقابل هم قرار دهند، لننهنیسم و مارکسیسم را علیه یکدیگر قلمد اد کنند و در آن برطبق "وظایف نوین" تجدید نظر کنند. در زیر نقاب بیطری فیض از طاهري آزاد میکنند ماهیت امورش لننهن مسخ میشود.

روپاهای دلخواه بورژواشی

تبليغات بورژوازی افکارزيرین را نيز بر جسته میکند: برای اينکه حزب کمونیست - آنطوره آنها میگويند - خود را بر "مقتضيات" زمان حال تطبیق دهد از او "موقع زیادی" نداریم. کافی است حزب کمونیست " فقط " از ترسکردگی پرولتاپارا در برابر این طبقاتی صرف نظر کند، از تئوریهای خود آن دیگر قلمد اد کنند و در آن برطبق "ظایف نوین" تجدید نظر کنند. در زیر نقاب بیطری فیض از طاهري آزاد میکنند ماهیت امورش لننهن مسخ میشود.

در مجمع بین الملل آنتی کمونیستها در سپتامبر سال ۱۹۶۷ که در آلمان فدرال تشکیل شد و در آن نظامی ها و پرسنل امنیتی و روحانیون شرکت کردند، این اندیشه خود نمائی میکرد که باید جریانهای "نئومارکسیستی" از نوع "جنیش چپ نوین" برای هجوم به احزاب کمونیستی تشکیل داد. آنتی کمو نیسم با موافقت روپرینونیسم راست و "چپ" بطور مخفی برای صحنه می‌آید. نمایندگان این انحراف معمولاً و خیلی زود گوش شنواشی در ارگانهای طبیعتات بورژواشی پیدا میکنند. مثلاً میتوان از جریان "روزه گارودی" در فرانسه نام برد که نظریات او از طرف حزب کمونیست فرانسه با یک انتقاد اصولی شدید روبرو شد. سردمداران آنتی کمونیسم خیلی زود در پشت چارات "مدل های نوین" سوسیالیسم و "ضرورت یک تجدید نظر" اصول باصطلاح کهنه شده، محتوى ضد لننهنی روپرینونیسم و نقش تباه کنند. آنرا در میان جنبش کمونیستی شناختند.

بطوریکه مید ائم در وران اخیر مبارزه علیه روپرینونیسم راست و "چپ" در جنبش کمونیستی تقویت شده است. اگر بخواهیم این جریان را از نیابی کنیم بطور خلاصه باید بگوییم که آرزو های امپرالیسم دائر براینکه در جنبش کمونیستی تمایلات مخالف خود را داخل کند، برآورده نشده است، اگرچه امپرالیسم در برخی نواحی حاصل بذر روپرینونیستی خود را در رو میکند. زمان بعد از کنفرانس

۹۶۹ ابویزه جالب است . این زمان مهر و نشان هجوم احزاب مارکسیستی - لینینیستی علیه جهت گیری همه نوع اپورتونیسم را برچهره دارد . امروز استراتژی‌های امیریالیستی تمام امید خود را به تفرقی کمونیسم جهانی ، بروی حدت اختلاف درد داخل صفوی کمونیستها و بروی تجزیه‌ی جبیش کمونیستی یعنیله‌ی نیروی بین المللی معطوف داشته اند . و این سومین جهت مهم فعالیت آنتی کمونیسم است . لویس . س . فایر (Lewis S. Feyer) پروفسور فلسفه‌ی دانشگاه کالیفرنی در مجله‌ی "مسائل کمونیسم" این ارزو را بیان کرده است که :

"عصر قشر بندی و انشعاب دررسیده - یعنی عصری که درنتیجه‌ی تأثیر اختلافات نژادی و روانی و اجتماعی - اقتصادی بروی این مارکسیستی ، دیگرانواع و اقسام مارکسیسم درحال پیروز هستند" (۱) .

انتربنیونالیسم - محور مرکزی جنبش کمونیستی

ضد کمونیستها به تجزیه‌ی ایدئولوژیک جنبش کمونیستی بعثایه محمل و عامل نه فقط تعمیق اختلافات سیاسی در میان احزاب کمونیست مینگردند ، بلکه همچنین آنرا لیل قلب ما هیئت خود احزاب کمونیست میدانند . ب موریس (B. Morris) پروفسور دانشگاه ایندیانا در ایالات متحده‌ی امریکا درباره‌ی این مسئله عقیده‌ی خود را شکاراچنین بیان میکند :

"اگر انتربنیونالیسم نباشد ، پس چه باقی میماند ؟ ... همینکه مناسبات انتربنیونالیستی را احزاب کمونیستی سلب کنیم ، انواع آنها بعصار الحه با شرایط دور و پر خود محکوم هستند تا تو اند نفوذ خود را نگاهدارند و بسط دهند . ممکن است که آنها تایپی بدد است اورند ، اما آیا کمونیست باقی میمانند ؟ بعیارت دیگر ، درست انتربنیونالیسم ، هر طور که بنظر بیاید ، محور جنبش کمونیستی را تشکیل میدهد" (۲) .

چنانکه می‌بینیم ، دشمن بطور دقیق حس کرده است ، کجا نیروی عده‌ی کمونیستها و خطر عدد برای امیریالیسم وجود دارد - در انتربنیونالیسم ، در تحقق آن در شوری و پرتابیک موریس اندیشه‌ی خود را بسط میدهد و اظهار امید و امداد که پولی سانترالیسم در مناسبات میان احزاب میتواند حتی به گرایش نظیری در میان احزاب کمونیستی تبدیل شود ، یعنی محو اصول لنینی ساختمندان داخلی آنها .

"آیا این آغاز پایان هم برای کمونیسم ملی و هم برای کمونیسم بین المللی نیست؟" (۳)

گروه اخراج شده از حزب کمونیست ایتالیا که مجله‌ی "ایل مانیفستو" (Il Manifesto) را سازمان داده است ، علاوه میخواست که حزب نه فقط مناسبات بین المللی خود را قطع کند ، بلکه همچنین از سانترالیسم دموکراتیک رویگرد آن شود . این نمونه نشان میدهد چگونه نقشه‌های آشکار آنتی کمونیستها با موافع اپورتونیستهاشی که در داخل خود احزاب کمونیستی تحت شعار "چپ نوین" عمل میکنند ، انطباق مییابد .

^ن امیریالیسم امید عده‌ی خود را در مبارزه علیه جنبش جهانی کمونیستی بروی خط مشی نفاق افکنا

(۱) "مسائل کمونیسم" ، مارس - اوریل ۱۹۶۴ ، صفحه‌ی ۵۲

(۲) ب موریس : کمونیسم بین المللی و سیاست امریکا ، نیویورک ، ۱۹۶۶
صفحه ۷۶ - ۷۷

(۳) همانجا ، صفحه ۸۵

پکن متمرکز میکند. از چند سال پیش باینطرف امپریالیستها از تبلیغات خشن ضد سوری پکن در مقابل جنبش انقلابی و ازاد پیش استفاده کردند. فراوان میکنند.

شایان توجه است که بهه تیز امپریالیستی انتی کمونیسم علیه حزب کمونیست چین و نیز علیه رهبران پکن، که خود را بعنایه "مرکزانقلابی جهان" قلمداد کردند، متوجه نیست، بلکه علیه اتحاد شوروی، علیه کشورهای موسیپالیستی اروپا و علیه تئوری و پراتیک لنینیسم است.

این مطلب از بسیار مطالب دیگر پهنه‌ترنشان میدهد که امپریالیست‌ها در وجود چه کسی دشمن اصلی خود را می‌بینند. این مسئله پهنه‌تر از هرچیز ادعا های انقلابی تبلیغات چینی را، که در حقیقت به امپریالیسم خدمت میکند، اثبات مینماید.

میتوان گفت که جهات مختلف مبارزه علیه جنبش کمونیستی مجزا از هم اجرانمیشود بلکه یک دیگر را قطع میکند و بهم مرتبط میشود.

آنچاه کمونیستها پیگیرانه از موضوع مارکسیستی - لینینیستی خود دفاع میکنند، پاید آنها از تعدد ها جد اشوند، مورد تهمت و اقترا و تعقیب و مجازات قرار گیرند. آنچاه میان کمونیستها تزلزل پدید آید، انتی کمو نیسم کوشش میکند این تزلزل را تقویت کند. آنچاه رهبری احزاب جد اکانه تحت نفوذ جهان بینی اپورتونیستی قرار گیرد، امپریالیسم میخواهد ازان استفاده کند تا همپیوستگی جنبش جهانی کمونیستی را ضعیف نماید.

راه نامیعون سوسیال دموکراتهای راست

این ساده کرد ن مسئله است اگر تصویرشود که آنتی کمو نیسم باتمام وسعت و گوناگونی مبارزه علیه جنبش کمونیستی ذرکشورهای سرمایه داری فقط کمونیستها را فرق نمیکنند، و فقط احزاب انها امال اماج خود قرارداده است. دستگاه آنتی کمو نیسم در گستره تا شیرخود تمام آن نیروهای اجتماعی را که علیه سیاست امپریالیستی و رژیمهای استعمارکننده که بتوانند بنحوی از اتحاد علیه آن بمحضه بیانند و باحتی پالقه پتوانند مبارزان فعلی سرمایه داری بشوند، در نظر دارد. هدف آنتی کمو نیسم عبارت از انسنسته در هر مردم معینی از وحدت کارگران و مجموعه ای جنبش دموکراتیک با پیشوایان انقلابی جلوگیری بعمل آورد، بروز و ظهر شرایط ذهنی را برای انقلاب سوسیالیستی مانع شود.

جهت مدده ای که خد کمونیستها در آن پروری آگاهی زحمتشان تا نیز میکنند، جهت ضد سوری و تبلیغات ضد سوسیالیستی است. تبلیغات ضد کمونیستی در کوششها که برای بی اقبال کرد ن سوتیم واقعی بکار میرد و بخصوص تجربیات شوروی را که مستقیماً با تحقق لینینیسم مرتبط است، مورد تهمت و اقترا قرار میدهد، ضریب خود را در قلب جنبش انقلابی کشورهای خود میوارد می‌سازد. تبلیغات ضد کمو نیستی کو شش میکنند برای این منظور ناروایی سوسیالیسم را بثایه راه ترقی در غرب امروز و همچنین اصول تحول انقلابی را در اجتماعی که بیک درجه ای عالی تکامل صنعتی نائل آمده است، "اثبات کند". آشکارا باید گفت که مبارزه ای احزای کمونیستی علیه این مشی آنتی کمو نیسم نه فقط مسئله ای همبستگی بین المللی آنها با سوسیالیسم جهانی است، بلکه اصولاً یک مسئله ای بنیادی سمت گیری انقلابی جنبش کارگری و درنیای تکامل آنست.

"مجاری" مهم که بوسیله ای آنها آنتی کمو نیسم در آگاهی توده هارخنه داده میشود عبارتند از سازمانهای سیاسی که در میان جنبش کارگری و دموکراتیک فعالیت میکنند.

انتی کمونیسم رهبران راست سوسیال - د مکراسی

بوزیره باید از آنتی کمونیسم رهبران راست سوسیال - د مکراسی سخن گفت. آنها در زیر آئین

"سوسیالیسم د مکراتیک" سنگر میگیرند، خود را بینا به باصطلاح "نیروی سوم" معرفی میکنند که باصطلاح نه فقط باکمونیستها، بلکه همچنین با ارتقای مقابله هستند. رهبران یک قسمت از احزاب سوسیال د مکراسی، که نقش رهبری را در انتخابات سوسیالیستی بعده دارند، مبارزه علیه کونیستها و علیه کشورهای سوسیالیستی را وظیفه ای اصلی خود تلقی میکنند.

کنگره ای اخیر انتخابات سوسیالیستی که در زوئن ۱۹۶۹، بلا فاصله بعد از کنفرانس احزاب کونیستی و کارگری مسکو، تشکیل شد یک قطعنامه ای ضد کونیستی دیگر را تصویب کرد. این قطعنامه د شعبنی انتخابات سوسیالیستی را نسبت به کونیستها که در اعلامیه ای ۱۹۰۹ و ۱۹۶۲ بیان شده است، تایید کرد.

با پنهانی رهبران راست سوسیال - د مکراسی باسیعی وافی راه نامیمون آنتی کونیسم را می پسما آنتی کونیسم انها را به الت آگاه ارتقا عورزوایی، که جهد میکند وضع سرمایه داری رانکه دارد و بوبیز طبقه ای کارگر - نیروی عده ای ضد سرمایه داری - را از مبارزه برای دگرگونی انقلابی جامعه منحرف کند، تبدیل کرده است. آنتی کمو نیسم همچنین رهبران راست سوسیال - د مکراسی را در مسئله ای سیاست بین المللی پای بند مواضع بیورزوایی مهیا بالستی نگاهداشته است.

در واقع تابحال اندیشه ای تقویت "همستگی اتلانتیک" یعنی اتحاد سیاسی - نظامی کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده ای امریکا در رچارچوب پیمان اتلانتیک شعالی، انجیزه ای عده فعالیت سیاسی خارجی احزاب رهبری کننده ای انتخابات سوسیال سوسیالیستی - مثل حزب لیبریست بریتانیا و کبیر و حزب سوسیال د مکرات ایالات متحده بوده است. رهبری این احزاب از سیاست امپریالیسم و خصوصی سیاست ویتنام آن پشتیبانی میکند و از این حق جلوه میدهد. چندی پیش وقتیکه براون Brown معاون حزب لیبریست اخبار مریوط به قتل عام امریکاییان از اهالی ده "سون می" راشنید، عبان و آشکار به کل امپریالیسم امریکا شافت و بیه اتهما اندزداد:

"شکوه و زاری را کنار بگذارید و جنگ را در رویتام اد امه دهید."

درین حال براون یاد آور شد که بریتانیای کبیر هم آنوقت که "نقش نظری" "رایفا" میگرد، چنین جنایاتی را مرتب شده است (۱) .

برای اینکه بد اینم آنتی کونیسم سوسیال د مکرات های راست تاچه حد است کافیست از اعلامیه های یاد کنیم که از طرف این محافل صادر میشود و در آنها ابراز امید میگرد که د رهبرانهای اروپای شرقی نظام سوسیال - د مکراسی مستقر خواهد شد، و اینکه در احزاب کمو نیستی تحول سوسیال د مکراسی انجام میگردد. رهبران سوسیال - د مکراسی از این موضع کوشش میکنند در پشت اصل آنتی کونیسم که از طرف آنها اجرامی شود، شکست اقد امامات فرمیستی خود، اتحراف خود را از از از اهالی سوسیالیستی و تسلیم خود را به سرمایه داری انجصاری دولتی مخفی کنند.

اما پرسوه ای تغییرات انقلابی که در جهان انجام میشود، مهرونشان خود را در روضح جنبش سوسیال - د مکراسی باقی میگارد. از اینچه جاست که اختلاف در صوف سوسیال - د مکراسی پدید میاید. این اختلافات نه فقط قشرهای پائینی را در بر میگیرد، بلکه محافل رهبری را در برخی نقا ط به تغییر مناسبات با کمونیستها منجر میشود. مثلا د ربرخی کشورهای سرمایه داری، مثل فرانسه و شیلی و برخی کشورهای دیگر، سوسیالیست ها با کمونیستها میگیرند. آنها حتی در مسائل مشخص یعنی مبارزه علیه سرمایه داری انجصاری دولتی با هم کار میکنند. این پرسوه بد ون شک در آینده هم تقویت

خواهد شد، این پرسه بحران ضدکمونیسم را در جنپش کارگری امروزی منعکس میسازد.

رشوه، نفاق، خرابکاری

رهبران اتحادیه های ارتجاعی، بویژه رهبران اتحادیه های ارتجاعی ایالات متحده ای امریکا کماکان یک موضع ضدکمونیستی کوتاه فکرانه داریش میگیرند. گروه رهبری مجمع اتحادیه های امریکائی A F L-C I O این مجمع کوشش میکند تمام اتحادیه هایی که در کشورهای غیرسویاگیستی فعالیت میکنند، تحت نفوذ خود درآورد و آنها را امریکائی کنند، بویژه در امریکای لاتین، افریقا و آسیا. در این مجمع سازمانهای ای انتظامی تشکیل میشود که بودجه های ایالات متحده ای امریکا، از طرف وزارت امورخارجه و سیا (CIA) پرداخته میشود. جهت عددی فعالیت این سازمانها عبارت است از رشوه، و کاراید یولوژیک روی کارمندان اتحادیه های نفاق در جنپش اتحادیه های و خرابکاری علیه اتحادیه های مترقی. هدف از این اقدامات آنست که پشتیبانی از سیاست محافل حاکمه های ایالات متحده ای امریکاتا مین گردد.

بغیرازایین، ضدکمونیسم در مقیام بین المللی کماکان کوشش میکند علیه محافل مترقی جنپش کارگری، اتحاد بین المللی اتحادیه های آزاد و کنفرانس جهانی حمتشان (اتحادیه های مسیحی) اقدامات خود را ادامه دهد. در اخرین کنگره ای اتحاد بین المللی اتحادیه های مسیحی که ذر روش سال ۱۹۶۹ برگزار شد، قطعنامه ای بعنوانی از نیروهای سیاسی هستندکه تحت شعارهای متنوع فعالیت دعوت شده اند.

یکی از اختصاصات کارکتریستیک زندگی اجتماعی کشورهای سرمایه داری در دوران اخیر، آنست کمونیسم شدید را در یکالهای چپ مختلف، رادیکالهای مارکسی چپ و یاجریانها و گروههای انقلابی قلابی است. اینها انبیوهایی از نیروهای سیاسی هستندکه تحت شعارهای متنوع فعالیت میکنند.

در سالهای شصت دریک سلسله از کشورهای سرمایه داری، بویژه در ایالتیلوویزیون فرانسه، ازن توتسکیست ها سر بلند کردند. آنها در پشت نطقه های عوامل فریانه در باره ای انقلاب جهانی و تکرار ادعا های معروف تهمت و افترا های توتسکیستی علیه اتحاد شوروی و احزاب کمو نیستی، سنگر گرفته اند. برخی از گروههای توتسکیستی امید خود را بآن بسته اند که در احزاب کمونیستی داخل شون تابد یا نوسیلهدار تنظیم سیاست این احزاب نفوذ کنند. این مضرتین و خطناکترین جهتی است از توتسکیسم. مدین که احزاب برادر ربان سروکارد ارند.

تروتسکیسم - سلاح اید یولوژیک بورژوازی

در سالهای اخیر تبلیغات بورژوازی طبل تبلیغات را برای جهان بینی تروتسکیستی به صدارت آورده است، در حالیکه از تروتسکیسم بعنوانه ای سلاح اید یولوژیک در باره ای انتقام استفاده میکند. رفیق لشون فیگر (Ireon Figueres) عضو کمیته های مرکزی حزب کمونیست فرانسه حق دارد که در کتاب خود "تروتسکیسم آنتی لینینیسم است" (پاریس ۱۹۶۹، ص ۱۹۶) مینویسد: "سرمایه داران بیک چینن جریانی احتیاج دارند، که با وجود همه ای ضعف های آن، این منظمه را جلوه گرمیسازد که میتوان مواضعی چپ تراز حزب کمو نیست اتخاذ کرد".

آنچه کمونیستها همچنین درکربلیخ وسیع همه‌ی گروههای آثارشیستی نفاق افکن و دیگر گروههای روزمزونیست چپ هستند، زیرا انتقی کمونیستها باکمل اینها میخواهند جنبش‌های جوانان و دانشجویان را علیه طبقهٔ کارگر و احزاب کمونیستی برانگزیدند. آنچه کمونیستها همچنین برای هدفهای این گروههای انتظارات ایدئولوگی‌های "چپ نو" رامور استفاده قرار میدهند که میگوید: نقش رهبری در مبارزهٔ انقلاب بین بدست جوانان، دانشجویان و روشنفکران افتاده است و یاماقدن.

احزاب برادر ارزیابی دقیقی از نقش واقعی گروههای جوانان و جوانانهای رادیکالهای چپ در مبارزهٔ مشترک میان کمونیسم و آنتی‌کمونیسم کردند. رفقای شیلی در ترازهای کنگرهٔ اخیر خود این مسئله را ذکر کردند، و آنها را میتوان تائید کرد:

"یک اسلام‌خواه امپرالیسم، باصطلاح آنتی‌کمونیسم چپ است. گروههای کوچکی که این وظیفه را بعده دارند، بنام انقلاب تأسیس می‌شود برای اینکه علیه انقلاب عمل کند. آنها داشتند پروکاسیون مشغولند، رفتار آنها نتیجه سرخوردگی بیورژواشی و نامیدی آنهاست. گاهی آنها از طرف پلیس و ادارات جاسوسی بین المللی امپرالیسم رهبری می‌شوند که در صفو آنها رسخ می‌کنند. این آنتی‌کمونیسم چپ" مکمل آن چیزیست که دیگران از موضع راست عمل می‌کنند." (۱)

همچنین بهشتگام ارزیابی اصولی جوانات رادیکال چپ نباید آنها را با آن قشرهای اجتماعی که این جوانات چپ می‌کوشند از افکار و امال آنها استفاده کنند، پکسان شمرد. پایه‌ی توده ای مهرم جوانات رادیکال چپ جوانان، دانشجویان و روشنفکران و گروههای اجتماعی ای هستند که تحت نفوذ انقلاب علی-فنی بیورژ خیلی سریع رشد می‌کنند. حد تضادهای اجتماعی سرمایه داری و نامعقول-ترین مناسبات سرمایه داری در این محافل چنین اختراضی بوجود می‌آورد، که نقش مهمی در مبارزه علیه سیاست تهاجمی امپرالیسم، برای صلح و دموکراسی ایجاد می‌کنند. این گروههای اجتماعی بیورژ بطراف "نابرد باری انقلابی" و روح طفیان آثارشیستی تمايل اند. بهمین جهت احزاب کمونیستی کوشش می‌کنند تا آنها نیز در مبارزه برای تحولات سوسیالیستی اجتماعیه متعددین طبقهٔ کارگردان شوند.

پوششی برای نئوکلینیالیسم

آنچه کمونیسم همچنین درکشورهای سابق استعماری سلاح عده‌ی ایدئولوژیک - سیاسی امپرالیسم و نیروهای ارتجاعی است، تاکنام بعدی پرسه انتقای راد راین قسمت از جهان مانع گردد. آنچه کمونیسم قبل از همه این هدف را در مقابل خود قرارداده است که جنبش آزاد پیخش ملی را ازاس پرینزیپهای انقلابی عمر حاضر، و در درجه اول ازکشورهای سوسیالیستی جدا سازد. آنتی‌کمونیسم همچنین بمثابه ساتر سیاسی و تبلیغاتی برای اعمال کلینیالیستی امپرالیسم بخدمت گرفته می‌شود. مثلاً روزنامه نیگاران و مطبوعات چه کارهای نکردند تاثیبات کنند که جنگ در وتنام فقط با یک هدف انجام می‌شود و آن اینکه پیشوی کمونیسم را در این منطقه از جهان سد کند. از این اسلوب در موقع هجوم امریکا به جمهوری دومنیک نیز استفاده شد تا آنرا "وجه" جلوه دهد. امپرالیستهای پرتفاصلی در زیر بدچم "مبارزه علیه کمونیسم" برای جنگهای استعماری خود در افریقا و سیاست نایودی ملتها پوشش تعیینه می‌کنند. امداد ستاورد های اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برای ایدئو-

لوجهای ارتجاعی روز بروز مشکلت می‌شود که مارکسیسم - لینینیسم را بی اغبار کنند.

از این جهت مبلغین آنتی کمونیسم کوشش میکنند که به محافظ اجتماعی کشورهای آزاد شده لائق
این افکار را تلقین کنند که برای حل مسائل مبتلا به میتوانند بدن سویا لیسم علی بے نتیجه برسند.
سالهای گذشته بطور معمولی ثابت کرد ه اند که آنتی کمونیسم در راه تقویت استقلال کشورهای رشد
یابند و تکامل مترقب اجتماعی و اقتصادی اینها بزرگترین سد است.

با وجود این تجربه ثابت کرد ه است که امپریالیسم موقع نشد ه است با کمک آنتی کمونیسم تکامل
مترقب ملتهای مسابقاً استعمار زده را جلو گیرد. تغییرات انقلابی اخیر در رسودان، لیبی و سو مالی
عملیات میهن پرستانه ای برخی دلتنهای نظامی را امیریکای لاتین و همچنین برخی حوادث دیگر در
این منطقه از جهان از اراده تزلزل ناپذیر ملتهای آسیا، افریقا و امیریکای لاتین برای آزادی کامل
خود حکایت میکنند.

آنتی کمونیسم تحت شرایط امروزی عبارت از بیان فشیده است. این سیاست امپریالیستی است که علیه
گردانهای جنبش متوجه است. بهمین جهت مبارزه علیه آنتی کمونیسم در واقع هسته ای عده ای همه ای
وظایف سیاسی نیروهای ضد امپریالیستی است. مبالغه نیست اگر که شود که مبارزه علیه آنتی کمونیسم
امروز اهمیت سیاسی درجه ای اولی برای تمام جهان دارد است.
همانطور که رفیق آرسمندی دبیر اول حزب کمونیست اوروپ و یکبار بد رستی خاطرنشان ساخته
است،

”هر جماقی که پرسیک کمونیست فرود آید، بریشت هرجنبش ضد امپریالیستی
نیز فرود میاید.“

بهمین جهت مبارزه علیه آنتی کمونیسم نه فقط یک مبارزه ای پرولتاری، بلکه همچنین یک وظیفه ای عمومی
دموکراتیک مهمی است، وظیفه ای تمام خلق است.

جنیش کمونیستی مشی مثبت تعیق اعطا مبارزه برای ترقی اجتماعی را در حضر حاضر در مقابل ر و ش
فاده و منفی آنتی کمونیسم قرار میدهد. این مشی سیاسی در اسناد مارکسیستی - لینینیستی کنفرانس های
بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری که بطور جمعی تنظیم شده است، واضح و روشن فرمول بندی
شده است. کنفرانس سال ۱۹۶۹ یک برنامه ای مشخص عملیات واحد همه ای مخالفین امپریالیسم، همه
بارزین راه صلح، آزادی و ترقی را تواند وین کرده است. این پلاتفم عبارت است از:

- نشان بد هید که کمونیستهای همیشه در جهت کسانی ایستاده اند که از طرف امپریالیسم و ارتاج
مور فشار قرار میگیرند و راهی صلح، دموکراسی، استقلال ملی و ترقی مبارزه میکنند.

- هدف نهایی جنبش کارگری را با وظایف پلا واسطه ای مبارزه ای ضد امپریالیستی که برای توده های
واسع مردم قابل درک و فهم است، مروط سازید.

- بیانگر اراده ای کمونیستهای همپوستگی و همکاری با همه ای جنبش های انقلابی و دموکراتیک
در مبارزه ای شترک انجاع امپریالیسم باشید.

- به کوشش های ضد کمونیستهای میخواهند جنبش کمونیستی را از سایر نیروهای ضد امپریالیستی
جد اسازند، ضربه ای نابود کنند وارد آورید.

- با عملیات مشترک پر اتیک طیه امپریالیسم، خرافه ای آنتی کمونیستی را که از طرف تبلیغات
بورژواشی پشتیبانی میشود و به قشرهای وسیع مردم کشورهای غیر سوسیالیستی عرضه میگردد،
نابود سازید.

هَكْل و دِيالِكْ تِيك

بعنایت ۲۰۰ سالگی روز تولد فیلسوف برجسته‌ی آلمانی

در سال جاری دویستین سال میلاد فیلسوف برجسته‌ی آلمانی گئورگ ولهلم فریدریش هکل (۱۸۳۱-۱۷۷۰) را ماحفظ علمی جهان بر پامید ازند، زیرا وی در تاریخ فلسفه و منطق دارای همان مقامی است که مثلاً برای پته‌ون در تاریخ موسیقی میتوان چنان مقامی را قائل شد. با آنکه از دوران هکل مدتها دراز میگذرد، کوره‌ی بحث درباره‌ی فلسفه‌ی او و مقولاتی که وی بکم آنساین فلسفه را در میان گذشتند هنوز سخت گرم است. نام هکل بامتنع دیالک تیک پیوسته است و در جهان فلسفه گروههای بسیاری میگوشنند هکل رابه متعدد خویش بدل سازند و از شهرت و اعتبار نظر یاش استفاده کنند. نو هکل‌ها و شیوه‌نیویست‌ها، توییست‌های کاتولیک، آگزیستانسیالیست‌ها، فنون‌لوگ‌ها و ایراسیونالیست‌ها همه معنی دارند چهره‌ی فلسفه‌ی هکل را بشیوه‌ی خود و بمذاق خود ترسیم ننمایند. برای ما مارکسیست‌ها، هکل تنها ازان را ویه‌ای طرح است که مارکس و انگلمن و لینین انسرا مطرح کده‌اند و آن پرخورد نقاد انه و ماتریالیست به دیالک تیک هکل است و در نتیجه همین پرخورد ارشیه‌ی فلسفی هکل سه‌معنی درگنجینه‌ی مارکسیسم - لینینس نهاده است. لینین میگوید:

"بدون بررسی و درک سراپای "منطق" هکل نمیتوان "سرمایه" ی مارکس و بویشه فصل اول آنرا فهمید" (کلیات بزمیان رویی - جلد ۲۹، صفحه‌ی ۱۶۲)

مارکس و انگلمن و لینین هم خدمات واقعی هکل را به علم و فلسفه و هم محدودیت تاریخی اورا نشان دادند و روش ساختنده در اثر این محدودیت تاریخی، فلسفه‌ی هکل با همه‌ی نبوغ افرینشند. آن نتوانست از مز معینی میگرد. محدودیت تاریخی هکل که فیلسوفی اید الیست بود منجر بدان شدکه اندیشه‌ی دیالک تیکی او نتوانست بیانگر پیگیر حرکت و تحول واقعی طبیعت و جامعه شود و در چرا رجوب یک سلوك عرفانی و سیر در رونی "ایده‌ی مطلق" محبوس ماند. از این‌جهت واقعیت خارجی در نظر هکل تنها یک مخزن بزرگ امثله برای اثبات قوانین مجرد دیالک تیکی اوست. مارکس میگوید:

"امروز منطق" هکل را از "منطق امور" بازمید ارد و لذا هم سلطان پروس و هم شپشی که درسر اوست بطور یکسانی باین دیالک تیکی سین اید الیست خدمت میکنند تا او "امله" ای بجاید و مقوله‌ی "این همانی در خود - و برای خود - موجود" را مجسم سازد."

هم قوری جوشان و هم انقلاب کبیر فرانسه هرد و امثله‌ای همانند برای نشان دادن رابطه‌ی مقولات "کیست" و "یقین" هستند و هرواقعیت هرقدر رهم عادی و ناجیز باشد "تجسم خارجی مطلق" و یکی از مراحل "خود تشخیصی" اوست.

و همین عیب دیالکتیک هگل، در پیوند با ایدآلیسم، آنرا بآسانی به اسلوب توجیه ظرف و مستور هرچیز موجود و ازانجمله استبداد سلطنتی پرسش میباخت.^۱ و بهمین جهت پس از هگل تکامل واقعی تکری دیالکتیک تهاجمیتوانست در دیالکتیک شیوه‌ی هستی و ظهرور "روح محض" نیست، بلکه اثبات اینکه: مقولات و قوانین تکامل جهان واقعی در عقل و معرفت بشری از طریق تجربه‌ی انسانی است.^۲ انعکاس اشکال و قوانین تکامل جهان واقعی در عقل و معرفت بشری از طریق تجربه‌ی انسانی است.^۳ این باراند پسندی دیالکتیک هگل و بیان آن بصورت "منطق تکامل جهان واقعی" در آغاز مقاله‌ای چهل قرن گذشته بوسیله‌ی مارکسو انگلیس انجام گرفت.^۴ برای آنکه از "ظلمت هگلی" راه به جهان نورانی واقعیات برد و شود، میبایست قوانین و مقولات منطق دیالکتیک را برحرکت تکاملی ماذی و واقعی طبیعت، جامعه و سیاستکری بشری انباطیقاً داد. هر عمل دیگری سرگردانی در آبروی چشمی مطابق مجرد و بلا محتوى است.^۵ بهمین جهت آنکه برسرفاسقه و منطق هگل نه از این طریق، بلکه از طریق ایدآلیسم عمل کردند بجای نرسیدند و از خود هگل نسبت بد وران و زمان واپس توانندند و سرانجام مدحه گر و توجیه گر نظم موجود اجتماعی شدند. در آغاز مقاله‌ای سی قرن گذشته نو هگلی‌های آلمان اندیشه‌ی فاشیسم رایعنوان "مظہر روح مطلق" بیان اوردند. درست چه، نو هگلی‌های از نوع هریزت مارکوزه عایدی را پدید ساختند که بدست کسانی مانند گنیندیت حریه‌ی جنجالی‌ای او باشانه – آنارشیستی داده است.^۶ مقولات دیالکتیک در این سیاستم‌ها به افزارهای عوامگیری یا توجیه گزینی بدل مشود.

هگل بانتظام و پوشش دیالکتیک ولود مرحله‌ی "زهدانی" و ابتدائی آن، خود را وارد جرگله قهرمانان فکر ساخته است و خود را با جهان و تعدن معاصر و اندیشه‌ی سرسبز انقلابی عمر ما – مارکسیسم – لئینیسم پیوند داده است.^۷ لئین میگوید:

"دیالکتیک تئوری شناخت (هم در نزد هگل) و هم در نزد مارکس است. این همان سمعت قضیه" (در واقع سمعت "نه بلکه" اصل "قضیه" است) که پلخانف بدان توجه نکرده است.^۸ (کلیات، جلد ۲۹ – صفحه‌ی ۳۲۱)

بنظرلنین دیالکتیک هگل پویزه عیقین و جامعترین "تعمیم تاریخ تفکر" است (همانجا، ص ۲۹۸) وی باتاً گید به طبیعت آزمایان عمرماند رز میدهد "بررسی منظم دیالکتیک هگل را از نقطه‌ی نظر ماتریالیسم سازمان دهند" و مطمئن است که "اگر آنها بتوانند پژوهند باشد و مایه‌امروز یم که بد آنها کمک کنیم)، در تفسیرمادی دیالکتیک هگل یک سلسله جواب برای مسائل فلسفی خواهند یافته که انقلاب د رطوم طبیعی مطرح می‌سازد و ستایندگان روشنگر مددگار بوریوائی درباره‌ی آن "جوش و خروش" دارند.^۹ (کلیات – جلد ۴۵، صفحات ۲۱-۳۰)

نؤپریتیویست‌های معاصرکه میکوشند "منطق علم" را تنظیم نمایند و علاوه‌قوانین منطق صوری را تجلیل میکنند، از هگل که واضح "علم منطق" است و به کیفیت دیالکتیک حرکت فکر پی برد، بسی عقب هستند. فلسفه‌ی معاصر بوریوا از هگل چیزهای "سپری و میرا" رامیگرد و چیزهای "پایدار و زیما" را در ورم اندارد، عفان، سازش باوضع موجود، سازش با جهان پیمنی مذهبی رامی پذیرد، ولی آن گرایشها را که به پیدایش تکرانلا بی مارکسیستی می‌انجامد، رد میکنند.

از زمان دورینک و برنشتین حمله به هگل‌یعنوان "در روحانی" مارکس آغاز شد. گفتند باید "شر را در زنگنه" نابود کرد و این شیوه کمادان در فلسفه بوریوائی رائج است. فلسفه‌ی بوریوا از هر چیز سترگ را در فلسفه‌ی هگل چشم پوشیده به ضعف هایش دل بسته است و اتفاقاً در این ضعف ها چیز واقعاً هگلی وجود ندارد، یعنی آنچیزی که اهمیت هگل وابسته بدان و تفکر مشخص او بدان ممتاز

است. امروز تنها بازآن دیشی ماتریالیستی دیالکتیک هگل افزایی جاند ار است و تنها از آین جهت که فلسفه‌ی هگل یکی از مهمترین مرجعشمه‌های تئوریک مارکسیسم — لئنیسم است، این فیلسوف میتواند بیمرگ شمرد و شود. (۲)

هگل برای نخستین بار جهان طبیعی، تاریخی و روحی را بشکل یک "پرسه" عرضه داشت یعنی در جنبش، تغییر، دگرگونی، و گسترش دائم و کوشیدتا پوند درونی این جنبش و گسترش را مکشف مازد. این مهم نیست که هگل مسئله را حل کرد یانه. خدمت تاریخی او در آنست که مسئله را طرح کرد.

انگلیس — آنتی د ورنگ — چاپ روسی سال ۱۹۰۷ — ۱۱ - ۲۶

(۲) باتلخیص و اقتباس از مقاله "هگل و جهان معاصر" نوشته‌ی دکتر فلسفه ایل ییکو در روز نامه‌ی "پراودا" مورخ ۲۳ اوت ۱۹۷۰

یادداشت‌ها و

خاطراتی درباره سلیمان محسن اسکندری

خاطراتی که در زیر بنظرخوانندگان ارجمند نیایم رسید نگاشته‌ی رفیق کهنسال مازین العابدین قیامی یکی از پیش‌کسوتان نهضت آزادی‌خواهی و انقلاب دایرانست. مادر سال‌آیتدیه بمناسبت هشتاد میهن سالگرد زندگی رفیق قیامی شرح زندگی ایشان را در "دنیا" منتشرخواهیم کرد. رفیق قیامی که علاوه بر نقش دراد و ارمحائف در جنبش رهایی‌بخشن و انقلاب ایران، پھوسته دارای مشاغل مهم دلتی مانند وزارت و کفالت وزارت و استانداری بوده است، خاطرات بسیار غنی و متنوعی درباره‌ی حواله‌ث و اشخاص دارد. در حافظه‌ی نیرومند او وقایع فراوانی از تاریخ معاصر ایران ثبت شده است که بسیار مسد مندوخاوه بود اگرچه دون و تنظیم گردید. رفیق قیامی خود از دوستان و همزمان شاد روان سلیمان محسن اسکندری از بنیادگزاران سازمان سوسیال دموکراتی انقلابی در تهران و لید رمعرف احزاب "دموکرات" و "اجتماعیون عامیون" و یکی از بنیادگزاران حزب توده‌ی ایرانست. طبق خواهش مجله‌ی "دنیا" رفیق زین العابدین قیامی این خاطرات را که حاوی اطلاعات بسیار جالب و بالارزشی است درباره‌ی زندگی و فعالیت سیاسی شاد روان سلیمان محسن اسکندری تدارک دیده است و مأثر این خاطرات مصادف این شماره باشد که پنجاه‌مین سال حزب طبقه‌ی کارگر ایران درج میکنیم.

"دنیا"

سلیمان محسن اسکندری (سلیمان میرزا) انقلابی و دشمن سرسخت امپرالیسم، خدادی صمیمی خلق بود و در تاریخ مشروطیت ایران هرجار که ورق پژنم بنام او مصادف میشوم. چون سلیمان میرزا کلمه‌ی میرزا را در مابعد اسم شاهزادگان امتیاز بیجاچی میدانست چند سال قبل از الغای اینگونه امتیازات (که اساساً میترک این فکرهم او بود) خود این کلمه را در ورانت اخت و نام پدر را بجاوی آن قرارداد که این مسئله هم یکی از اعتراضات سلمانه‌ی فاجار نسبت به او شد و داستان آن مفصل است. سلیمان محسن اسکندری از زمان نوجوانی و دوره‌ی تحصیل روح انقلابی داشته و از همان‌وقوع بعد الت و قانون دل بسته بود. اوقاتی که او در مدرسه‌ی دارالفنون تحصیل میکرده است دو نفر از شاگردان را برای اینکه به بدی غذا اعتراض کرده بودند اخراج مینمایند (آن‌زمان در دارالفنون به شاگردان نهار میدادند). سلیمان محسن شاگردان را مادره‌ی اعتراض عمومی میکند و بالآخره موفق میشود که همه‌ی آنها اعتراض بکنند و از رفتن به سرکلاسها امتناع ورزند و این مسئله باعث غضب

ناصرالدین شاه میشود و امرمیکنند سلیمان محسن را حبس کنند. این اقدام هیجان شاگرد ان راشد پدید میکند و آخرالامر این اعتساب موفق میشود که دو نفر شاگردان اخراجی را بد مرسم برگردانند. سلیمان محسن هم با سرپنجه از حبس ازاد میشود و این اولین بار پرده است که نام اعتساب دایران آنهم در دارالفنون به گوش میخورد^(۱).

در زمان سلطنت ناصرالدینشاه رسم براین بوده است که در تحویل مال نو و عیدنوروز شاهزادگان درجه ای اول یعنی عموها و عمروزادگان شاه در حضور خود شاه در سر هفت میین حاضر میشند و شاهزادگان درجه ای دوم با پسران خود در رخته ای علیرضا خان عضدالملک رئیس ایل قاجار^(۲) در مراسم هفت میین جمع میشند و عضدالملک به هر کدام از حاضرین یک سکه ای طلا که یک رویان گس ناصر الدین شاه و روی دیگر نشان شیر و خوارشید ضرب شده بود عیدی میداد. در کی از اعیاد سلیمان محسن که با پدر خود (محسن میرزا کفیل الد ولہ) حاضر بوده است از در رافت عیدی معدتر میخواهد و میتو بد اگر هر دو و روی این سکه نشان شیر و خوارشید ضرب میشند من با کمال تشکر قبول میکردم اما حالانه در سر این قضیه سلیمان محسن بازیه حبس میافتد و سه ماه در زندان میماند. بعد با وساطت عضدالملک خلاص میشود. کفیل الد ولہ هم مشخص بود و از خد مت در وزارت عدلیه منفصل میشود که بعد ابا شفاعت شیخ محسن خان مشیرالد ولہ و وزیر صد لیه پسر خدمت میاید^(۳).

حاج سیاح یکی از آزاد خواهان معروف است که در دارالحکومه ای طهران حبس و زیر زنجیر بوده است. سلیمان محسن برای او غذا میرده است و از او پرستاری میکرد و است. خود حاج سیاح تا اوآخر عمر میگذشت است پس بزرگ دلسوز و شجاع من سلیمان میرزا است. میرزا همایون ترسود رآمد و کفتر به من سرمیزد^(۴).

سلیمان محسن از زمان جوانی در خدمت به معارف بسیار جدی بوده است. مد رسمی متوسطه علمیه رایجی میرزا سلیمان میرزا، میرزا طاطا هر تکابنی، و سعید العلماء^(۵) تا سیمین میکنند و سلیمان میرزا مدتی نظام آن مد رسمی بود. عده ای ازانقلابیون ایران دست پروردۀ ایین دو برادر رعنی سلیمان میرزا و یحیی میرزا هستند. در اوایل مشروطیت بواسطه سعی و جدیت سلیمان محسن مد رسمی دختران راد رطهران بنام مد رسمی ناموس داد و ختم امام الحکماء که در آن تعلیم و توجهی دارد و دکتر محمد کرمانشاهی جراح معروف و همسر او خاتم دکتر تحقیل کرد و بدندا سیمین کردند و بقول امام الحکماء مومن اصلی سلیمان میرزا است، زیرا اگر او همت و پاکشایی نمیکرد تحقیل اجازه از وزارت معارف غیر ممکن بوده در زمان تبعید به قم مد رسمی با قریه راد رانجا تا سیمین کرد و کتابخانه ای دارالتلیه را که بنای آن مشرف به انهدام و کتابهای بسیار نفیس در صندوقهای دی ریشه پوسیده میشد با جمع اوری اعانه بنارات تعمیر و باکمل آقاسید جلیل اردبیلی قسمه های ابرومندی مهیا و کتابخانه را از تو امداده استفاده نمود و در جنبه آن قراحتخانه هم تشکیل کرد.

(۱) این موضوع رامن از نظام العلوم معاون وزارت فلاحت و تجارت و فوائد عامه که خود ش آنوقت جزو شاگردان دارالفنون بوده است شنیده ام و از خد ایشانهم پرسیدم تا میبد کردند.

(۲) این شخص بواسطه ای اینکه طرفدار مشروطیت بود بعد از فتح تهران و خلع محمد طیشه از طرف هیئت مدیره ای ملی نایب السلطنه ای احمد شاه شد.

(۳) این قسمت رامن از صادق صادق مستشار الد ولہ خواهیزاده ای مشیر الد ولہ که آنوقت رئیس دفتر وزارت عدلیه بوده است شنیده ام. بعد از کفیل الد ولہ پرسیدم عین جواب ایشان چنین بسود: آقای مستشار الد ولہ صادق القولند همینطور است که فرموده اند.

(۴) این موضوع را خود همایون سیاح پس بزرگ حاج سیاح برای من حکایت کرد ا است.

سلیمان محسن قبل از انقلاب مشروطیت و صدور فرمان آن با اکثر انقلابیون از قبیل ملک المتكلّمین و سید جمال واعظ و دیگران مرسوط و همکاری داشته و باتفاق برادر بزرگوار خود پیر حسین میرزا فعالیت عمد و میکرد ا است و اکثر اشیه و پخش شب نامه ها و سایر اوراق چهارده ای انتها بوده است و در راولین جلسه عوامی موئسین انقلاب طهران که بطور مخفی در باغ میرزا سلیمان خان میکده در خیابان گرفک تشکیل و طرح انقلاب در آنجا آماده و تصریب میشد حاضر بوده است این د استان سپاه رفചل است افسوس که این مقاله گنجایش آثارند ارد همیقدار براید یاد آور شد که بدون تردید سلیمان محسن حق یکی از علمداران انقلاب مشروطیت ایران است.

در در وره ای اول مجلس در تشکیل انجمن برادران د روازه قزوین و آماده کردن یک دسته ای مجاهدین سلیمان محسن فعالیت مهمی داشته است بعد انجمن حقوق راد و برادر ریحی میرزا و سلیمان میرزا تشکیل میکنند و روزنامه ای حقوق رامنشترینها پند.

با این نقل قول از صادق مستشار الد ولہ ایستاد او میگفت پس ازانکه نزاع بین محمد علیشا و مجلس با وجود خود رسید و محمد علیشا بیان شاه رفت و در آنجا اراده تشکیل داد و مجلس بخطر افتاد روسا و قسمت عده ای اعضا انجمن ها و مجاهدین بین مسلحه د رعارت بهارستان و مسجد سپهسالا را جتمع کردند و شبانه روز در آنجا اقامت نمودند و به حفظ و حراست مجلس پرداختند در این موقع مجلس اشتباه پیرگیر امرتکب شد که کمیسیونی بطور فوق العاده بنام کمیسیون نظام تشکیل داد و ریاست و مسئولیت اینرا با اختیاراتی به سید حسن تقی زاده واذکار که او قوای سلاح ملی را تشکیل و مجهز سازد تقی زاده بدستیاری عد الحسین خان معززالملک (تمورناش سرد اعظم خراسانی) در حرف همه چیز را مداده و مهیا جلوه داد و مجلس را القا کرد و اصرار نمود که اعضا انجمن ها و مجاهدین از مجلس و مسجد متفرق بشوند و بهانه بدست شاه ند هند در اثر اصرار تقی زاده و پاک عده ای دیگر در مجلس قرارش چند نفری از مجلس برای گفتگو با سران انجمن ها و مجاهدین پس مسجد سپهسا لا ر بروند در آنجا کسی که بی پرداز و قاطع صحبت کرد سلیمان میرزا بود او گفت که مجلس در تشکیل این کمیسیون و سپردن این کار به تقی زاده اشتباه کرده و این پیشنهاد هم که مد افعین مجلس متفرق بشوند ازان اشتباه بزرگراست تقی زاده در تشکیل و تجهیز قواهیچ اندام موئری نکرده و به همچو جه آمادگی ندارد و این پیشنهاد او هم در تخلیه ای مجلس و مسجد از قوای مجاهدین پمزله ای ترک مقاومت و خلع سلاح و تسلیم بد شعن است این کار خطر انگشتی که پیشمان خواهد شد سلیمان میرزا باید لایل کافی نظر خود را ثابت نمود شاد روان صادق صادق گفت ولی مجلس با استثنای چند نفری که را می مخالف داده می روی این اشتباه ایستاد جریان بعدی خلا نشان داد که سلیمان میرزا درست تشخیص داده بوده است و اگر نظر او رعایت میشد آن وضعیت پیش نمی آمد.

حزب سوپیال د مکرات ایران را سلیمان محسن تشکیل داد و در این راه مساعی او بیمار است در در وره ای استید اد صغیر سلیمان محسن د رمخفی گاه از فعالیت باز نماند او ارتباط خود را با سوپیال د مکرات های آذربایجان و ستارخان برقرار کرد و در طهران قوای سلاح مخفی آماده نمود که اهمیت و تأثیر آن در موقع هجوم مجاهدین گیلان و بختیاریها به طهران معلوم و آشکار شد یعنی اگر قیام این قوای مخفی از داخل شهر نبود موقیت ارد وی می از خارج بسیار مشکل بود همین قوای مخفی باعث شد که مجاهدین با آن سرعت موفق و فاتح شدن و تاج و تخت محمد علیشاه را منزگون کردند و در وره دوم مشروطیت مستقر شد.

در در وره ای دوم مجلس سلیمان محسن از اصفهان بنایندگی مجلس انتخاب شد و بفاصله ای کمی حزب د مکرات ایران را تشکیل داد و در مجلس فراکسیون پارلمانی آن بوجود آمد در موقع بازگشت محمد علی میرزا بایران و تهاجم سالار الد ولہ و شعاع السلطنه و جنگ ارشد الد ولہ

که به نزد پکی طهران رسیده بود پسیچ قوای مسلح دمکراتها با فعالیت سلیمان محسن و رهبری ا و انجام گرفت و در جنگ همه جا پیش قدم بود. او بود که باعث قیام عمومی شد. در موقع انشتاب در حزب دمکرات بر هیری تقی زاده و حکیم الملک و میدانداری قواه السلطنه و نفاق انداختن بین مجاهدین و برانگیختن دسته برطیه ستارخان و حادثه ای پارک اتابک اقامته سردار ارمی ستارخان و بالاخره دسائیش انشتابیون و حیله های قواه السلطنه وزیر جنگ وقت و تیرخوردن ستارخان، رهبری درست و فعالیت سلیمان محسن سبب شد که انشتابیون اخراج و گناهکاران مجازات و حزب از پکی به رسان شدید و خطر بزرگ خلاص گردید و از بدنامی در تاریخ میراگشت. سلیمان محسن در تهیه ای منزل و معالجه ای سردار ارمی ستارخان و پیتصویب رساندن لایحه ای پانصد توان حقوق ماهیانه در حق ایشان سمعی و کوشش فراوان کرد. آقاسید جلیل اردبیلی را از طرف حزب بزرگ پذیرایی تعیین و خود نیز غالب اوقات در نزد ستارخان بوده. سردار ارمی همیشه از سلیمان محسن اظهار رضایت میکرد.

در موقع اولتیماتوم حکومت تزار باد سیمه ای دولت انگلیس جدیت و مقاومت و پاشاری فراکسیون پارلمانی حزب دمکرات بر هیری سلیمان محسن سبب شد که اولتیماتوم رد میشود و استقلال ایران حفظ گرد و کوشش و تلاش ابوالقاسم فرهنگ زلزله ناصرالملک نایب السلطنه و وثوق الدله در بقول اولتیماتوم عقیم بماند.

در کودتای ناصرالملک و بستن مجلس دو رهی دوم فعالیت و فد اکاری سلیمان محسن برای تشکیل مینیگ سبز میدان و نطق معروف شیخ محمد خیابانی و تولید هیجان عمومی و اعزام خیابانی از راه مشهد و قفقازیه آذربایجان و تشکیل کمیته ای سری بسیار است که شرح آن در این مختصراً بقول خیابانی این همه مؤقتی د راه رهبری صحیح سلیمان میرزا است.

بین مجلس دوم و سوم مبارزه ای حزب دمکرات باد پکتاتوری ناصرالملک روز بروز شدت یافت. ناصرالملک سلیمان محسن و آقاسید جلیل اردبیلی و چند تن دیگر را به قم تبعید کرد. او در قم تشکیلات حزبی را تقویت نمود و موجبات قیام روحانیون را فراهم ساخت و ناصرالملک را عاجز کرد و از ادامه ای خیانتها بازداشت.

در موقع تھیم حزب دمکرات به ترک پایتخت و عزیمت به غرب کشور معروف به مهاجرت سلیمان محسن بود که آن وسائل و سایر را از همه جهت فراهم و تمام موجبات را آماده و آن قواررات جهیز و آن عده را حرکت داد. تشکیل کمیته ای دفاع ملی ابتداء او بود و همین باعث يك سلسه مؤقتی هاشد. تلاش او برای تشکیل جمیه ای واحد ملی که پکانه چاره برای مؤقتی کامل بودید بختانه بواسطه ای اغراض شخصی بعض ها علی نشد و این مسئله زبان بزرگی وارد کرد و بعد اواباعیات عینی هم صحت نظر اورا ثابت نموده. دشمنان داخلی با تحریک دشمنان خارجی برای سو"قصده" جان او توپه چید ندکه هوشیاری و پاسداری یک عده عناصر بایمان و دوستان وفادار اورا از ازان خطر گتی رهانید. درین مبارزات شدید باد شمنان خارجی بخل و حسد و خطاكاری مخالفین و نادانی و سست غصه ای بعضی هم مسلکان و عاد و لجاج آنها سبب نفاق و دو تیرگی و پراکندگی در حزب شد. سلیمان محسن با شجاعت و قطعیتی که داشت بد ون بیم و هراس و سراسیمی درمیان آشتفگی شدید برا ای حزب از خطر و حفظ موجودیت آن طرح تشکیل کفرانس وسیع ایالتی را بخواست و با وجود دسائیس و کارشنکنی مخالفین بالاخره در تشکیل آن توفیق یافت و این کفرانس کمیته ای مرکزی را انتخاب کرد. این تصمیم و تدبیر که در حال غیرعادی و فوق العاده پکانه چاره ای رفع خطر بود نشان داد که سلیمان محسن چه رهبر عاقل و مجرب و فعال و شجاع است.

میس سلیمان محسن برای جنگ یا انگلیسها به میان ایل منجانی رفت و از آنجا وسائل اخذ ارتباط با خیابانی را فراهم ساخت. بعد از آنچه بدست قوای انگلیس اسیر و محبوس شد و اورا به

هند وستان بیزند. پس از سه سال و چندی که در جمیں انگلیسها ماند در ایران قلب کبیر اکبر اور از جمیں بیرون آوردند و در بیشی تحت نظر نگاه داشتند. درین بین در انتخابات دوره‌ی چهارم مجلس با اکثریت قاطعی پنایندگی طهران انتخاب شد. از بیشی باد سیمه‌ی انگلیسها محمد علی فروغی (ذکاً‌الملک) و فیروز میرزا (نصرت‌الدوله) نزد او قوتند و گفتنده‌که در ایران موجبات کودتا شی فراه‌م گردیده و پیشنهاد کردند که او در رام آن کودتا قرار گیرد. او پس از ملامت زیاد به آنها جواب ردداد و گفت من در جمیں و در تخت هر شکنجه‌ای میمانم و برخلاف مصلحت وطن علی نهیمن و آلت دست انگلیسها نمیشوم. بهمین جهت دوباره به جمیں افتاد و قرب سه سال باز در جمیں انگلیسها ماند و پس از گذشتای سوم حوت ۱۲۹۹ سلیمان محسن را در هند وستان آزاد کردند و او با اسائلی خود را به کرمانشاهان رسانید. رفاقت کرمانشاهی اوراد رانجام خفی نگاهد اشتد. بعد از یکماه او با وجود خطرات زیاد مخفیانه به همان آمد. در همدان میرزا اسماعیل نویری از دموکرات‌های آذربایجان که از زمان در انجاییز است و حسنعلی فرمد (ضیاء‌الملک) وسائل پنهان شدن اور از همه جهت فراهم آوردند و حکومت وقت معزال‌له پدر زن احمد شاه با اینکه از ورود او مطلع شد جوانمردی نمود و ندیده گرفت. پس از عزل سید ضیاء سلیمان محسن بالا قاصله باتجیل فوق العاده از همان حرکت و در راه بین قزوین و طهران اتوموبیل او و سید ضیاء که بخارجه بیرون از همدان پیگردشت. سلیمان محسن با استقبال کم نظیری وارد طهران شد. ورود او روحی و قوی به آزادی خواهان بخشید. پس از اندکی چهل و یک نفر از سوسیال دموکرات‌های مایق راکه بالایان و پاک امن و ازمان حوادث پاک درآمده و امتحانات خود را در محل داد. در مجلس چهارم هم فراکسیون پارلمانی حزب پرهیزی او بوجود آمد کرد و حزب مذکور اتشکیل داد. سر از فرمون هم با پیشوائی مستوفی المالک در غالب موارد با فراکسیون پارلمانی حزب اجتماعیون عامیون هماری و هم‌مداد امیشدند. چند نفری نیز از اکثریت که مردم مان محتاط و در وراید پیش بودند مانند محمد ولی میرزا فرمانفرما ایان، آصف‌المالک کرمانی، بیان الدوله زنجانی، سر از فرمون قزوینی و چند تن دیگر در بعضی مسائل بانتظر اقلیت موافقت میکردند و با این وضع فراکسیون پارلمانی حزب اجتماعیون عامیون را رشرهیزی صحیح و عاقلانه‌ی سلیمان محسن موقق شد که در مجلس قرارداد ۱۳۱۹ و شوق الدلوه با اکنکیم لغو گردید و قرارداد مودت ایران و اتحاد جماهیر شوروی به تصویب بررس و ایضاً از این باید گفت که حتی محمد ولی میرزا در موقع طرح اعتبارنامه‌ی مخبر السلطنه قاتل خیا با نی با اقلیت همداد اشد و رایی مخالف داد. مبارزه‌ی حزب اجتماعیون عامیون در داخل و خارج مجلس با دشمنان داخلی و خارجی و طرفداران دیکتاتوری روز بروز شدت یافت و پس از آنکه اکثریت مجلس موقق شد که قوام السلطنه را مجدد ابا مسند ریاست وزراً بنشاند و او با پیش‌تیبانی اکثریت مجلس امتیاز نفت شعال رایه امن کایهایا داد مبارزه‌ی با وح شدت رسید. درایتوت سلیمان محسن که همیشه اندیشه‌ی تشکیل جیهه‌ی واحد ملی را در نبال میکرد دراین راه عاقلانه فعالیت را وسیعت‌کرد و در ازهامت و پشتکار او اتفاق با حزب‌ی اف اکه از ۱۳۲۳ هجری پرهیزی صادق مستشار الدلوه تشکیل شد. بود بوجو امدو با این ترتیب در تشکیل جیهه‌ی واحد ملی موقعیت حاصل شد و بالنتیجه امتیاز نفت شعال لغو شد و از چنگال امرکاییها بیرون آمد و کایهیه‌ی قوام السلطنه ساقط گردید و ارجاع داد خارجی شکست خورد.

یک قسمت مهم دیگر از موقع شناسی و فد اکاری و شجاعت سلیمان محسن راکه باید نگفته نگذشت مربوط به مسئله‌ی نهضت خراسان و صلاح اندیشه و فعالیت بسیار وسیع که در آن موقع بعمل آورد. سلیمان محسن اساساً نهضت خراسان را می‌سخورد و اقدام کلشنل محمد تقی خان را اهمیت میداد. امام‌عتقد بود با محدود و ماندن این نهضت در مشهد مشکل می‌توان نتیجه‌ی منظور را بدست آورد و عقیده داشت

حالاکه یک چنین قوای د رانج آماده است و اوضاع و احوال و شرائط هم از خیلی جهات مناست و مساعده است پهتیرایست که این نهضت محدود به حدود خراسان نشود و کلnel به مرکز هجوم کند و مرکز پتصراف قوای الى درآید و حکومت ملى د مکراتیک تشکیل گردد و برای انجام این مقصود اقدامات مو"ثود یگر هم بعمل آورد. من جمله بواسیله یکی از ازاد یخواهان مازندران بنام فخرالعارفین که ازد وستان نزد یک سلیمان محسن بود با امیرمو"ید مازندرانی که آن زمان قوای کافی و افکارمساعدی داشت وارد مذاکره شد و یام جاهدت^۹ امیرمو"ید آمادگی کامل پیدا کرد که در این محل خیروارد گردد. فرستهای دیگری نیز فرا هم آورد. از قوای د ولتی هم عده ای حاضریه هکاری شدند. خلاصه جدیت و همت سلیمان محسن یک قوای عده و مهم را آماده ساخت که با مساعده بودن افکارعوی و سراسیمکی احمد شاه و تزلزل و ترس قوام السلطنه که حتی نمیتوانست شببهاد ر منزل خود بماند و در نیاقات نامعلوم پسرمیرید، سرد ارسپه هم هنوز قوای کافی نداشت و دست و پای خود را جمع نکرد. بود، سقوط مرکزید است قوای ملیون و متفقیست بمسهولت میربود. بواسائل مطمئن این صلاح اندیشی را به اطلاع کلnel محمد تقی خان رسانید و معلوم شد که عده ای از هکاران کلnel هم این نظر را داشته اند ولی متا" معانه کلnel در اقدامه اینکارترد یدکر و ترجیح داد که در مشهد بماند و پایگاه آنجارامستحکم مازد تابع بپواسطه ای همین اشتباہ این فرصت بسیارهم فوت شد و مانند بعضی فرستهای دیگر ازد است رفت و شدان کان که نباید بشود.

در موقع تشکیل کابینه ی سرد ارسپه که چهارنفر وزیر از حزب اجتماعیون عاميون دعوت شد و کمینه^{۱۰} مرکزی حزب تصمیم گرفت که سلیمان محسن هم پست وزارت معارف را بعده بگیرد، او علاوه بر اینکه مخالف شرکت حزب در دلت بود از دخالت خود ش هم بکلی امتناع داشت، ولی اصرار حزب دراجرای تصمیم اورا مجبور ساخت که بر ضایی حزب تصمیم شود باین شرط که پیدا از مدت کمی مجاز به استغفار باشد همینطور هم شد و در ایام کوتاهی اصلاحاتی در روزارت معارف بعمل آورد.

در تغییرسلطنت و جیهان مجلس پنجم و تشکیل مجلس مو"سان تاریخچه ای این موضوع بسیار مفصل است. همینقدر باید گفت که سلیمان محسن همواره مصالح وطن و خلق و اصولیت را رعایت میکرد و باید نطق مفصل اورا در مجلس مو"سان بخاطر اورده که گفت و پیشنهاد داد حالاکه میخواهید کسی را از سلطنت خلع کنید و کسی را بجای او بگذارد اقلال سلطنت را به شخص واحد بدهید و نسل بعد نسل را در وباره اصل قرار ندهید. بعد از مجلس مو"سان سلیمان محسن خانه نشین شد، اما از خدمت بوطن و خلق پارتماند.

در سال ۱۹۲۷ میلادی در چشیدن د همین سال انقلاب کیبر اکبر سلیمان محسن با محمد فرخی یزدی به اتحاد جماهیر شوروی دعوت شد و په" معکورفت. شرح این مسافرت و پذیرایی مفصل است، باید به جراحت آن ایام مراجعه کرد.

سلیمان محسن بعد از سوم شهریور ۱۳۲۰ شمسی با یکدعا از همزمان دکتر رانی که از زندان خلاص شدند و از تبعید کاها برگشتند و عده ای محدودی از موسیوال د مکراتهای سابق، حزب توده ای ایران تشکیل داد و تا اخرين نهم در خدمت بوطن و خلق و حزب کوشش کرد.

سلیمان محسن تمام ارائه خود را مطابق وصیت نامه ای که بحزب داد و یک نسخه هم بیکی از رفقا و د وستان نزد یک خود سپرد به حزب پخشید و درگذشت. مرگ سلیمان محسن همه ایرانیا راغق د راثم کرد. مراجی که در تمام نقاط ایران از طرف کلیه ای مرد م برقا گردید محبوبیت اوراد رنجد عموم نشان داد. تجلیل بینظیری که در تشییع جنازه ای او بعمل امد و مرد م طهران در آن شرکت کردند علاقه ای عموم را نسبت به او و قدردانی ای که از خدمات و فدائکاریهاش دارند ظاهر ساخت. بقول امان الله ارد لان حاج عزالمالک که در تشییع گفت من در تمام عمرم چنین تشییع با عظمتی ندیده ام. فقط محبوبیت مثل سلیمان میرزا لازم است که چنین تجلیلی را فراهم اورد.

سلیمان محسن در قلوب تمام ایرانیان جاد ارد و هرگز فراموش شدنی نیست
د رود فراوان به روان پاکش!

ششم مرداد ۱۳۴۹

استخراج از موقت جلسات مد اکرات مجلس موئسسان اول مورخ ۲۱
اذر ۱۳۰۵ هنگامکه سلیمان محسن استندی به سلطنت
مستبد آنه رضا شاه پهلوی را می تداد

سلیمان میرزا — بند مچنانکه در ماده ای اول عرض کرد م و البتة
محاج بتکرار نیست و همه خوب می شناسند، دایع
یک مسلکی هستم که مرآنامه اش هم در تمام مملکت
طبع و منتشر شده و هر کس هم اگرند یده است فوراً
از بند می خواهد.

تیمورتاش — ماکه ندیده ایم!
سلیمان میرزا — الان بکیش در حیم هست تقدیم میکنم و مطابق
مرآنامه و عقیده ای خود همیشه با یعنی در قضایا
صحبت کنم و را می بدم در ماده ای دوم مرآنامه
بند ه هست ارزشی که در مملکت همیشه حکومت از طرف
ملت اداره شود ۰۰۰ بنابراین با این اصل بند کاملاً
مخالفم ملتی که خود را مقصد نمیداند، ملتی که
تحصیلکرد است، ملتی که موقق مشود مجلس
موئسسان داشته باشد، ملتی که مجلس شورای ملی
دارد همه چیز در اقتدار او است، اوست که میتواند
برای خود ش وکیل معین کند، حکومت معین کند،
این اصل عقیده ای بند است ۰۰۰

(سلیمان میرزا نزد یک بصندلی خود خطاب به پیشخدمت) این
مرآنامه را بده خدمت آقای سردار معظم (تیمورتاش)

نقل از جلد سوم تاریخ بیست ساله ای ایران
تألیف حسین مکی — صفحات ۵۳۶-۵۳۵

«انقلاب فرهنگی» یا کودتای ضد انقلابی

خلاصه ای از ترجمه‌ی پخش اول این مقاله را تحت عنوان "ده بزه عده که مائوتسه توئنگ درون کشور مرتب شده است" در شماره‌ی سوم سال دهم مجله‌ی "دنیا" بنظرخواهندگان عزیز رساند یم.
این خلاصه ای از پخش دوم این مقاله را درج میکنیم. یاد آور میشویم که این مقاله به قلم وان مین، از رهبران پاساچه‌ی حزب کمونیست چین که طی سالهای ۱۹۳۱-۱۹۳۵ بنام چین شائویوی دبیر اول حزب بوده نوشته شده است.

II - پنج بزه عده که مائوتسه توئنگ در امور بین المللی مرتب شده است

۱- او دیوانه وار طیه اتحاد ش--- و روی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برخاسته است

مائوتسه توئنگ معاصره‌ی سفارتخانه و دیگر نمایندگی‌های اتحاد شوروی، بلغارستان، مجارستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، چکسلواکی و مغولستان را تشکیل داد، رهبران این کشورهارا به باد تهمت و نامزد گرفت، دیپلوماتیهای این کشورها و اعضاً خانواده‌های آنها را امور اهانت و حتی ضرب و شتم قرارداد. مائوتسه توئنگ مانند میلتیارستهای به یان و چان کای شک علا مغولستان را بمناسبت یک کشور مستقل نمی‌شناسد و حق حاکمیت واراضی این کشور را تهدید میکند. او از همکاری‌ها اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در مردم کمک به خلق و پیمان نیز برای دفع تجاوز امریکا امتناع دارد و میکشد بین خلیق‌های ویتنام و اتحاد شوروی نفاق ایجاد کند. او بالاعمال خوش امپریالیسم امریکارا در ادامه تجاوز به ویتنام و گسترش جنگ تشویق میکند. مائوتسه توئنگ نسبت به جمهوری دموکراتیک توده‌ای کرده نیز شایحات تحقیرآمیز تواًم با اهانتات پخش میکند و امپریالیسم امریکا و کره‌ی جنوبی را تشویق میکند که علیه جمهوری دموکراتیک توده‌ای کرده به تحریکات دست زنند. مائوتسه توئنگ نسبت به کویانه فقط در عرصه‌ی تجارت و روابط اقتصادی سیاست قشار بگونه‌ی امپریالیسم امریکا اعمال میکند بلکه همچنین در امور حزب و دولت کویا به خرابکاری و زیانکاری مشغول است.

مائوتسه توئنگ عنا اعلام داشته است که قصد دارد اتحاد شوروی را باصطلاح "وازگون" سازد. او داعماً دیوانه وار سرگرم تحریک روحیات ضد شوروی دکشور و دشمنی با شوروی است. مائوتسه توئنگ میکوشد بوسیله‌ی کارزار تبلیغاتی پرتشنج ضد شوروی، پیوندان دوستی و برادری

ستی راکه طی ده هاسال بین احزاب کمو نیست و خلقهای اتحاد شوروی و چین بوجود آمده از هم بگسلد، زیرا او بینهایت بیم دارد که کمونیستها و مردم چین از کامبیزیهای عظیم و همه جانبه‌ی مردم شوروی در اجرای برنامه‌ی نوین حزب و تعمیمات کنگره‌ی ۲۳ وی ریزی کمو نیسم؛ در امر مبارزه با خاطر صلح جهانی، در امر حمایت از جنبش کمونیستی و کارگری کشورهای مختلف، در امر پشتیبانی از جنبش‌های ازادیبخش ملی و دموکراتیک در آسیا، افریقا و امریکای لاتن مطلع گردند.

تهاجم مسلح تحریک آمیز در این مسنه‌ی مائوتسه تونگ برمزد اران شوروی در جزیره‌ی دامانسک متعلق به شوروی و کاراقتادن ماشین پرسروصد ای تبلیغاتی ضد شوروی اود رخارج و داخل چین، همراه با طرح دعاوی ارضی نسبت بسرزمین شوروی، یک واقعه‌ی اتفاقی نیست. مائوتسه تونگ به پیک چین اقدام تحریک آمیزی دست زد تا در عرصه‌ی داخلی توجه خلق چین را از مشکلات بی حد اقتصادی و سیاسی ناشی از باصطلاح انقلاب فرهنگی منحرف کند و ضمناً دریک محیط مشتچ ضد شوروی و ضد کمو نیستی بتواند باصطلاح کنگره‌ی نهم خود را در این نموده تشکیل دهد و در عرصه‌ی سیاست خارجی همکاری خود را با دسائی ایالات متحده‌ی امریکا و آلمان فدرال از جمله در مورد انتخاب رئیس جمهور آلمان غربی در برلن و پطور کلی بادعاوی تلافی جویانه‌ی آلمان غربی اعلام دارد. هدف دیگر مائوتسه تونگ از تحریکات مسلحه د مرز شوروی کوشی بود درجهت مانع از تشکیل کنفرانس احزاب کمو نیست و کارگری جهان تا بد پنوسیله از تحریک پوسنگی جنبش کمونیستی و کارگری کشورهای جهان وحدت عمل احزاب احزاب کمونیست و کارگری علیه نیروهای امپریالیستی جلوگیری پعمل اورد.

— اودیوانه وار علیه احزاب مارکسیست — لینینیستی کمو نیست و کارگری تمام کشورها برخاسته است

مائوتسه تونگ عملیات اشعاپگرانه و خرابکارانه‌ی خود را علیه اکثریت احزاب کمو نیست در کشورهای مختلف جهان به حد اعلا شدت دارد، پرای مبارزه علیه احزاب کمو نیست و کارگری ستون پنجمی تشکیل داده و بازند برچسب روی نیست برآمده‌اندا اعلام داشته است که قید دارد آنها را باصطلاح واژگون سازد.

در اروپای غربی او آتش حملات و خرابکاری خود را بپیشه علیه احزاب کمونیست نیرومند و ذینفود متوجه ساخته است. او نه فقط به حزب کمونیست فرانسه و رهبران فعلی آن حزب تهمت میزند، بلکه حتی موریس تورز مبارز پیزگ کمونیست شفی راینیز بیاد اهانت و تهمت گرفته است و روش نظری نسبت به حزب کمو نیست ایتالیا، رهبران فعلی آن و حتی پالمرو تولیاتی متوفی نیز اتخاذ کرده است.

مائوتسه تونگ همچنین بر حزب کمونیست اسپانیا که در رده‌ی مقدم مبارزه‌ی ضد فاشیسم قرار دارد شیرانه می‌باشد. او در کارا احزاب کمونیست امریکا، کانادا، احزاب کمونیست تمام کشورهای امریکای لاتن، تمام احزاب کشورهای عربی و خاور میانه خرابکاری میکند. در کشورهای آسیایی همسایه‌ی چین مائوتسه تونگ سعی وافر دارد که احزاب کمو نیست رامنشعب و متفرق و منحل سازد. حزب کمو نیست اند و نزی که زیر نفوذ چه رویهای ماجرا جویانه‌ی مائوتسه تونگ قرار گرفت با شکست فاجعه انگیزی روبرو شد که قربانیان آن به چندین صدهزار نفر بالغ گردید و آنکه مائوتسه تونگ گناه فاجعه را بر عهده‌ی رهبران حزب کمو نیست اند و نزی اند اخت. مائوتسه تونگ داشتمشغول تفرقه اند ازی و خراب کاری در احزاب کمو نیست هند وستان و میلان است.

بدینسان مائوتسه تونگ ضمن اینکه با جمله پردازیهای چپ نما از انقلاب جهانی سخن میگوید در عمل صرگم خرابکاری و زیانکاری و تفرقه افکنی در کار احزاب کمو نیست و کارگری جهانست بقصد اینکه بگفته‌ی خود ش آنها را "واژگون" سازد.

موضعگیری ماقوسمه تونگ نسبت به حوادث چکوسلواکی نمو نه ای روشنی است. او در آرود سمتا هراتهم پلید من درآورده بی اتحاد شوروی و دیکتاتورهای سوسیالیستی و نیروهای سالم حزب کوئی نیست چکوسلواکی و مردم چکوسلواکی زندن و بدینسان مستقیماً و آشکارا اب در آسیاب امپریالیستی^۴ امریکائی و ایالات غربی، و نیز نیروهای ضد انقلابی و ضد سوسیالیستی داخل خود چکوسلواکی رختند.

۳- اودرجبیش آزاد پیخش ملی کشورهای آسیائی، افریقائی و امریکای لاتن نفرجه افکنی میکند و نسبت به کشورهای رشد یابند قاره‌ای و افریقائی سیاست تضییق علیکار میرید

اویکل امپریالیسم شناخته میکوشد که این کشورها متفرق و جدا جدا باشند تا نتوانند به مبارزه مشترک طیه امپریالیسم، استعمار و استعمار زوین دست نزنند. مأمورته توئگ سمعی و فرد اراد، جنیش های ازاد پیغام ملی را از کشورهای سوسیالیستی جد اکرده آنها را ازد ریاقت کک از این کشورها محروم نماید. در وینتم بجای همکاری اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در کار رساندن کمک به خلق وینتم کارشنکی میکند تا خلق وینتم رامنفرد ساخته به کام امپریالیسم تجاوز کار امریکا بیاند اراد و قتنی کویا در سال ۱۹۶۲ در برابر خطر تهاجم مسلحه ای امپریالیسم امریکا قارگرفت، مأمورته توئگ بجای همکاری و اتحاد عمل با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اتش اتهام زنی خود را علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی گشود و کوشید کویا رامنفرد سازدا امپریالیسم امریکا آسانتر بتوا ند این کشور را سرکوب تعااید.

این سورس را می‌توان در معرض تهاجم اسرائیل قرار گرفتند، مأموریت توپک بجای همکاری با
وقتی کشورهای عربی داشتند که این کشورها، تمام کوشش خود را بکار بست تا مناسبات دوستی و متناسبی
اتحاد شوروی را در کمتر از یک سال که این کشورها، تمام کوشش خود را بکار بست تا مناسبات دوستی و متناسبی
را با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی قطع کند، کوشید آنها را منفرد سازد تا عملیات تهاجمی
اسرائیل و امریکا را طیه آنها تسهیل نماید.

در حالیکه اکثر کشورهای جهان علیه جمهوری افریقای جنوبی بخاطر سیاست پیرامونشانه تبعیض نزد ادی رئیم آن، مجازات‌های اقتصادی قائل شده اند، مشوسته توگ ارجمندی افریقای جنوبی سنگ کروم می‌خرد و به جمهوری افریقای جنوبی اسلحه و مهمات می‌فروشد و بدینسان او علا در صفت نزد پرستان قرار می‌گیرد. مشوسته توگ در همین زمینه مارتنین لو ترکیک، لیدز و محبوب سیاه پوستان امریکائی را حریبه‌ی خدمتگزار محاذل حاکمه مترجم جامیکانامید.

سیاست ماقوشه توگ نسبت به کشورهای آسیائی و افریقایی رشدیابنده همان سیاست سنتی شوینیستی "امپراطوری آسمان" است. مضمون این سیاست اینست که هر ک ازین کشورها یا

باید تابع "امپراطوری آسمان" گردند و یاد شمن "امپراطوری آسمان" باشند.

۴- اود رفکرایجاد دسائیں تحریک آمیز بقصد افروختن ناگرفتی جنگ بین امریکا و شوروی و ایجاد جنگ جهانی است

مائوتسه توئنگ در کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری (سال ۱۹۵۷) در تشویق انجام جنگ اتمی که بنظر او فقط ثلث تانیمی از پیشریت رامعدوم میکند سخن گفت و در آوریل ۱۹۶۰ در سندي که علیه جنبش کمونیستی انتشارداد باز طرقداری خود را از جنگ اتمی تکرار کرد او داعماً فریاد میزند که بمم اتمی بیرکاغذی است، بعیب نید روزتی ببرکاغذی است، جنگ هسته ای ابدآ دهشتناک نیست. هدف از این همه مرسومدا ایجاد یا من در جنبش جهانی ضد جنگ و تحریک به جنگ جهانی است. او با هر اقدامی که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی جهت تخفیف تشنیج بین المللی، جلوگیری از قوع جنگ، در راه همزیستی مسالت آمیز و تأمین شرایط صلح برای ساختمان سوسیالیسم و کمونیزم انجام میدهد، مخالفت میکند.

ناراضیتی مائوتسه توئنگ از زمامداران امریکانیز درایست که آنها جرام ندارند جنگ هسته ای را علیه شوروی آغاز کنند و این عمل را برای خود خودکشی میدانند. اینزو و به هنگام مبارزات انتخاباتی رئیس جمهوری امریکا در سال ۱۹۶۴ مائوتسه توئنگ صراحتاً اظهار نظر کرد که امریکائیان به گولد و اترای دهند، زیرا او علاوه بر اهداف این جنگ علیه شوروی و جنگ جهانی معرفی میکرد. نظر ماینکه تاکنون جنگ هسته ای بین امریکا و شوروی وقوع نیافتد است، مائوتسه توئنگ امید خود را به گسترش جنگهای موضوعی بسته است تا شاید بین امریکا و شوروی و جنگ جهانی بیانجامد. اینزو او خواهان ادامه جنگ امریکایی و پیشنهاد و گسترش هرچه بیشتر است. اینزو و جنگ بین پاکستان و هند وستان راستقبال کرد و باقطعه عملیات نظامی و حل مسالت آمیز اختلافات این دو کشور یا مذاکرات و موافقت نامعین تاکنند مخالفت نمود. اینزو و جنگ تجاوزی اسرائیل را باکشورهای عربی استقبال کرد و باقطعه عملیات نظامی مخالفت نمود و نیز با حل مسالت آمیز اختلاف براساس لغو تمام عاقب تجاوز اسرائیل و استقرار صلح در خاور نزدیک مخالفت مینماید.

مائوتسه توئنگ در رسالهای اخیر همچنین دست دوستی پسوسی محافق میلیتاریستی آلمان غربی دراز کرده است. جمهوری فدرال آلمان در زمینه‌ی همکاری بازگانی و اقتصادی با چین نخستین مقام را بین کشورهای اروپائی حائز گردیده است. دولت آلمان غربی در عرصه‌ی تکلیف نظامی بامانوتسه توئنگ همکاری میکند، برای توسعه‌ی صنایع سنگین پویزه تولید اسلحه‌ی اتمی و موشک، مתחعنی برای مائوتسه توئنگ اعزام میدارد.

مائوتسه توئنگ تصویر میکند که اگر بین امریکا و شوروی جنگی درگیرد، او بایک تیر و نشان خواهد زد. یعنی تصویر میکند از این طریق او از یک طرف بدست امپریالیسم امریکا اتحاد شوروی و جنیش کمونیستی را که مورد نفرت عمیق اوست معدوم کند و از طرف دیگر در نتیجه‌ی جنگ ایالات متحده‌ی امریکا و دیگر کشورهایی راکه از حفاظ اقتصادی و علمی پیشرفت اند از صفحه‌ی روزگار پرچیند و بدینسان بتواند بقیه‌ی عرصه را از یکسو در آن قسمت چین که "هنوز مردمی زیست میکنند" خاقان وار بگذراند و از مسوی دیگر بکوشد بیرون و پرانه‌های جنگ هسته ای "آفای جهان" و "صاحب گیتی" گرد و بدینسان به آرزوی دیرین خود برسد.

۵- در عرصه اقتصادی او از سیستم جهانی سوپرالیستی
میگسلد و به ارد و گاه سرمایه داری می پیوندد

در سال ۱۹۵۰، یعنی پلاکاصله پس از تأسیس جمهوری توده ای چین، بازگانی خارجی کشور هنوز مهر نیمه استعماری داشت. سهم کشورهای سرمایه داری در آن ۷۴٪ از جمله سهم کشورهای امپرالیستی ۵۰٪ بود و حال آنکه سهم کشورهای سوپرالیستی ۲۶٪ از جمله سهم اتحاد شوروی ۲۳٪ بود. ولی در سال ۱۹۵۹، یعنی طرف نه سال، وضعیکلی دگرگون شد. سهم بازگانی کشورهای سرمایه داری به ۳۲٪ تقلیل یافت و از جمله سهم کشورهای امپرالیستی به ۲۳٪ رسید. و حال آنکه سهم کشورهای سوپرالیستی به ۱۸٪ رسید و از جمله سهم اتحاد شوروی به ۱۰٪ افزایش یافت. بدینسان چین طی نه سال وابستگی خود را به جهان سرمایه داری از بین بردا و در عرصه بیانی خارجی متکی به سیستم جهانی سوپرالیستی شد. ولی ازین سال بی بعد مائوتسه تونگ و گروهمن مجدد راه قهرگانی پسندند و بخوبی در سال ۱۹۶۷ وضع از سال ۱۹۵۰ نیز بدتر شد. در سال ۱۹۶۷ سهم کشورهای غیرسوپرالیستی در بازگانی چین تا ۸۰٪ و از جمله سهم کشورهای امپرالیستی تا ۷۵٪ افزایش یافت و سهم کشورهای سوپرالیستی تا ۲۰٪ و از جمله سهم اتحاد شوروی تا ۷٪ تقلیل یافت. کشورهای طرف معاملات بازگانی چین بطور عدد انجمنستان، کانادا، زلاند جدید، استرالیا، زاپن، آلمان غربی و نیز ایالات متحده ای امریکا شدند. بازگانی چین بالمرکا از طرق هونگ کونگ انجام میگردید. بدینسان از سال ۱۹۶۷ ببعد چین از لحاظ مناسبات اقتصادی خارجی به کشورهای امپرالیستی وابسته شد.

مائوتسه تونگ برای ارتکاب یک چنین بزرگواری در آغاز سال ۱۹۶۰ یک تغیری نیز یافت تحت عنوان اینکه باید به نیروی خویش متکی شد و از دریافت کمک از خارج امتناع ورزید. زمان نشان داد که مضمون این تغیری بزیدن از کشورهای سوپرالیستی و پیوستن به ارد و گاه سرمایه داری است. معلوم شد که از نظر مائوتسه تونگ تکیه بر نیروی جهان سرمایه داری تکیه بر نیروی خویش است و امتناع از دریافت کمک خارجی، امتناع از دریافت کمک از کشورهای سوپرالیستی است. تمام مطالبی که گفته شدن نشان میدهد که مائوتسه تونگ در عرصه ای سیاست خارجی و نیز اخلاقی نه فقط از لحاظ سیاسی بلکه همچنین اقتصادی در راه اتحاد با بورژوازی علیه پرولتاریا و زحمتکشان گام بر میگیرد. در عمل در راه سرمایه داری و علیه سوپرالیسم پیش میرود.

■ ■ ■

چنین است پنج فقره بزرگواری که مائوتسه تونگ در عرصه ای سیاست خارجی مرتکب گردیده و با هیچ عواملی و سفسطه قابل انکار نیست. جنبایات مائوتسه تونگ و گروهش در امور بین المللی و نیز در امور اخلاقی فقط بسود گروه بندی امپرالیستی و ارتجاج جهانی به سردمداری ایالات متحده ای امریکا است. از اینجنبه است که تمام اعمال و رفتار مائوتسه تونگ در ارتکاب این بزرگواریهای ۱۵ کانه با شادمانی و شعف امپرالیستها استقبال میشود. کنفرانس کارشناسان امریکا در امور شرق دور علناً اعلام داشت که کاخ سفید امید خود را به مائوتسه تونگ بسته است و برآنست که پیروزی مائوتسه تونگ و باصطلاح "انقلاب فرهنگی" بامصالح امریکا انطباق دارد. دولت امریکا در راه برقراری همکاری با

مأتوسسه توئنگ به موئسسه خود اجازه داده است که نه فقط سخنان قصار مأتوسسه توئنگ راچاپ و آزاد آبفروش رسانند، بلکه آنرا صادر رکرده درکشورهای دیگر بفروشنند و بدینسان به پخش این سخنان قصار کلک کنند. چنانکه معلوم است پلیس مخفی فاشیستی اسپانیا و تاً مینات نتوفاشیستی المان غربی از نشریات حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمو نیست المان و هرگونه نشریات کمو نیستی دیگری و حشت مرگ دارند و از پخش اینگونه نشریات بشدت جلوگیری مینمایند. ولی همین ارگانهای پلیسی فاشیستی و نتوفاشیستی نه فقط از پخش نشریات مأتوسسه توئنگ مانع نمیکنند، بلکه خود آنها به چاپ و تجدید چاپ و پخش آنها لطف میکنند. این واقعیت‌ها بوضوح تمام نشان میدهد که چه کسانی دوستان مأتوسسه توئنگ اند.

اینها همه واقعیت است و مأتوسسه توئنگ و گروهش هرقد ربا شعارهای باصطلاح مبارزه علیه روپوزنیسم معاصر باطرفت اری ازانقلاب جهانی با حمایت از جنبش‌های آزاد پیشخشن ملی برگهای استوار برخود بیا ویزند و در رویانه نقاب برچهره زده اد عاکننده هم علیه سوری و هم علیه امریکا هستیم، نمیتوانند مضمون واقعی آنتی سوتیسم خود را بپوشانند و مبارزه‌ی کاذب خود را علیه امپرالیسم امریکا بخورد مردم دهند. آنها باهیج نقاب و پرده‌ی استواری نمیتوانند چهره‌ی ضد سوری، ضد کمو نیستی و بیزهکاریهای ضد انسانی خود را در امور بین‌المللی ازانظار پنهان دارند.

پایان سخن

نظریاینکه بناباتدار شخص مأتوسسه توئنگ، بربری شخص وی و بفرمان وی این بزهکاریهای عده‌ی دهگانه درون کشور و این بزهکاریهای عده‌ی پنج گانه در امور بین‌المللی انجام گرفته است، لذا مأتوسسه توئنگ نه فقط دشمن حزب کمونیست چین بلکه دشمن جنبش کمو نیستی بین‌المللی شده است. او نه فقط دشمن خلق چین، بلکه دشمن تمام بشریت پیشو و صلح خواه شده است. مأتوسسه توئنگ هرقد ربراوی ایجاد عظمت معنوی برای خویش بکوشد، بهر دری برای تحسین تسکین و فریب خویش بزند واقعیت‌های تاریخی گویای آنندگه سرنوشت او شکست محروم است.

وان مین در پایان مقاله‌ی خود مینویسد چرا مأتوسسه توئنگ تا این حد سقوط کرد. این واقعه اتفاقی نیست. این نتیجه‌ی ناکریز طبیعی "اندیشه‌ها" و سیاست اوست که طی دهها سال نهال آنرا پرورش داد. و این نهال دارای ریشه‌های ایدئولوژیک، تئوریک، تاریخی و اجتماعی است. ولی این مسائل رامیایستی جد اکانه توضیح داد.

ترجمه از: عطارد

پنج مسئله عمدۀ مبارزه ایدئولوژیک

حوالاتی که در عرصه‌ی بین‌المللی میگذرد حاکی از آنست که مبارزات ایدئولوژیک بسی حدّت یافته است . امپریالیسم و چاکران ایدئولوژیک آن ، که آنتی‌کمونیسم را تاحدیک سیاست دلتی ارتقا داده اند و آنرا بنزله‌ی سلاح عمل ایدئولوژیک و سیاسی انتخاب کردند ، حملات خود را علیه جهان سوسیالیسم ، علیه جنبش کارگری بین‌المللی و جنبش آزاد پیغام ملی شدت پخشیده اند و هجوم علیه خود را علیه نیروی انقلابی قاطع زمان معاصر - علیه سیستم جهانی سوسیالیستی متوجه کرده اند . همچنانکه در "تزمینی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی" بمناسبت صدمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین "ذکر شده است ، دشمن طبقاتی مقیاس شدیدتری از دسائی ایدئولوژیک برای تحت انتیاد را وارد توده‌ها استفاده میکند و در راه تجهیز ایدئولوژیک "جامع" همه‌ی نیروهای ارجاعی در زیر پرچم آنتی‌کمونیسم و آنتی سوویتیسم گام برمیدارد . در عرصه‌ی ایدئولوژی آنتی‌کمونیسم درد و جهت عده بروز میکند : یکی از آنها بوسیله‌ی نمایندگان افراطی راست و مرتجمین آشکار در سیاست و ایدئولوژی که شیوه‌های مبارزه‌ی "کوکلتوس" کلان "رابکار میرزند . جهت دیگر آنتی‌کمونیسم خود را از لحاظ اسلوب "مدرن" نشان میدهد . نمایندگان این جهت خود شان را بعنایه پژوهندگان "بیطرف" معرفی میکنند ، و خود را پشت عنوان عینیت دروغن و امثال آن مخفی میکنند .

۱- پرولتاپیا "طبقه‌ی بینابین"

یکی از مانورهای شاخن بورژوازی در زمان ماعتار از آنست که بورژوازی خود را عوامل فریبانه بهثابه نمایندگی منافع تمام بشیرت و پاسراپای یک ملت واحد معرفی میکند ، ولی مارکسیست‌ها را بعنایه "گروه معد و دفتری" و دارندگان پیش‌آمد اوریهای مغرضانه جلوه گرمی‌سازد . از این موضع بورژوازی علیه اصول کمونیسم ، علیه تزهای عده و اساسی آموش مارکسیستی - لنینیستی ، علیه رسالت تاریخی - جهتی طبقه‌ی کارگر بعنایه گوکن بورژوازی و بنیاد گزار سوسیالیسم و کمونیسم حله میکند . بورژوازی برای اینکمايد ایدئولوژی خود را بر "تمام بشیرت" بسط و "ماورا" طبقات "جلوه دهد ، تزهای عرضه میدارد که طبق آن انقلاب علی - فنی که در عرصه‌ماگسترشنی پایان بیک "پرولتاپیا زاد ائی" بیک تغییر شکل طبقه‌ی کارگر ، بصورت "طبقه‌ی بینابین" منجر میشود . مد افعین بورژوازی عقیده دارند اگر پرولتاپیکاره "اصحنه خارج شود" ، خود را "لغوکند" ، آنوقت ایدئولوژی خود را یعنی مارکسیسم - لنینیستی واهمیت آنرا ازدست میدهد ، و جنبش کارگری انقلابی هم‌زمان این جریان رفته رفته به "خاموش شدن" محاکوم است . ولی واقعیت چنین نیست . در ارتباط با ترقی علمی - فنی و تکامل صنعت در طبقه‌ی کارگر کشورهای سرمایه داری تغییرات

معین ساختی (استریکتول) ، بورژوا اساس از یک دگرگونی پرولتاریا بیک نوع "طبقه ای متوسط" صحبت میکند ، بر اساس همین تغییرات است .

در حقیقت این طبقه ای کارگر نیست که بیک "طبقه ای بینابین" تغییر میابد ، بلکه این قشرهای اجتماعی کشورهای امریکالیستی هستند که بطور مد اوم پرولتاریزه میشوند . اگر در اواسط قرن گذشته ۱۰ میلیون کارگر صنعتی وجود داشت و در آغاز قرن بیست ارتش پرولتاریا یک نیروی قوی ۸۵ میلیونی بود ، امروز مجموعه ای تعداد طبقه ای کارگر بین المللی ۵۴ میلیون است . اعداد زیر سهم کارگران مزد کمتر جامعه های منتفع از این شان میدهد : در سالهای ۱۹۶۷-۱۹۶۸ در ایالات متحده ای امریکا ۳٪ از ۱۹٪ در فرانسه ۶٪ ، در ژاپن ۷٪ ، در فرانسه ۶٪ ، این سهم در سال ۱۹۶۰ از این میزان کمتر بود ، چنان در ایالات متحده ای امریکا ۳٪ از ۱۹٪ ، در فرانسه ۶٪ و در ژاپن ۵٪ بود .

۲- مبارزه طبقاتی یا "جامعه ای همکاری اجتماعی"

لین گفته است : « اولین نیروی مولد در تمام بشریت ، کارگران و زحمتکشانند » (۱) مخالفین کمونیسم علمی قدرت ندارند با این نتیجه گیری که جریان عمومی تکامل اجتماعی آنرا به شیوه رساند ، است ، از دروغ خلافت در آیند . در عصر ما طبقه ای کارگر با فعالیت خود بیش از سه چهارم تولید اجتماعی جهان را پدید میآورد .

قدرت خلاقه ای طبقه ای کارگر بورژوا در سوسیالیسم بعنده ظهر میرسد . در اتحاد جماهیر شوروی در عرض ۴۰ سال (۱۹۲۱-۱۹۶۰) عده ای کسانی که در صنعت کار میکنند ۹ برابر شد ماست . در ایجاد بنیاد مادی - فنی کمونیسم و تقویت بازهم بیشتر نیروی دفاعی و اقتصادی اتحاد شوروی نیروی خلاقه و نبوغ طبقه ای کارگر مجسم میشود . و همچنین در سایر کشورهای سوسیالیستی ، طبقه ای کارگر نیروی رهبری کننده در ساختمان اجتماع نوین است .

مدافعین بورژوازی باتمام وسائل کوشش میکنند ، تضاد های اجتماعی سرمایه داری را پرداز پوکنند ، و میخواهند زحمتکشان رامقاود سازند که در این اجتماع اصولا پایه و شرایطی برای مبارزه میان طبقات وجود ندارد .

چرا اینطور ناگهان مبارزه طبقاتی "ناید میشود" ؟ از آنجهت که سرمایه داری کهنه و "ستنی" دیگر وجود ندارد ! اینطور اد عالم شود که حالا یک "سرمایه داری خلقی" وجود دارد ، یک سرمایه داری "انسانی" و "دموکراتیک" ، و در اجتماع بورژوازی طبقات از بین رفته اند و قشرهای اجتماعی نوپنی تشکیل یافته اند ، که دیگر در فرد شفیع یا یکدیگر نیستند . رهبران جناح راست سوسیال - دموکراسی ، که این نظریه را عرضه داشته اند ، از یک "فضای جدید رابطه با کار" ، از یک "درحم آمیختگی کار و سرمایه" ، از یک "همکاری اجتماعی" میان پرولتارها و سرمایه داران دم میزند . اپورتونيست های "چچ" هم در واقع همان کارسوسیال - دموکراتی را است رامیکنند . آنها اد عالمکننده در کشورهای سرمایه داری ، پرولتاریا "بورژوا" شده است و ماهیت انقلابی خود را لذت داده است ! اما ازندگی این تزهای رفورمیستی - بورژوازی و نظریات تئوریسین های انارشیست و خرد بورژوارکه از "خاموش شدن" "ماهیت انقلابی" زحمتکشان کشورهای رشد یافته ای سرمایه داری دم میزند ، رد میکنند . در کشورهای سرمایه داری رشد یافته ، دامنه ای مبارزات طبقاتی روز بروز شدیدتر میشود . تنها از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸ در مبارزات انتسابی ۳۰۰ میلیون کارگر شرکت کردند (در قیاس

۱۴ میلیون در ۱۴ سال گذشته) در این انتسابات پیوسته خواستهای اقتصادی کارگران باخواست های سیاسی، بامبارزه علیه حکمرانی انحصارها، طیه مجموعه‌ی سیستم سرمایه‌داری انحصاری- دولتی توأم میگردد.

برخی مخالفین کوئنیسم علی که مبارزه طبقاتی را در مجموعه‌ی میکنند، مجبور شده اند اقرارکنند که در اجتماع بورژوازی یک شکل مبارزه‌ی طبقاتی وجود دارد - و آن مبارزه‌ی اقتصادی است. تازه این اعتراف با تنوع قید و شرایط همراه است برای آنکه از مبارزه‌ی اقتصادی، محتوى طبقاتی آنرا حذف کنند و از این راه پولتاریارا از مبارزه‌ی سیاسی برای بدست آوردن هدف غائی خود منصرف سازند.

چنانکه میدانیم پولتاریارا مبارزه‌ی طبقاتی را پسنه شکل انجام میدهد؛ سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک. مبارزه‌ی اقتصادی در سیستم سرمایه‌داری مبارزه ایست یعنی تحقیل شرایط بهتر برای زحمتشان بهنگام فروش نیروی کارخود به کارفرمایان. اما این مبارزه کارگران را از چارچوب نظام سرمایه‌داری خارج نمیکند. شکل عالی مبارزه‌ی طبقاتی، مبارزه‌ی سیاسی است، زیرا همانطور که لذن اموجه است، مناقع اقتصادی پولتاریارا فقط موقعی پراورده میشود که با انقلاب سوسیالیستی توأم گردد تا بدینوسیله دیکتاتوری بورژوازی به دیکتاتوری پولتاریا تبدیل گردد.

انقلاب بکیر سوسیالیستی اکبر و انقلاب سوسیالیستی در برخی کشورها پنحو مقنعتی نشان داده است که امتحان استثمار طبقاتی و ستم ملی که گزاریه سوسیالیسم رام肯 میسازد، موقعی انجام خواهد شد که نظم کهن ازین برود و حکومت طبقه‌ی کارگر برقرار شود. پولتاریارا در حالیکه خود را ازاد میسازد همزمان همه‌ی زحمتشان رانیز ازاد میسازد و یعنوان رهبر واقعی نیروهای انقلابی وارد میدان میشود. درست اصلی کفرانس بین الطلي احزاب کوئنیستی و کارگری نوشته شده است: طبقه‌ی کارگر نیز یک عدد های مبارزه‌ی انقلابی، و جنبش دموکراتیک ضد امپرالیسم است.

۳- دموکراسی سوسیالیستی یا "سوسیالیسم د مکراتیک"؟

حکم لثینی معروف است که سوسیالیسم بدون دموکراسی اندان پذیر نیست. سوسیالیسم بجای دموکراسی ظاهری و دروغین و مسخره‌ی بورژوازی برای زحمتشان دموکراسی واقعی و حاکمیت اعیان خلقی بوجود می‌آورد. تجربیات تاریخی اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نشان داده است که برای بوجود آوردن دموکراسی برای زحمتشان شرایط زیر ضروریست:

۱) بدست گرفتن نیروی سیاسی بوسیله‌ی طبقه‌ی کارگر و متعددین انقلابی آن؛
۲) برقراری دیکتاتوری پولتاریا؛

۳) مصادره‌ی دارایی سرمایه‌داران و تحقق مالکیت اجتماعی سوسیالیستی بروسائل تولیدی؛
۴) ایجاد تحول عمیق در زندگی اقتصادی و اجتماعی و معنوی اجتماع؛

۵) رهبری جامعه بوسیله‌ی حزب کوئنیست.

دموکراسی سوسیالیستی حقوق سیاسی و اجتماعی زحمتشان را تضمین میکند. برای اولین بار کارگران و هقنان از استثمار و ستم ازاد میشوند، از وحشت بیکاری هراس ندارند، رسیدن به قله‌ی علم و هنر برای آنها ممکن میشود، و آنها ساجدان واقعی زندگی و کشور خود خواهند شد. دموکراسی پولتسری که داعماً بسط و تداوم می‌یابد، با پیروزی کامل و درخشان سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی مشخصات یک دموکراسی خلقی را بخود میگیرد. بدینظری پهبهینی لذن علا ثابت شدکه:

"سوسیالیسم پیروزمند بدون تحقق بی خدشه دموکراسی نمیتواند پیروزی خود را

تحکیم بخشد ۰۰۰ (۱)

امروز در تبلیغات بورژواشی در جنب انواع مغلطه های ممکن علیه دموکراسی موسیالیستی کوششها
به چشم می خورد برای آنکه اینجانان دموکراسی را تبلیغ کنند که به سوسیالیسم باصطلاح "دموکراتیک"
برنستاین و سایر اپرتوتئیست های قرن گذشته پرمیگرد دد.

۴- مبارزه ای ایدئولوژیها یا "ایدئولوژی زدائی"

مخالفین کمو نیسم علمی به شیوه رزق های مختلفی دست میرتند تاحقانیت دموکراسی خود را تبلیغ
کنند. با وجود این مبدأ حركت آن همیشه یکی است و نقطه ای اوج آن اینست که دموکراسی و سوسیالیسم
راد و مقابل هم قرار دهد و از يك دموکراسی "ماورا" طبقات" یا "حالص" دمیرتند درحشاد شد
سال ۱۹۶۸ در چکوسلواکی مترجمین بین المللی و نیروهای ضد سوسیالیستی داخلی این شعارها را
به خدمت خود گرفتند تانقشه های ضد انقلاب بی خوشرا جراحت کنند.

مدافعان "سوسیالیسم دموکراتیک" که با جملات پرمعطر ارق بازی میکنند، مالکیت اجتماعی
موسیالیستی و همچنین مانترالیسم دموکراتیک و دیکتاتوری پرولتاریا را بیان ناسازمیگرند و پیشنهاد
میکنند که سوسیالیسم آنارکو - سندیکالیستی و سیستم چند حزبی بورژواشی کمی بزرگ شده بعنوان
سرمشق گرفته شود تا بدینظریق نقش رهبری کنند ی حزب کمونیست را بخاک بسپرند.

آنهمیخواهند درک کنند: دستاورد های ملل اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بورژواشی
دموکراسی سوسیالیستی، دستاورد هایی هستند که در يك مبارزه ای مستمر دراز مدت بدست امده اند.
اما مل کشورهای سوسیالیستی با استقامت کامل و بد و ن تزلزل از دستاورد های خود دفاع میکنند.
یك تزلزل سیاسیک، که از طرف لینین در بروشور "چه باید کرد؟" آورده شده است، چنین است:

"مسئله تنها میتواند اینطور مطرح شود: ایدئولوژی بورژواشی یا ایدئولوژی سوسیالیستی.
حد وسطی در اینجا وجود ندارد، زیرا بشریت یك ایدئولوژی "سومی" را بوجود نیاورد، است،
همانطورکه در اجتماعی که تضاد های طبقاتی آنرا از هم میدارد، هرگز یك ایدئولوژی
خارج از طبقات و یا ماقوف طبقات نمیتواند بوجود بیاید. بدینسان هرگونه پایین آوردن
نقش ایدئولوژی سوسیالیستی، هرگونه انحراف ازان بخود خود یعنی تقویت ایدئولوژی
بورژواشی است" (۲).

رهبر و معلم طبقه ای کارگرجهانی مسئله را اینطور مطرح میکند و تمام مارکسیست - لینینیست ها
بد و ن تزلزل همین موضع را تاختاذ کردند. اند.
در تبلیغات بورژواشی غالبا تر آشتبی "ایدئولوژی هانیز مطرح میشود. مبلغین این تر آراز منع
همزیستی مسالت امیز کشورهای از طرف اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در زمینه ای سیاست
خارجی تحقق میباید، استخراج میکنند. سیاست همزیستی مسالت امیز بهیچوجه یعنای تضعیف یا
تعطیل مبارزه ای ایدئولوژیک نیست.

تئوری بورژواشی "ایدئولوژی زدائی" این هدف را تعییب میکنده جهت گیری پرولتاری میا رزه
جویانه ی کمونیستها و خصلت تحرضی ایدئولوژی مارکسیستی - لینینیستی را تضعیف کنند.
اما انتی کمونیستها بی جهت بخود امید مید هند. اند یشه های مارکسیسم - لینینیسم باشد. ت هرچه
تمام در رجهان بسط می یابد و تا شیر روز افزونی بر مجموعه ای تکامل جامعه اعمال میکند.

۵ - چه کسی از آن نفع میبرد ؟

از آنجه که شد چنین برمیاید که مخالفین ایدئولوژیک همیشه بی پرده به مبارزه وارد نمیشوند، لکه نقاب بر چهره میزندند، تغییر قیاده مید هند و بثایله "المان بیطوف" وارد عرصه میشوند. باینجهست برای هر مبارز راه کمونیسم اهمیت دارد که ما هیئت واقعی تشوریهای مختلف مد افعین سرمایه داری را بد رستی ارزیابی کنند.

لئن ملاکهای دقیق و صائب یک برخورد طبقاتی به پدیده های مبارزه ای طبقاتی و ایدئولوژیک را بیان میکند. وی مینویسد:

"اگر نیتوان بی برد جه گروهها، نیروها یا واحدهای اجتماعی و سیاسی نمایندگان پیشنهادها و اقدامات معینی هستند، باید اثما این سؤوال رامطرح کرد: « برای کسی مفید است » ؟ در میاست این مهم نیست که چه کسی نمایندگی پلا واسطه ای جهه بینی معینی است . مهم اینست که از این جهان بینی ها، این پیشنهادها، این اقدامات چه کسانی سود میبرند" (۱)

ماد رهبری ایدئولوژیک از اصل "جانبداری" پیروی میکنیم، و این اصل میطلبید که تمام حوادث و مظاهر زندگی اجتماعی را از نقطه ای نظر طبقه ای کارگرانقلابی ارزیابی کنیم و درسته ای که به جهان بینی ما مربوط است هیچگونه مصالحه و عقب نشینی را تحمل نکنیم. این اصل مارا موظف میکند ایدئولوژی امپریالیستی را بر ملاکنیم و برتری عظیم سوسیالیسم را توضیح دهیم.

در روزهای کمیته ای مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت صد مین سالگرد تولد ولاد یغمیراییچ چنین گفته شده است :

"مهترین طرز برخورد لئنی ب پرسوه ها و پدیده های اجتماعی، وحدت ارگانیک چنین است علمی با ارزیابی اصولی این پدیده ها و پرسوه ها از نقطه ای نظر طبقه ای کارگراست." کمونیستها که در صفو مقدم چنیش آزاد بیخش انقلابی و چنیش دموکراتیک گام بر مید ارزند مخالفان اشتبه ناپذیر ایدئولوژی پورژواشی هستند.

از مقاله ای آه میکولاتیف منتشره در روزنامه ای
"کراسنایا زوزدا" چاپ مسکو

ناسیونالیسم و انتر ناسیونالیسم

(از نظر کلاسیکهای مارکسیسم - لنینیسم)

یکی از اسلوبهایی که امروزه امپریالیسم طیه کشورهای سوسیالیستی و جنبش کمونیستی و کارگری جهان پکار میبرد عبارت از توسل به "ناسیونالیسم" و "خود پسندی ملی" است. امپریالیسم برای این ایدئولوژیهای ناسیونالیستی بمنظور تخریب درونی جنبش کمونیستی اهمیت زیادی قائل است در کنفرانس بین المللی مجمع هورو رکالیفرنی منعقد در سال ۱۹۶۵ گفته شد:

"ناسیونالیسم در وران مانیروی عاطفی و شوری سیار نیرومندی است که باحتمال قوى برکمو نیمس غلبه خواهد کرد."

در واقع شورهای ناسیونالیستی درین قشرهای غیربرولتاری جامعه جان سختی پیزگی نشان میدهد و در برخی از کشورهای سوسیالیستی این قشرها هنوز سهم مهمی از جامعه را تشکیل میدهند. مروج معروف معاصر انگلیسی توینبی (A. Toynbee) مدعا است که ناسیونالیسم به "مذهب همه خلقهای جهان" مبدل شده است ولذا باید ازان استفاده شود (۱). پژوه نیمنکی یکی از ایازی چولگاهی ضد کمونیست امریکامیتوسید ایده غولیزی کمونیستی و انترناسیونالیسم پرتری گویاقد ریاست به میاز جوشی ناسیونالیسم پاسخ دهد. پرسور امریکائی دیوئوری استاد منابعات بین المللی برآنست که ناسیونالیسم "در شکل اروپای شرقی آن" میتواند به "اصل بنیادی" در تکامل کمو نیمس جهانی بدل گردد (۲). در گزارش کمیسیون خارجی سنای امریکا تحت عنوان "شوری و اروپای شرقی" نوشته شده است که ناسیونالیسم "که امپراطوری اتریش - هنگری را تکه کرد" بایدیه حریسه اساسی خرابکاری در داخل ارد وگاه سوسیالیستی بدل شود (۳). گ. کلارک رئیس دانشگاه کلمبیا مینیویسید:

"رهبران غرب اگر عاقل و از پهشد اوری بری باشند میتوانند بدرج روح ناسیونالیسم را که با انترناسیونالیسم کمونیستی در کلیه کشورهای شرقی اروپا همیستی نامیتواری دارد تقویت کنند. اگر این کار را بد ان شکل و بدان آهنجک سرهنگی انجام دهیم که مسکو را بشک نیاند ازد (زیار رأتصورت ضربت مرگوارد خواهد ساخت)، در آنصورت نتیجه امر میتواند برای غرب خوب و مثبت باشد." (۴).

مولفان فرانسوی ل. آرمان و م. درانکور مینویسند که ناسیونالیسم اکنون در همه جا سیاستهای ملکیاولیستی و خدمه گرانه ای ایجاد کرد و است. کشورهایی که باند ازه کافی نیرومند نیستند، میتو شند

(۱) کنفرانس بین المللی مجمع هورو (Hoover) در کالیفرنی - "مارکسیسم در جهان" -

کالیفرنیا سال ۱۹۶۵ صفحه ۱۱ Standford

Ch. Yost. "The Insecurity of Nation" N. Y. 1968. p. 31 (۲)

K. London. "Eastern Europe in Transition" Baltimore (۳)

1966, p. 17 (۴)

"United States Foreign Policy. UdSSR and Eastern Europe" Washington, 1960, p. 77 (۵)

"Foreign Affairs", Oktob. 1964, p. 12 (۶)

"حقه بزندن" (۱) . این نمونه هارا برای آن آوردیم که تکیه ویژه امپریالیسم به استفاده از اهرم ناسیونالیسم علیه انتربنیونالیسم در شرایط کنونی روش شود. ازانجکه این مسئله از اهم مسائل حصرماست سود مند میدانم خواننده "دنیا" را بایزخی از تظریات کلاسیکهای مارکسیستی در این باره آشنا سازیم. در اینده "دنیا" خواهد کوشید بمسئله ناسیونالیسم و نقش متناقض مثبت و منفی آن در حصرما ضمن بررسی یا بررسیهای توجه کند. "دنیا"

ک. مارکس : اتحاد انتربنیونالیستی شرط پیروزی است

"تجربه گذشته نشان داده است که روش بی اعتمانی نسبت به اتحاد برادرانه ای که باید بین کارگران کشورهای مختلف وجود داشته باشد و آنها را پر انگیزد که در مبارزه بخاطر رهایی محکم در کنارهم باشند، باشکست مسترک تلاشهای متفرق آنها مجازات میشود".
مارکس و انگلیس - کلیات - ج ۱۶ - صفحه ۱۰۰

ک. مارکس، فرد رشن انگلیس : منشاء دشمنی خلقه انتظام سرمایه داری است

"پیروزی پرلتاریا بر بورژوازی در عین حال غلبه بر کلیه اختلافات ملی و اقتصادی است که در شرایط کنونی بین خلق ها دشمنی ایجاد میکند".
همانجا - ج ۴ - ص ۳۷۱

لنین : انتربنیونالیسم چیست؟

"انتربنیونالیسم در عمل یکی و تنها یکی است: کار قدر ادارانه برای گسترش جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی د رکشور خود، پشتیبانی (تبليغ، همدردی، کمک مادی) به همین مبارزه، به همین خط مشی و تنها و تنها بدان در رهمه کشورها بدون استنای".
لنین - کلیات - ج ۳۱ - ص ۱۷۰

لنین : انتربنیونالیست کیست؟

انتربنیونالیست بودن یعنی "حد اکثر آنچه را که میتوان علی ساخت در یک کشور برای گسترش حمایت، برانگیختن انقلاب در رهمه کشورها علی ساختن".
همانجا - ج ۳۷، ص ۳۰۴

لنین : جان سختن ناسیونالیسم د رکشورهای عقب مانده

"هراندازه کشوری عقب مانده تریا شد، تولید خود را مالکی، شیوه پدرشاهی و محیط ده کورگی (захолустность) دران شدید تراست و این کیفیات ناکنتریه نیرومندی و استواری خاص عیقتن خرافات خرد و بورژوازی یعنی خرافه خود پرستی ملی و محدودیت ملی من انجامد. ازانجکه این خرافات تنها پس از محو امپریالیسم و سرمایه داری د رکشورهای پیشرفتنه و پس از تغییر اساسی کلیه مبادی اقتصادی کشورهای عقب مانده، میتواند محو گردد، لذا زوال این خرافات نمیتواند فوق العاده بطيئی نباشد. ازانجایین نتیجه حاصل میشود که پرلتاریای آگاه کمو نسبتی همه کشورهای موقوف است با احتیاط خاص و با توجه خاص نسبت به بقاوی احساسات

ملی در آن کشورها و اقوامی که مدتی طولانی ستم دیده اند، رفتارکند و نیز موظف است برای اتفاق می‌یافته عدم اعتماد فوق در کشورهای نامبرده، دست به گذشتگانی بزند. بدون میل داوطلبانه به اتحاد وحدت از جانب پرلتاریا و سپس همه زحمتکشان کلیه کشورها و ملتگانی همه جهان، امر پیروزی بر سرمایه داری نمیتواند با توفیق سرانجام یابد.

همانجا - ج ۴۱ - ص ۱۶۸ (مقاله: طرح اولیه تزها در باره مسائل ملی و مستعمراتی)

لنین - درباره سوسیال ناسیونالیسم

"سوسیال ناسیونالیسم از اپورتونیسم برهی خیزد و درست همین اپورتونیسم است که بآن نیز روی پخشیده."

همانجا - ج ۲۱ - ص ۱۵۳

لنین : دو جهان از جهت نفاق یا وحدت ملتگان

"کارگران در قبال جهان کهنه، یعنی جهان ستم ملی و نفاق ملی جهان نوین وحدت زحمتکشان همه ملت هارا که در آن جائی برای امتیاز یا کمترین ستم انسان بر انسان نبست، قرار میدهند."

همانجا ج ۲۳ ص ۱۵۰

لنین : انطباق اصول واحد برشراحت متنوع

"وحدت تاکتیک بین المللی جنبش کارگری کمونیستی کلیه کشورها از میان بردن تنوع و احتمال تعایز های ملی رانی طلبید (این امر در لحظه کنونی خیال باطنی است) بلکه خواستار آنچنان کاربرد اصول بنیادی کمونیسم (حاکمیت شوروی و دیکتاتوری پرلتاریاست) که این اصول را بد رستی تغییر شکل بد هد (видоизменяло) واژانجه آنها را باتمایز های ملی و ملی - کشوری بد رستی دمساز کند و انطباق دهد."

همانجا ج ۴۱ ص ۷۷

تذکر : سیاست از آثار کلاسیکهای مارکسیستی بروسی و آخرین چاپ ها گرفته شده است.

بحران اجتماعی - اقتصادی دولت صفوی

در اواخر قرن هفدهم میلادی

سقوط دولت پراقدار صفوی که اقوام و سرزمینهای وسیعی را در تبعیت داشت در قبال هجوم افغانان یکباره بگر منظره‌ی سقوط دولت هخامنشی را در ریابر حمله‌ی اسکندر و هجوم دولت ساسانی را در ریابر "حمله‌ی عرب" و سقوط دولت خوارزمشاھی را در ریابر حمله‌ی مغول تجدید میکند. در همه‌ی موارد مشاهد آنهم که اقوامی بمراتب گفتمتر دولتی را که توانسته است بصورت یک امپراتوری نیرومند را بد ساقط می‌سازد، را زین ادب ایران تاریخی را باید در این حاطط از درونی و بحران همه جانبه‌ی اقتصادی و سیاسی جامعه‌های آن دوران جستجو کرد. در بررسی کوتاه ولی پر مطلب زیرین یکی از این صفحات مورد مطالعه قرار گرفته است. برای تنظیم تاریخ ایران براساس استنباط ماتریالیستی تاریخ انجام چنین بررسیهای مشخص از اوظایف مهم مارکیستهای ایرانی است. شایان ذکر است که موظف د ر طی مقاله‌ی همه‌جا اصطلاح "امپراتوری" صفوی را بکار برد است. این اصطلاح را پژوهندۀ‌ی معاصر ایران باستانی پاریزی نیز بکار می‌برد. ما خوانندگان دنیارا متوجه می‌سازیم که کلمه‌ی "امپراتوری" که ترجمه‌ی "Empire" اروپائی است، با آنکه در ریشه‌ی واژه‌ی امپرالیسم قرار ندارد، ولی بد ان مربوط نیست. امپراتوری بیویزه در وران مورد بحث به کشورهای سلطنتی‌ای اطلاق می‌شده که شاه در آن عز و امن "امپراتور" یا "شاهنشاه" داشت و اقوام و سرزمینهای وسیع و گوناگون در تبعیت وی بوده‌اند. شاهنشاهی هخامنشی و ساسانی و صفوی را از این پایتی میتوان "امپراتوری" نامید.

دُنِیا

بررسی دوران امپراتوری صفوی در تاریخ نگاری جهانی مقام ارجمندی دارد. در این میدان داشمندان شوروی با پیش‌کسوی پروفسور ایلیا پاولوچ چتروفسکی استاد دانشکاه دولتی لنینگراد گویی سبقت را درست دارند. با وجود این باید اعتراف کنیم که اهمیت و مقام دران صفوی در تاریخ ایران و تمام منطقه‌ی خاور نزدیک تاکنون در حد و سرای خود جلب توجه داشمندان ایران را نکرده است. اخیراً در پژوهش این دوره از زندگانی مردم ایران و ملل دیگر فرمابند از صفوی گامهای بزرگ داشته می‌شود که هر کدام به تناسب قدرت موغل در نفوذ به رفای مطلب و احاطه‌ی مسائل و دقت در

سیزدهمین نیروهای اجتماعی و اقتصادی گوشه ای از تاریخ این دوران جالب را روشن می‌سازد. کتب و مقالاتی که پنجم پژوهندگان معاصر ایرانی مانند ناصرالله فلسفی، باستانی پاریزی، علی شعبانی و دیگران در ایران انتشاری یابد از این لحاظ شایسته‌ی توجه است.

ماطی بحث خود از بحرانی که در اوایل قرن ۱۷ دامنگیر امپراطوری صفوی گردید و سرانجام در سال ۱۸ بایان ریچ پنجم قرن ۱۸ بزوای آن منتسی شد مجللاً سخن می‌گوئیم.

ابتدا باید مذکور شویم که در مرور فراوریدن و اغذیه بحران اقتصادی در امپراطوری صفوی حفاید گوناگون وجود دارد. برخی پژوانندگه سراسر نیمه‌ی دوم قرن در ایران بحران و احتباط اقتصادی است (۱). و برخی دیگر ریچ آخر قرن را مشمول این بحران می‌شمارند (۲). در واقع بررسی دقیقت مسئله باین فکرمندانه بگرد که آغاز بحران اقتصادی دولت صفوی را باید بسالهای دیگری منسوب ساخت، یعنی اوخر دهه‌ی هفتم قرن ۱۷ را میدانیم این بحران بحسب اورده.

پایه‌ی این تعیین تاریخ برآشارت مستقیم سیاحت اروپایی مانند "تاورنیه" و "شاردن" استوار است که از تنزل محسوس تولید و بازرگانی و همچنین فروکش سطح کلی اقتصادیات در کشور سخن می‌گویند "تاورنیه" در پایان آخرین سفر خود به خاورزمین (۱۶۱۸) مطالب خود را در مرور امپراطوری صفوی تراز بندی کرد و در ضمن از بازرگانی بدینگونه سخن می‌گوید:

"سابق براین هرسال مقدارگزافی پارچه‌ی زری و مخلل و تاقته‌ی ایرانی به اروپا حمل می‌شد و مخصوصاً قسمت عده‌ی مخلل ایران را به مسکو و لهستان می‌برد. اما امروزه همه‌ی انواع اثرا در اروپا بهمان خوبی و خیلی ارزانتر بعمل می‌آورند" (۳).

در این مورد "تاورنیه" در جای دیگر روشنتر سخن می‌گوید: او مینویسد:

"قالی و زری و پارچه‌های ابریشمی ایران هم که سباق‌امایه‌ی حریت مایمیش نسبت به ترقیات صنایع متنزیل کرد، است. منسوجات خود را که بایران می‌بریم شاه و بزرگان با سرعت به خریدن آن قیام می‌کنند و بر پارچه‌های خود ترجیح میدهند" (۴).

راجح به موضوع مورد بحث بیانات شاردن گویاتراست. او چنین می‌گوید:

"برای نخستین بار من در سال ۱۶۱۵ در در وری شاه عباس ثانی وارد ایران شدم و برای آخرین بار بسال ۱۶۷۷ در عهد شاه سلیمان فرزندی از این کشور خارج شدم. فقط در فاصله‌ی کوتاه دوازده ساله از این‌زمان تا این دوران شروت مملکت چنان مینموده که یک نیمه تقلیل یافته است. حتی مسکوکات نیز خراب شده بود. دیگریول خوب مشاهده نمی‌شود" (۵).

(۱) تاریخ اذری‌ایجان، باکو، ۱۹۰۸، جلد پنجم، صفحه ۲۷۳، ۲۷۵ (بزبان روسی).

(۲) ای. پ. پتروفسکی. تاریخ زوال فتوح‌الی در آذربایجان و ارمنستان در قرون ۱۶-۱۷-اوایل ۱۹۴۹، لئینیکراد، ص ۸۲ (بزبان روسی).

شاه افشار، مسکو، ۱۹۰۸، ص ۴۹ (بزبان روسی).

شهرهای اذری‌ایجان در قرن ۱۷، باکو، ۱۹۶۷، ص ۱۱۳ (بزبان روسی).

(۳) تاریخی - سفرنامه، ترجمه‌ی ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح دکتر حمید شیرانی، چاپ ۱۳۳۶، اصفهان، صفحه ۱۰۱.

(۴) همان اثر، صفحه ۷۰۲.

(۵) شاردن - سیاحت نامه، ترجمه‌ی محمد عباسی، جلد چهارم، تهران ۱۳۳۶، صفحه ۳۹.

پژوهندگی معاصر باستانی پاریزی خاطرنشان میمایزد که :

"نخستین مشکل اقتصادی شاه سلیمان در سال دوم سلطنت او ظاهر شد (۱۱۱۸)" (۱)

هم اوینقل از شاردن مینویسد :

سال بعد وضع بدترشد ۰۰۰ رشاد و ارتضاء از حد گذشت. میرزا ابراهیم وزیر آزاد ریاست جنرال در دست ششماه اقامت خود در اصفهان نزدیک به شument هزار تومان به شاه و وزیر اعظم و سایر مصادر امر رشوه داده بود (۲).

این واقعیات در مجموع خود حاکی از اینست که انحطاط اقتصادی امپراطوری صفوی در آغاز سویین سال قرن یعنی در اوایل سالهای شععت سده ای هفت هم فرار سیده و دوام مدتی داشته و از چارچوب زمانی این سده بسی تجاوز کرد است. در این دوره عاقب انحطاط اقتصادی در کلیه ای شئون اساسی زندگانی اجتماعی رخنه کرده است. مظاہر عددی این پیحران عیق را میتوان در مواد ذیل خلاصه کرد :

۱- خشکسالی ها و تحطی های مکرر در ده که باندازه ای زیادی معلوم از کارافتادگی سیستمهای آبیاری و حوادث طبیعی و مهمنتزاهمه نتیجه ای بین میلی تولید کننده ای مستقیم (یعنی ده قان) به افزایش و حتی حفظ بهره دهی کارخود بوده، زیرا مجبور بوده است نه تنهایا محصول اضافی بلکه قسمتی از محصول ضروری خویش را تحولی مالک زمین نماید. خاطرات اذکر آکولیسی "وسایرین حاکی از وضعیت حران کشاورزی و خشکسالی های مکرر در آزاد ریاست جنرال و نواحی دیگر امپراطوری صفوی است" (۳).

۲- صنایع شهری نیز بتویت خود از انحطاط اقتصادی لطمہ فراوان دید. کیفیت محصول تنزل کرد و حجم تولید (مانوفاکتور)، پارچه های مختلف و بیوژه پارچه های ابریشمی (تلیل) فاحش یافت (۴). نامرغوبی جنس ابریشم خام در سالهای ۸۰ قرن عد مرضایت شدید کمپانی تجاری هلندر اکه طبق قرارداد داد و جابه ای رسمی هرسال از عمال بازگانی شاه سیهد بیار ابریشم خام خرید اری میکرد برانگیخت (۵). مانسون خاطرنشان میمایزد که ابریشم خامی که به هلندرها عرضه میشد باندازه ای نامرغوب بود که فقط بدروتیمه ای "طناب" مورد استفاده ای اسب داران در باتاتویا (جزایر واراضی جنوب شرقی آسیا) میخورد (۶). معنویت خرید و فروش پارچه های ابریشمی ایران در هنند و سلطان نیز تا انداده ای معلوم تنزل محتنایه کیفیت آن بود (۷).

(۱) باستانی پاریزی - "جزر و مدن سیاست و اقتصاد رامپراطوری صفویه"، مجله‌ی یغما، سال بیست و سه، شماره‌ی هفت، مهرماه ۱۳۴۶، صفحه‌ی ۲۵۷

(۲) همان اثر، صفحه‌ی ۲۵۸

(۳) ذکر آکولیسی ۲ خاطرات روزانه، ایروان ۱۹۳۹، صفحات ۵۴، ۷۹، ۱۷، ۵۴، ۱۰۰، ۹۳، ۷۹، ۱۰۵، ۱۰۰ وغیر

(۴) مانسون - سفرنامه و یاکارش در ریارة و ضعکنونی پادشاهی ایران، پاریس، ۱۹۶۰، ص ۱۳۹، مدل ۱، نظامی ناونگره جنگی هلندر رجزیره قشم خلیج فارس هم به حل مسئله کمک نکرد. رجوع شود به همانجا (پیمان فرانسه).

(۵) همان اثر، صفحه‌ی ۱۵۶

(۶) همان اثر، صفحه‌ی ۱۰۹؛ تاورنیه - همان اثر، جلد پنجم، صفحه‌ی ۵۹۸

۳ - سقوط ارزش پول و خروج طلا و نقره از دروازه پولی در کلیه متصروفات و کشورهای تابعی صفوی بلای بازرگانی و مبالغه کالا شد. طلا درست طبقه ای حاکمه بود این بوسائی تجمل و زینت آلات و ظرف و اثاث البیت مبدل میشد. بازرگانان بطورکلی و بازرگانان هلنند بطور اخص نقره ای کشور آشکار و نهانی بیرون میبردند. بازرگانان ارمنی نیز بنویست خود را وارد ساختن سکه های نقره ای خارجی بکشور سودی تعهدیدند. بازار از سکه های کم عیار و تقاضی اشباع شده بود. پول مسی که اصولاً ارزش قانونی خود را از دست داده بود در بازار بمقدار افزایش عرضه میشد. سانسون وضع دروان پول را در راین دوره چنین تصویر میکند:

"خرابی پول در آنجابحدی رسیده است که هیچکس راغب نیست کالا خود را پفروش و معادل آن پول مسی دیافت دارد"^(۱)

غش در عاری پول جزای در بی نداشت و جاعلان پول دست و بال بازی داشتند. در مبارزه با آنان دولت "قویشوکت" صفوی درمانده و ناتوان بود.
۴ - انحطاط کشاورزی، تنزل محصول منتعملگری شهری، مقطوع ارزش پول - همه در مجموعه ای خود وضعی بازرگانی داخلی و خارجی را در هم اشتقه میساخت. مبانی مبالغه کالا در داخل کشور تنزل یافته حجم بازرگانی خارجی نیز تقلیل فاحش یافته بود. شاهد امر آنکه در آمد گمرکی از بنادر رخلمیخ فارس تقریباً در برابر نیم یارمین آنده بود. در فاصله ای زمانی سلطنت عباس دوم تا پادشاهی پسر وی شاه سلیمان حجم بازرگانی خارجی و بطور عدد بازرگانی با کشورهای اروپایی باختنی از راه بنادر چوب باندازه ای تقلیل یافته که در آمد گمرکی آن از بیست و چهار هزار تومن به ده هزار تومن رسید^(۲). کاریه آنجر رسیده در رسالهای ۱۷ قرن ۸۰ بازرگانی ابریشم که از عده ترین کالاهای صادراتی امپراتوری صفوی بود بکلی متوقف گردید^(۳). این وضع محدود بتوابع خاص نبود، آثار بحران همه جامشاده میشد. شاهد امر آنکه سیاح المانی "کمپفر" (۱۶۸۳) خاطرنشان میساند که اهالی باکو زندگی محقی دارند و بازرگانی در راین شهر رونق چندانی نداورد^(۴).

۵ - رباخواری بی بند و باردار کشور رواج داشت. دین به رباخوار کاروزندگی مدیون راتیره میباشد و در شرایط زمان یعنوان عامل اضافی انحطاط اقتصادی را در کشور تشید میکرد. نایابندگان سرمایه ای رباخوار در امپراتوری صفوی بطور عدد تجار هندی بودند که تقریباً همه در شهرها سکنی گزیده بودند. این بازرگانان از پولداران پول وام گرفته و باریح بیشتر به نیازمندان وام میدادند. تاورنیه میگوید: بازرگانان هندی باد رصد هشت وام میگرفتند و باریح سی در صد و گاهی بیشتر بسایرین فرض میدادند^(۵). تاورنیه مشخصات معاملات پولی تجار رباخوار هندی را بدینگونه بیان میکند:

"این بانیان ها (هندی ها) تا آن جا سنگ لندکه خانمانهای بسیاری را ویران ساخته مردم بیشماری را بگانه نشانده اند"^(۶). بدین ترتیب

(۱) سانسون، همان اثر، صفحه ۱۵۹

(۲) و.ف. مینورسکی، شرح بر تذکره الطولک، لندن ۱۹۴۳، صفحات ۱۸۱-۱۸۰ (بازیان انگلیسی)

(۳) سانسون، همان اثر، ص ۱۵۹؛ باستان پاریزی، مجله یغما، شماره ۹، آذر ۱۳۴۶، صفحه ۴۶۳

(۴) کمپفر، شگفت های سیاسی، طبیعی و طبیعی، لئکو، ۱۷۱۲، صفحات ۲۷۰-۲۷۱ (بازیان لاتین)

(۵) تاورنیه، همان اثر، جلد پنجم، صفحه ۵۱

(۶) همان اثر، جلد پنجم، صفحه ۵۱۳

م叙ن مارکمن در شرایط ایران در قرن ۱۷ نیز تأثیرگذارد دایبر برای نکس:

"رباخواری در شکل‌های آسیائی میتواند مدت زمان مديدة وجود داشته باشد"

بدون اینکه چیزی جز انحطاط اقتصادی و فساد سیاسی بار آورد" (۱) .

عواقب چنین بسط نامحدود رباخواری در امپراطوری صفوی موید آنست که رباخواری:

"محافظه کارانه است و فقط طرز موجود تولید را در چارو پس امناگات مری

میسازد" (۲)

۶- در این زمان ایران و کشورهای دیگر جزو دولت صفویان در زمینه‌ی علمی و فنی به حد زیادی از اروپای غربی عقب مانده بودند. در قرن ۱۷ در کشورهای اروپا، گرچه هنوز در ایران مانو- فاکتور حاکم بر تولید بود، در رشته‌های علم و فن و تولید گامهای بجلو بود اشته شده بود که کشورهای خاورمیانه دسترسی بآن نداشته و با ازان بی خبر بوده اند. در شرایط مانو فاکتور در اروپای باختیری در راه وات کارجیران مزیند مشاغل و کسب تخصص بسرعت پیش میرفت.

چرخ ابی همه جا نیروی حرکه‌ی تولید مانوفاکتوری را تأمین میکرد.

۷- تشبیث و پیشگامی بعضی از تماین‌گان محاذل علمی زمان درجهت اخذ و بهره‌گیری از کامیابیهای علمی و فنی دنیای غرب نتیجه‌ای بیبارنیاورد (۳). در زمینه‌ی دانش و سازمان فنی تولید فنا غرب و امپراطوری صفوی مثال افروزتر میشود. در همه‌ی آخر قرن ۱۷ در قسمت تولید و اقتصادیات نه تنها پیشرفته مشاهده نمیشود، بلکه واقعیات حاکی ازان بودکه در کلیه‌ی شئون اجتماعی و اقتصادی امپراطوری عوامل قهرگانی تا "میرافونتری" دارند.

۸- انحطاط اقتصادی در اوایل قرن ۱۷، بدی روز افزون شرایط زندگانی مادر ممکن نبود انحطاط عظیمی در زمینه‌ی ایدئولوژی و زندگی معنوی و روحی دری نداشته باشد و علاوه‌ی هم در پی داشت. افکار خرافی، تتعصب شدید و ترک دنیا و ریاضت در میان توده‌های وسیع بسط بسی سبقه یافته بود (۴). روحانیان همه جایی اندیشه را تبلیغ و ترویج میکردند که روی تافقن از این دنیا و متعلقات آن "ضروری" است، سعی در تأمین "آخرت" واجب است. بسا سماجت در افکار ازدوده هاتزیق میشده که "دنیازندان مومن و بهشت کافراست" ("الدنيا سجن المؤمن والجنة الكافر") و "دنیامرد اری است و خواهان آن سکانند" ("الدنيا جيشه و طالبه‌کلاب"). در راس یک چین جیران ارتقای معنوی روحانیان بزرگ قرار داشتند. پیشوای نظری این جیران محمد باقر مجلسی معلم و مریم شاه سلطان حسین بود که تعداد تالیفات مذهبی وی قریب به ۵۰ است (وقات (۱۷۰۰) (۵) در نتیجه بیکاری علم و فن بودند ازاو دیدن نکردند.

(۱) کارل مارکمن، کاپیتان، جلد سوم، مسکو ۱۹۴۹، ص ۱۱۵ (بیان روسی) (ترجمه از ماست).

(۲) همانجا، صفحه ۱۲۳ (ترجمه از ماست).

(۳) تاورنیه، همان اثر، جلد چهارم، ص ۴۷۰، جلد پنجم ص ۴۵۳۷-۵۴۵۰-۵۵۰۵-۴۰۵۰ وغیره؛ شاردن همان اثر، جلد دو، ص ۴۲۴ وغیره. شاردن پخصوص متذکر میگرد دکه هنگام ورودی به تبریز میرزا طاهر پسر وزیر از رایجان و پیر حاکم گنجه که مشتاق تارگهای اروپا و بیویه علاقمند به نوازیها

علم و فن بودند ازاو دیدن نکردند.

(۴) بعنوان مثال مراجعه شودیه تاورنیه، جلد پنجم، ص ۱۱۵-۱۱۷

(۵) راجع به مجلسی مراجعه شودیه رضازاده شفق- تاریخ ادبیات ایران، تهران ۱۳۴۲، ص ۳۶۴ و بعد اله رازی- تاریخ مفصل ایران، تهران ۱۳۳۵، صفحه ۴۴

ولاقیدی و موهوم پرستی همه جا اشاعه یافت. ابن وضع روحی بنویت خود در شعر و ادب نیز منکس گردید.

۸- طبقه‌ی حاکمه‌ی فئودال، روحانیون و بورکراتها توده‌های خلق را متوجه "آخرت" کردند. خود جز تأثیر رفاه خویش و ادامه‌ی زندگانی اسراف آمیز و پرتجمل فکری نداشتند. پس چنین شیوه‌ی زندگانی در زند طبقات بالا نشین دلت صفوی مایه‌ی شفقت جهانگرد انارویی بود. شاردن در اثر خود فصل مخصوصی تحت عنوان "تبذیر غبر عادی ایرانیان" جای داده^(۱) و تأویلیه در این موضوع چنین مینویسد:

"درا بران تجمل دارای مخارج خیلی گرانست. چنانکه مکرر رسفرنامه خود ذکر کرد، ام برگان همه دستگاه عرض و طوبی دارند. یراق اسباب همه طلا و نقره است و نیکری باز داشتن از ضروریات اشراف است. هر یک از بزرگان در در ربار خود همان ارایا مناسب را دارند که در در ربار شاه از میراخور و ناظر و غیره دارد"^(۲).

برای اشراف ایران پایمال منافع دلت با خاطر مقاصد حقیر سود جویانه امری سریوش ناپذیر و محمول شده بود. میسیونر فرانسوی سانسون غمین بحث از خصائص و رفتار وزیر اعظام معروف شاه سلیمان - شیخ علی خان زنگنه (سال وفات ۱۶۸۸) - خاطرنشان میکند که شیخ علی خان شاه را ازا جرای نقشه‌ی افزایش آب زاینده رود که مزارع اطراف اصفهان را مشروب میسازد فقط بد ان سبب منصرف ساخت که غوره محصولات کشاورزی در پیرامون پایتخت مکن مود مانع فروش پرسود همان محصولات که از املاک شخصی وزیر اعظم در کرمانشاه به اصفهان میرهد بشود^(۳).

۹- در تعیین عوامل زاینده‌ی بحران اقتصادی امپراطوری صفوی در اوخر قرن ۱۷ تنها اکتفا به انگیزه‌های داخلي ناصواب خواهد بود. بنی شبهه یک سلسه عوامل دیگرهم در اینجا ذید خل بوده اند که تغییر محل راههای عده‌ی بازارگان و کاهش اهمیت جغرافیائی امپراطوری را مثالیه محل تقاطع راههای دهانه‌ی خاور و باختر باید از اهم آنها شمرد. بحران اقتصادی اوخر قرن ۱۷ برای کلیه‌ی کشورهای آسیای مقدم پدیده ای مشترک و عمومی بود و از این نظر وضع امپراطوری صفوی استثنائی نبود.

بطوریکه معلوم است درنتیجه‌ی اکتشافات کبیر جغرافیائی و بخصوص درنتیجه‌ی کامیابیهای حاصله در این قسمت در نیمه‌ی دوم قرن ۱۶ و نیمه‌ی اول قرن ۱۷ تغییر محل عظیم در راههای عده‌ی بازارگان و بدنبال آن در مرآکز بازارگانی روی داد. درای مدیرانه که تا این زمان در بازارگانی خاور و باختر نقش عده‌ و اساسی بازی میکرد مقام خود را به اقیانوس- های آغاز و هند واگذار کرد. پرتقال، هلند و انگلستان در بازار جهانی ابتکار عمل را از دست ایطالیاکه تا این دوره پیش رفته ترین کشور بازارگانی شمرده بودند. اهمیت تجارتی شهرهای بندری در ساحل شرقی درای مدیرانه نظیر حلب و غیره کاهش فناوری

(۱) شاردن، همان اثر، جلد پنجم، صفحه ۱۴۵ - ۱۴۶

(۲) تأویلیه، همان اثر، جلد پنجم، صفحه ۱۱۷

(۳) سانسون، همان اثر، صفحه ۷۸

یافت (۱) و این امر مستقیماً دروضع کشورهای که از این راه با اروپا تجارت میکردند نمود "شافتاد". امپراطوری صفوی در زمرة این قبیل کشورهای بود. این پدیده عامل مهم دیگری گردید که بحران اقتصادی امپراطوری صفوی را تشید نمود.

بحران عیق اقتصادی و اجتماعی سرانجام بحران سیاسی شدیدی پیجود آورد. در پیجع اول قرن ۱۸ قیامهای مهم توده ای در میان اقوام تابعه ای دولت صفوی روی داد. عصیان مردم متعدد افغان که وسیله ای تاخت و تاز و ستمگری و غارت فئودالهای افغانی گردید سرانجام به سلطنت صفویان پایان داد. سلسله ای صفوی که متجاوز از دو قرن بر اینکه ای سلطنت تکیه زده بود در نتیجه ای یک چنین بحران عیق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی به عمر خود پایان داد و بالاخره برای همیشه از صحنه ای سیاست جهانی خارج گردید.

خوانندگان گرامی!

خواهشمند است در "برخی از فاہنیم واصطلاحات" — دنیا سال دهم شماره ای سوم — دو غلط چاپی نیز را تصویح فرمائید.

صحيح	غلط
klassenlos	Klassenlos
materielles Interesse	materialles Interesse
materielle Güter	materialle Güter

(۱) رجوع شود به و . موتیلیف — تاریخ اقتصادی کشورهای خارجی — مسکو ، ۱۴۶ (بزبان روسی)

گوشه‌ای از

فعالیت حزب کمونیست ایران در کرمانشاهان

/ از خاطرات رفیق ابراهیم علیزاده (نامه) /

در فوریه‌ی سال ۱۹۲۲ نگارنده از تهران باد مستور کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست ایران با مأموریت مخفی برای تشکیل سازمان ایالتی حزب کمونیست ایران در کرمانشاهان عازم صفحات غرب شد . در آن ایام سراسرنوایی همدان و کرمانشاهان و کردستان تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی انگلیسی قرار داشت . کنسول انگلیس بنام "کاون" با کمک موشتبعبی "بانک شاهنشاهی ایران" (بانک انگلیسی) و شعبه‌ی "نفت انگلیس و ایران" و همچنین باد ستیاری دکتر پاکارد رئیس وقت بیمارستان امریکائی و یکی از عمال جاسوسی امریکا، که در آن دوره بعلت فقدان پایگاه‌های سیاسی و اقتصادی امریکادر ایران همکاری بسیار نزدیکی با انگلیس‌هاد اشتند ، در حقیقت حکمرانی مختار غرب محسوب میشد . چنان‌که میدانیم کرمانشاه زادگاه قهرمانانی مانند ارمحمدخان و مازندران دلیلی از قبیل شادر و آن ابوالقاسم لاهوتی و دیگران بوده و این سنت دیرینه این شهر نزد بود . پیش از حرکت از تهران با مرحوم سلیمان محسن اسکندری ملاقات کردم و پس از مذاکره قرار شد سازمان حزب "اجتماعیون عامیون" (که لید ران در تهران سلیمان میرزا اسکندری بود) در کرمانشاه تشکیل شود .

کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست ایران برای تشکیل سازمان ایالتی کرمانشاهان اهمیت زیادی قائل بود ، زیرا این سرزمین بعثت هم‌جواری با کردستان و هم مرزی با بین‌النهرین که در آن زمان تحت اشغال مستقیم نیروهای نظامی انگلستان قرار داشت ، چه از نقطه‌ی نظر سیاسی ، چه اقتصادی و سوق الجیشی دارای موقعیت مهم و در حقیقت یکی از تکیه‌گاههای استعمارگران بریتانیاد رایانه بشمار میرفت . انگلیسها پیدا کیش شعب احزاب کمونیست و اجتماعیون عامیون را در اینجا در رواج اعلام نمودند تلقی کردند و علیه این سازمان‌ها از هیچ‌کوئه تحریک و دیسیمه چینی فروگذار نمودند که در آین دوران انگلیسها بادست عمال خود مخصوصاً فرمانده لشکرگرا حداد آفخان که بعد از معروف به سپهبد امیر احمدی گردید ، فوجیایی را مرتب شد که کوچکترین آنها سرکوب و کشتار جمعی کرد ها و تور و قتل مخالفین سیاست استعماری بریتانیا بود .

بر حسب ابتدا کمیته‌ی ایالتی حزب کمونیست کرمانشاه و تضمین کمیته‌ی ایالتی حزب "اجتماعیون عامیون" برای پیکار بر ضد بیدادگری نظامیان و رژاند ارمنها و پلیس رضاخانی (بریاست مأمور رکن الدین خان مختاری جلال آیند) کارگران نفت جنوب و رئیس شهریانی آتشی رضاخانه) و برای جلوگیری از ایجاد فتنه و فساد و جنگهای برادر رکشی در میان عشایر کرد و تقویت روحیه ای از اراده یخواهان داخل شهر ، قرار شد کلیه ای عناصر صالح و وطن پرست طوابیف کرد را تحت لوای اتحادیه ای عشائر غرب " گرد آورد و به

رهبری علمی و سیاسی حزب "اجتماعیون عامیون" آمده‌ی نبرد سازند. این وظیفه در این مجاہدت پهکیر رفقاء کمونیست و تشریک مساعی کمیته‌ی ایالتی "اجتماعیون عامیون" انجام داده شد بطوریکه متاجوز از ۱۵ هزار افراد مسلح پیاده و سواره‌ی کرد در این اتحادیه مشکل شدند. هسته‌ی اساسی این اتحادیه را ایل‌سنجلایپ برباست سرد ار ناصیر و معاضدت دو برادر او سرد ارمقدار و سلام‌مظفر سنجلایپ تشکیل میدادند. اینها توائیستند در مدت کمی قسمت اعظم سایر عشایر کرد را از کل‌هرا، قلخانی‌ها، اورامان و مریوانیها وغیره را باین اتحادیه جلب نمایند.

در داخل شهر نیز از طرف توسعه‌ی نفوذ حزب "اجتماعیون عامیون" که رهبری آنرا مرحوم قوام‌الطما از روحانیون آزادی خواه داشت و از طرف دیگر پیدایش و تشکیل اتحادیه های گوناگون از قبیل اتحادیه معلمان، اتحادیه‌ی اصناف و پیشه وران، اتحادیه‌ی تجار، اتحادیه‌ی گیوه کشان یا کلاش بافان و امثال آنها که با پیتاکاریتی ایالتی حزب کمونیست انجام گرفته بود و لولت و فرمانروایان اعلیٰ ناحیه‌ی غرب یعنی انگلیس‌هارا نگران ساخت.

نخستین اقدام دولت این بود که مرکز فرماندی لشگر غیر را زهدان به کرمانشاه انتقال داد و با اعزام مأمورین و حکامی مانند قائم مقام الملك تبریزی که از طرفداران قوام‌السلطنه و استعمار‌گران انگلیسی بود جبهه‌ی مرتضیعین محلی را تقویت نمود. درین حال هم در داخل شهر کرمانشاه و هم در خارج آن دستگاه تحریک و تفرقه اندازی میان عشایر و خرابکاری و تور طبق نقشه‌ای که از طرف سران مرتضیعین با شترال احمد آفاخان و کنسول انگلیس "کاؤن" طرح ریزی شده بود بصورت یک حمله‌ی عمومی ناگهانی آغاز شد.

در تابستان سال ۱۹۲۳ احمد آفاخان امیر لشگر محروم‌هه با عیام قبادیان برادر سرد ار عشاپر رئیس ایل کلهر (که بعد‌ها در ارجمندیاتی که منتبک شد بامر رضاخان بلقب امیر مخصوص "فتخر" گردید) ملاقات و اجرای نقشه‌ی توپه‌ی خونینی را که در ریسولکری بین طایاند کرمانشاه چده شده بود به عهده‌ی این جوان جاه طلب محول کرد. احمد آقا پیوی در ازای دست زدن به جنایاتی بسود شاه و داده داده که اولاً مریم بانو زن سرد ار عشاپر را کی از زیباترین زنان کرد بود به حواله‌ی نذار اح او درآورد و نیز شمشیر مخصوص تاریخی رئیس ایل کلهر را به او بخشید و علاوه بر همه‌ی اینها با اعطای لقب امیر مخصوص اورا بریاست کل عشایر غرب منصوب نماید، بشرط اینکه بعد از کشتن عم خود بر شر ایل سنجلایپ بتازد و همچنین به سرد ارشید (عباس اردلان) از سران آزادی خواه عشاپر کرد نیز حمله نماید. قبادیان عموی خود را غافلگیر کرد و کشت و بالا‌فصله شروع‌یافت و تاز بساير عشایر عضو اتحادیه عشاپر غرب منجمله ایل سنجلایپ نمود.

با پیتاکاریتی ایالتی حزب کمونیست کرمانشاهان و با اقدام شاد روان قوام‌العلماء رئیس‌کمیته‌ی ایالتی حزب "اجتماعیون عامیون" عباس قبادیان بشهر دعوت شد و عوابع علیات اوبوی گوشز د گردید و بعد اخذ نگارنده نیز با قبادیان ملاقات کرد و اورا از نتایج فرب و وعده‌های عُسر قوی بی د ولتیان و پیژه احمد آقا که عداوت خاصی باکرد هاد است آگاهاندید. قبادیان بظاهر قول ایلی داده با صطلاح از تعصب عشیریتی دست برخواهد داشت و چون قدرت دارد نظم ایمان نخواهند توانست با او خدعاً کنند. ولی وی همان‌طور که به احمد آقا قول داده بود در صفحات غرب مرکب فجایی گردید که بالآخره نیروهای دولتی با تهیه قسawت مجبور به دخاله و جلوگیری گردیدند و کم کم یعنی پس از اجرای منویات و نقشه‌های استعماری رضاخان بدست وی اورا به بهانه‌ی تشکیل اسکورت سواره‌مخصوص سرد ار سپه به مرها هی برادر رش خسرو و جند نفر دیگر از سران ایل کلهر با کلاهه نمایند و لباس ملی اکراد پتهران دعوت کرده انها را در باغ فرد وس شمیران جای دادند. اگر چه قبادیان و پیاران او از این خوان یخ‌منصیبی بردند ولی عمر این نعمت چندان طولی نکشید و تارض

خان از راه تشکیل "مجلس موسسان" بعنوان شاه و سرسرسله ی پهلوی بر ایکه ی سلطنت جلو من نمود، بایک اشاره ی وی امیر مخصوص و برادرش در مقابل "خد متی" که کرد و بودند ساز زندان قصر قاچار درآوردند.

از عجایب تصادفات اینکه بازنگارنده را از نوبتاً امیر مخصوص اتفاق ملاقات افتاد و این بار در شرط زندان و بنادر خواست او در حالیکه وی از هجوم امراض و شدت استیصال مشرف به موت بود. او از من تقاضا کرد بنابر سوابق "دستی" که در میان ماست دکتری از رفقاء زندانی بیالین او بیرم تا شاید از بیرکت معالجه ی او از چنگال مرگ حتمی نجات پیدا. یکی از رفقاء بزمگ با موقوفت رفقاء زندانی او را مد اوانمود و امیر مخصوص عزایل راجوی کرد و پس از بیهوده کامل سوکندهای مود خورده که اگر عزیزی باقی باشد و از زندان آزاد شود نیز خود را در راه خدمت به خلق و میهن و آزادی ان از پنجه ی امپرالیسم انگلستان مصروف دارد.

سال ۱۹۴۱ (سوم شهریور ۱۳۲۰) فرار سید رضا شاه گریخت و قبادیان از زندان آزاد شد و به سمت کرمانشاهان که تحت اشغال نیروهای انگلیس درآمد بود رفت و بلاعاصله بدست فلچرما گورسیا^{۱۸} و سرجاسوس بريطانیا در غرب نیمایندگی مجلس شورا، دوره ی سیزدهم، انتخاب گردید و در همین مجلس بود که در زمان قیام اذربایجان و تا^{۱۹} سیس حکومت ملی وی نطقی در مجلس ایراد کرد و ضمناً گفت: اگر اطیحضرت و مجلس اجازه دهند نیم میلیون اکراد مسلح را برای قلع و قمع پوشانه و ری و پارانش به اذربایجان میرم و دمار از روزگار آنها در میاورم!

باری سرلشکر واحد افراخان پس از تار و مار نیروهای عشایر در اطراف کرمانشاهان دست بکار داشته ی شهر شد و با اطمینان خاطر مشغول کار گردید. او قبل از رسیله ی حاجی سید حسین کربلا شی نام یکی از ملانمایان کرمانشاه و سید اکبر شاه که پس از حکومت ملی وی نطقی در تهران در بد و مشروطیت به غرب تبعید شده بود، حکم تکفیر و ارتداد شاد روان سید حسن کرازی رئیس معارف وقت راکه گناهی جز تا^{۲۰} سیس و افتتاح دشتستان در کرمانشاه نداشت، صادر و سپس باد ادن یک قضه ششلول بدست قهرمان نام نوکر شخصی حاجی سید حسن کربلا شی روز روشن در یکی از کوچه های شهر، موقعی که مرحوم کرازی با سرمهورت گرد الود از سرکشی پس از ختم نخستین بنای دبیرستان نوین بیان کرمانشاه به خانه بر میگشت (این ساختمان بابتکار آن مرحوم و درنتیجه ی کمکهای سلیمان محسن اسکندری، وزیر معارف وقت احداث میشد) از پشت سر اورا باتیزد و تا اورا بخانه رسانیدند را ثیر جراحت و اردہ جان سپرد.

شهرت کرازی مردم کرمانشاه را ساخت تکان داد، بطوریکه خورد و کلان در تشبیح جنازه ی ۱ و حاضر شدن و احترامات و تجلیلی بصورت یک نمایش اخطار کننده از وی بعمل آمد. ارتجاج برای پس گم کرد ن قهرمان راکه آلتی بیش نبود بازد اشت و پس از یک محکمه ی مسخره آمیز اورا محکوم باعده ام کردند و بد ون داد ن مهلت بچوبه ی دارش آویختند. در صورتیکه طبق خبر موقع احمد آقا بیوی و عده ه داد بود که بهرنزهی است اورا از زندان و مرگ نجات خواهد داد. باید افزود که پیش از اعدام این مرد، آزاد پخواهان شهر کوشیدند تا مگر از کشته شدن قهرمان جلوگیری کنند و اورا بفاس کرد ن نام قاتلان اصلی که خداحمد آقا و حاجی سید حسین کربلا شی بودند، واد از نمایند. متاسفانه این کوشش در مقابل اعتماد قهرمان بقول امیر لشگر احمد آقا نه تنها بهد رفت، بلکه بعد ها اصل پرونده ی قتل را تقریباً از بین بردند.

در سالهای ۱۹۲۲-۲۳ بانک انگلیس در ایران که مژوارانه نام "بانک شاهنشاهی ایران" را بخود بسته بود، پول نقره ی ایران را از راه کرمانشاه به عراق و ازانجا به هند وستان میرد. این سکه های دوهزاری ایران در هند مبدل به سکه ی روپیه میشد و همان روپیه را بانک انگلیس از نو از راه

بنادر جنوب و حتی خود سرحد عراق با ایران حمل کرد و بالازشی معادل ۵-۴ ریال (یعنی بیش از دو برابر قیمت ده هزاری اصلی) بخورد بازارگانان و معامله گران ایرانی که با تجارت هند وستان سر و کار داشتند ، میداد . با این ترتیب هم از سود بازارگانی مبالغ کلی استفاده میکرد و هم از این راه منافع سرشار خود را مضاعف مینمود . اگر درست در ماهیت این شعبد بازی غارتگران که مبتکران فقط قاچاقچیان بین المللی میتوانند باشند ، تعقیف کنیم ، خواهیم دید که بانک انگلیس از یک طرف با صادر رکدن پول نقره از ایران چگونه بازار محاملات کشور مرافق میکرد و از سوی دیگر باوارد کردن همان پول بلباس روپیه هندی چه ضرایطی به اعتمادیات ایران وارد میساخت . داینچهای افزود که اینگونه غارتگران بیرحمانه فقط جزئی بسیارناچیز از کلیه سود های کلانی بود که بانک شاهی از قبل حق چاپ اسکناس و از با پت تعمیض آن با اسکناس شهرهای دیگر ایران و همچنین از محل سوخت ، تلفات ، پوسیدن و گم شدن آنها میبرد تاچه رسید بر قم ریح هنگفتی که در موقع دادن اعتبار و قرضه ، چه از خزانه دی دولت و چه از کیسه ای تجار و بازاریان بیرون کشید و بگاو صندوقهای شعبات بانک میریخت . ظلت مقارن همان ایام یعنی روزهاییکه سیل نقره درگاریهای اداره ای حمل و نقل تحت حمایت و حفا قراقبا از راه کرمانشاه به بین النهرين (عراق امروز) جاری بود ، بازارگانان کرمانشاه که با بتکار کمیته " ایالتی " اجتماعیون عامیون " و کمیته ایالتی حزب کمونیست کرمانشاه در اتحادیه ای نسبت نیز و مندی مشکل شد و بودند ، بیانیه ای شدید اللحنی چاپ و انتشار دادند .

متن این بیانیه چنان مسیحیج بود که انتشار آن غوغایی برپا کرد و بازاریان علنا فریاد میزدند بعد از این ماجور خواهیم بود بجای پول نقد دروجه مالیات دولت فقط به ماست و پنیر توسل جوئیم ، زیرا در نتیجه ای چپاولگری عمال استعمار دیگر ارزی برای ماباقی نخواهد ماند .

مقدار زیادی از این بیانیه ها پتهران و اغلب استانها و بخششای کشور نیز فرستاده شد و در تعقیب آن تلکرافهای نیز مخابر شد که سرانجام منجر به حد و فرمان منع صد و رطل و نقره از طرف دولت گردید .

مرگ یک ایران شناس بزرگ

روز سوم آوریل ۱۹۷۰ پروفسور هاینریش یونکر دانشمند بر جسته‌ی جمهوری دموکراتیک آلمان در سن ۸۱ سالگی جشم از جهان فروبست.

پروفسور یونکر در سال ۱۹۱۱ در رشتہ‌ی زبانشناسی "هندو ایرانی" بد رجه‌ی دکترا رسید. در سال ۱۹۱۹ کرسی زبانشناسی تطبیقی راد هامبورگ و سپس در دانشگاه لایپزیک پذیرفت آورد. در سال ۱۹۵۱ کرسی ایرانشناسی در هومبلد اوپنورسیتی (دانشگاه معروف در برلن) به او سپرده شد. امو محسن انتستیتوی ایرانشناسی و زبانهای فقاری در دانشگاه هوهبلد در برلن است که بعد از رشته‌های ترک و عرب شناسی بد ان ضممه و مجموعاً به انتستیتوی خاورمیانه تبدیل گردید. این مردمفعال در عین حال در انتستیتوی هند و ژمنی غوان مدیر کمیسوار را داشت و در انتستیتوی آسیای شرقی شعبه‌ی کره شناخت را بوجود آورد. استاد یونکر شاگردان بسیاری را پروراند. درسها ای او - تاریخ، فرهنگ و زبانهای ایران و کره و تئوریهای زبانشناسی و قسمتی از تاریخ فرهنگ اروپا را در بر میگرفت. در تمام این زمینه هسادر آسیائی در برلن باتنم او پیوند ناگسستنی دارد.

روش کارهای علمی او و همچنین چکوچی متد‌های تحقیقی افراموش نشدنی است. شاگردان و همکاران او بایا احترام و سپاسگزاری علیقی از این استاد پذکار باد میکنند. او تنها ایرانشناس نبود، بلکه ایران دست بود: به ادب و رسوم ایرانیان، به فرهنگ و مردم ایران علاقه خاصی داشت. با ایرانیان معاشرت میکرد و به آنها کمک مینمود. از خدا و موسیقی ایرانی لذت میبرد. صدای چند نفر ایرانی را در دستگاه بث صوت بباد گارنگه کرد. شعبه‌ی توپنیاد علوم میداد.

استاد یونکر خدمات گرانبهائی در کاوش‌های علمی خود به زبان و فرهنگ ایران (قسمت قبل از اسلام) کرده است. کوشش‌های بالارزشی درباره‌ی شعر ایران مخصوصاً درباره‌ی وزن شعسر شاهنامه (پجرت‌تارب) بعمل آورد. او معتقد بود که وزن شعر شاهنامه یک وزن ایرانی است نه عربی و درباره‌ی عروض اشعار فارسی تئوری مخصوصی داشت که علاوه بر طول هجایا عوامل دیگر را نیز در بر میگیرد.

با این‌همه کوشش‌وفعالیت متاویانه آنطورکه شایسته‌ی مقام این دانشمند بزرگ است در ایران شناخته و معروف نشد، زیرا او همواره سرگرم کارهای علمی و از تشبیت به وسائلی که معمولاً باطل و چاپلوسی همراه و موجب شهرت است، بد ورید.

با ابراز تاصف از مرگ این دانشمند بزرگ، مراتب تمیلت خود را به جمهوری دموکراتیک آلمان و به دانشگاه هومبلد برلن و به همکاران و ادامه دهنده‌ی کارهای علمی او اظهار میداریم.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به (علم)

ثبت است برجردیه‌ی عالم دوام (او)

۱. گویا

یک اثر مفید

منظور کتاب "طبقه‌ی کارگر ایران معاصر" یکی از سلسله آثار پروفسور م. س. ایوان ف دانشمند شوروی و محقق تاریخ نوین ایران است که اخیراً نشر یافته و بدست مارسیده است. کتاب شامل پنج فصل است بشرح زیر:

- ۱) فلاحت، مناسبات کشاورزی و رشد سرمایه داری در روستای ایران؛
- ۲) رشد و چگونگی صنایع ایران؛
- ۳) پیدایش طبقه‌ی کارگر و مراحل اساسی تاریخ آن؛
- ۴) وضع طبقه‌ی کارگرد ایران معاصر؛
- ۵) جنبش کارگری.

مؤلف در پیشگفتار خود بحق به فعلیت موضوع اشاره کرده مینویسد:

"بارشد صنایع و پیدایش آنچنان رشته‌های از صناعت که برای ایران تازگی دارد... اهمیت طبقه‌ی کارگر همواره افزایش یافته و این موضوع به تحقیق درباره طبقه‌ی کارگر ایران فعلیت می‌بخشد..."

در این اثر منظور تجزیه و تحلیل مارکسیستی و نتیجه گیری صحیح ازان کوشش بعمل آمد. است ازکلیه‌ی ماتریالها و آمار موجوده و آمار منتشره در داخل و خارج کشور با برخورد انتقادی استفاده شود و باید گفت که این کوشش قرین موقیت بوده است. کتاب سرشار از آمار و ماتریال‌های روش کنند. است و صرف نظر از اینکه ممکن است خواننده با این یا آن نتیجه گیری موافق نداشته باشد، میتواند راهنمای تحقیقات اینده و کتاب روی میز محققان پسندی باشد.

بدیهی است نارضائیهای ناگزیری در این زمینه وجود دارد که ناشی از دقیق نبودن آمار موجود و بادر مواردی فقدان کامل است و نکته‌ی دیگری که تحقیق درباره وضعیت کارگر ایرانی را دشوار میسازد و مؤلف خود بدان اشاره کرده است عدم امکان تعاس زنده است که رئیم ازان میهراست و ظاهر امده نمیتواند مبین واقعی وضع موجود باشد. با این وجود مؤلف توانسته است هرچه بیشتریه واقعیت نزد یک شود.

قبل از تحقیق در چگونگی وضع فعلی طبقه‌ی کارگر توجه مختصر ولی ویژه‌ای به وضع روستای ایران، وضع کارگران کشاورزی، اصلاحات ارضی نیم بند و ازان‌جله انجیله اینه را این اصلاحات شده. مؤلف پس از اشاره به اینکه در روستا نارضائیهای انگجاری وجود داشته است مینویسد:

"در این شرایط درک این موضوع بین‌یخشی از محافل حاکمه قوت میگرفت که حفظ نظام کهنی فشود الی بشکل سابق خود دیگر ناممکن است و اگر اقدامات پیشگیرانه ای نشود انگجارانقلابی ناگزیر است."

واضافه میکند که محافل حاکمی امریکانیز د رمود لزوم اصلاحاتی در ایران پاشا رسوده اند (صريع) در ارتباط با رشد صنایع در ایران و صنعتی شدن نسبی روستا پروفسور ایوانوف درباره پاره ای مسائل مورد بحث نیز اظهار نظر میکند و ازان‌جله به این نکته توجه میدهد که ایران بالانه از سهم

محصولات کشاورزی در مجموع تولید کشور طی سی سال اخیر تقریباً سه برابر کاسته است هنوز کشوری است فلاحتی و اغناهه میکند که این کاهش در شرایطی که قسمت اعظم مردم کشور به کشاورزی اشتغال دارد نشانه‌ی پیشره دهی عمیقانازل این بخش از اقتصاد کشور است (ص ۲۵۰).

دراین اثربیان اطلاعات نسبتاً مبسوطی از وضع صنایع ایران درگذشته و حال، نقشه‌های هفت ساله و غیره بدست آورده که همه مبتنی بر آمار رسمی و یاتحقیقات خود موغل است. در فصل مربوط به تاریخچه‌ی پد ایش طبقه‌ی کارگر درایران و مراحل رشد آن خلاً موجود تاحدی پر شده است که این خود اهمیت ویژه‌ای دارد.

چنانکه از تام‌کتاب پید است وضع طبقه‌ی کارگر درایران معاصر بخش اصلی کتاب و شامل مسائل و عوامل عده ایست از قبل : سطح عمومی زندگی توده های مردم ایران، چگونگی قوانین کار، سطح دستمزد‌ها، طول مدت کار روزانه، وضع بیمه و تقادع، شرایط زندگی، وضع خدمات پهند اشتی و هرچه بیکاری، حقوق اجتماعی و سیاسی کارگران که در همه‌ی این مسائل تحقیقی مقدانه از جام گرفته است.

فصل مربوط به جنبش کارگری ایران فهرستی است نسبتاً جامع و تقریباً کلیه‌ی مراحل این جنبش را از پد ایش طبقه‌ی کارگر درایران نامعقول تهیه کتاب (۱۹۶۱) دربر میگیرد. اثر دارای جنبه‌های مثبت زیادی است که ذکر همه‌ی آنها دراین مختصر ممکن نیست، ولی بعوازات این جنبه‌های مثبت، این اثرهم مانند هر اثر دیگری، عاری از جنبه‌های نقص و کمبود است. درینجا لازم است به برخی از آنها اشاره شود.

در صفحه‌ی ۴۵ مختصر از وقایع ۱۵ خرد اد سخن رفته است . نظر پروفسور ایوانف باتحلیلی که حزب ماد راین مورد داشته وفق نمیدهد. در گذشته هم ما به این موضوع اشاره کرد ایم (مجله دنیا) و بعیدیه‌ی ما وقایع گذرای نظیر حمله به دکان و بازار و باد ان شعارهای علیه اصلاحات وتساوی حقوق زنان که چسأ در برخی از آنها دست خود سازمان امنیت دریان بوده است، نمیتواند تعیین کنند باشد. چنانکه در تظاهرات عظیمی که در اسفند ماه ۱۳۴۸ بمناسبت گران شدن بليط اتوبوس از جام شد و در واقع عدم رضایت طبقات مختلف مردم از رئیم موجود بود که باین مناسبت بروز گرد، وقایعی نظیر شکستن شیشه و یا واژگون کرد ن چند اتوبوس رانمی‌توان ملاک قیامت قرارداد.

در صفحه‌ی ۲۱۸ عده‌ی اعضا سازمان ایالتی اذربایجان حزب توده‌ی ایران که به فرقه‌ی دموکرات ملحق شد ۴۰ هزار تخفیف زد و شده است و حال آنکه این عدد در حدود ۵۸ هزار بوده است. در صفحه‌ی ۲۳۹ که به وقایع ۲۸-۲۵ مرداد و کودتای زاهدی اشاره شده است پروفسور ایوانف غمن انتقادی از حزب توده‌ی ایران درباره‌ی روش حکومت مصدق مینویسد :

” حکومت مصدق نیز اقدامی برای جلوگیری از توطئه گران و خنثی نمودن دو میهن کو
که برای کودتای شد بعمل نیاورد، نخواست به جنبش دموکراتیک تکمیل کند و دستور داد
که د مونستراسیون مردم را بیزور اسلحه پر اکنده کنند.“

این نکته که حزب توده‌ی ایران در آنروز قاطعیت بخراج نداد نکته ایست مورد قبول و حزب مایه بثابه یک حزب جدی دراین مورد از خود انتقاد کرد است (پلنوم چهارم کمیته‌ی مرکزی). اینهم که حکومت مصدق اقدامی نکرد نیز صحیح است و حتی می‌توانست بعنوان نکته‌ی اصلی ذکر میشده، زیرا اقد رت رادر دست داشت و تما‌سفانه جنین انتقادی تاکنون بعمل نیامده است تا آنکه بتوان بنفع آینده‌ی جنبش از آن استفاده کرد. ولی نکته‌ی اخیره که از طرف حکومت مصدق دستور داده شد بود که د مونستراسیون مردم بیزور اسلحه پر اکنده شود با واقعیت وفق نمیدهد.

حقیقت امر چنین است : اماده شدن کودتای ۲۵ مرداد را در زنوبه‌ی اول حزب توده‌ی ایران

مطلع شد و بلا فاصله به مصدق اطلاع داد و ازان جلوگیری بعمل آمد. صبح روز ۲۸ مرداد نیز رهبری حزب کودنایی بودن جیران را تلفونا به مصدق اطلاع داد و تقاضانمودکه مصدق پامی از راد یسو خطاب به ملت ایران داغریه پشتیبانی از حکومت قانونی صادر کنده حزب تude ایران بتواند باتکا^۱ این پام بانیروی مجهز به میدان آید. مصدق جواب دادکه دولت به اوضاع مسلط است و هرگونه دمونستراسیونی میتواند موجب پروپاگاند هائی بشود ولی تهدیدی به اقدام مسلح علیه حزب نکرد. انتقاد حزب تude ایران به خود ازاین جهت است که علیرغم این اظهار مصدق میایستی به میدان بیاید تا اگر هم باعده موفقیت رو برو میشد وظیفه ای ملى خود را نجام داده باشد.

* * *

بدیهی است که نواقص و نارسائی های ذکر شده نمیتوانند از ارزش اثربکاهنده و چنانکه در آغاز هم گفته شد این بار نیز پروفسور ایوانوف موفق شده است اثر قویی در دسترس خوانندگان و محققان تاریخ جنبش کارگری ایران بگذارد.

ع. کامبشن

در باره آثار محمد مکری کردشناس و زبانشناس ایرانی

کردشناس و زبانشناس ایرانی آقای دکتر محمد مکری اینک سالهاست در پاریس سکونت دارد و استاد تحقیقات د مرکز تبعیت علمی وزارت معارف فرانسه و داشنگاه پاریس است. آثار وی در زمینه فرهنگ نویسی، ترجمه‌ی متون پهلوی، کردشناسی و پژوهش بررسی آثار و رسوم فرقه‌ی "اهل حق" اینک در مخالف علمی ایرانی و اروپا شهرت بسیاری کسب کرده است. دکتر محمد مکری پژوهی از اثار تحقیقی خود را در ارتباط و هکاری نزدیک با ایرانشناسان معروفی مانند پروفسور لوئی ماسینسیون و پروفسور ولاد پییر مینورسکی و پروفسور هائزی کرین و پروفسور بنو نیشت و پروفسور ز. دومناس تدارک دیده است. عده‌ی کثیری از اثار تحقیقی دکتر محمد مکری در پاریس و در تهران بزبانهای فارسی، کردی (لهجه‌ی گورانی) و فرانسه بچاپ رسیده است. توقف طولانی دکتر محمد مکری در پاریس از روی ضرورت روحی و نتیجه‌ی افکارمنتری سیاسی است. در اثرهای اینک افکار بازگشت با ایران و کار در کشور پاریس دشوار است. خود دکتر محمد مکری پارها باین مسئله در مقدمه‌ی کتب خود (وازن‌جمله در پیش گفتار "راز مگو و سنگ میاه" و نیز در پیشگفتار جلد سیم مجموعه‌ی پژوهش‌های علمی خود که اخیراً در پاریس نشر یافته‌است) شاره میکند. بخش عده‌ی تحقیقات آقای دکتر محمد مکری در اطراف "مذهب اهل حق" است.

مذهب "اهل حق" یکی از جریانات الحاد آمیز وابسته به تشیع است و مجموعه ایست از عقاید خاص مذهبی که با سنت‌های دینی پیش از اسلام و افکار فرقه‌ی "غلاده" (کسانی که به مقام خدائی علی امام اول معتقد بودند) پس از اسلام، پژوهه بدان شکلی که در پیش باختن ایران مرسوم بوده، در اینجا خته است. "اهل حق" دین خود را اسرائیل‌نگاه میدارند و معتقدند که آداب و احکام انرا علی به سلمان (یکی از صحابه‌ی نزدیک محمد و خود او) آموخته و سپس بواسیله‌ی سلمان سینه به سینه بیارانش منتقل شده است.

در قرن یازدهم میلادی مردی بنام "مارک شاه" ملقب به "شاه خوشین" که اورا "ظاهر الله" میدانسته اند در میان ایلات لر ظهور کرد. معتقدان او برازن بودند که او نیز مانند مسیح از مادر ری بکر بنام "ماما جلاله" متولد شده است. شاه خوشین "ائین اهل حق" را در میان مردم لرستان شایع کرد. پس از شاه خوشین در میان طرفداران مذهب اهل حق اختلافاتی روی مید هدتا در قرن چهاردهم مصلح دیگری بنام "سلطان سهیل" در زواج کرد ستان پدید میشود. وی موفق میشود فرق "مذهب اهل حق" را متحد کند و آداب و رسوم (رتوال) این مذهب را بسط دهد و تکمیل نماید. بعد ها این اهل حق در سعاد و آذربایجان نیز رخنه کرد. اکنون نواحی مغرب ایران (کرمانشاه، قصرشیرین، کرد، زهاب، ماهیدشت وغیره) از مراکز انتشار این دین است و افراد ایل "گوران" و اغلب افراد ایل "سنچابی" و نیز عده‌ی کثیری از افراد ایلات "کلهر" و "زنگنه" و "گندله" و "جلاله وند" و "عنانه وند" پیرو مذهب "اهل حق" هستند.

در ایالات دیگر ایران مانند لرستان، فارسی، آذربایجان، قزوین و تهران نیز عده‌ای از پیرهای اهل حق وجود دارند. طرفداران اهل حق در کشورهای عراق و ترکیه نیز هستند. اکثر اثارات اهل حق به زبان کردی گویانی و لهجه‌ی "ماچو ماجو" و "رازانی" که از لهجه‌های قدیم کردی است نوشته شده است.

خواندن لهجه‌ی متربوک گویانی و کشف اشارات و تلهمحات متون آن کار ساده‌ای نبوده. دکتر محمد مکری مدت بیست سال است باین‌دباراشتغال دارد و بد عنوان تردید وی پژوهشگران کارشناس ادبیات سریوط به "اهل حق" است. موافق تحقیقات دکتر محمد مکری عوامل اجتماعی بسیاری در پیدایش عقاید خاص اهل حق مو"ثربوده است. تناقضات طبیعی و تناقضات اجتماعی (بیویزه مازرات توده‌ها) ای مردم علیه سنتگران) در پیروز چهره‌های "سرداران نورانی" و "سرداران ظلمانی" در عقاید "اهل حق" اثربخشیده است. این تضاد پیویزه بصورت تضاد علی از سوی بعنوان "ظاهر حقیقت" و "معاریه" و پیزد و یارانشان از سوی دیگر بعنوان مظاہر ستم و شقاوت تجلی میکند. در هر دو ره این تضاد بشکلی خاص نموده ارمیشود. در حقیقت "سید وری" موجب میشود که "هزارو یک مظہر" در "هزارو یک جامه" بصورت نایاندگان پیکار نور و ظلمت بوجود می‌آیند.

اثار دکتر محمد مکری در باره‌ی "اهل حق" متعدد است. از طرفی برای نخستین بار "شاھنامه حقیقت" اثر حاجی نعمت‌الله چیخون آبادی مکری (متخلص به مجرم) (بامقدمه بفارسی و فرانسه) با یاد آشتبای فعلی و تفسیر نکات دشوار چاپ شده است. "شاھنامه حقیقت" دیواعظ تاریخ منظوم پزگان اهل حق است. کتاب دیگر "داستان بیژن و منیزه" است که دکتر مکری از این در سال ۱۹۱۶ چاپ کرده است. داستان بیژن و منیزه از داستانهای ملی ایران است که موافق روایات قدیم مناطق کردنشین بزیان گویانی نوشته شده است. دکتر مکری متن تصحیح شده‌ی این منظومه را با مقدمه‌های بینان فارسی و فرانسه نشزاده و یادداشت‌های فیلولوژیک جالبی بدان افزوده است. این کتاب را "مرکز تنبیمات علمی وزارت فرهنگ فرانسه" نشرداده است.

اثر دیگر جالب دکتر مکری در باره‌ی "فرقه اهل حق" "راز مکو و سنگ سیاه در سنت لرهاو کردان اهل حق" نام دارد. در این کتاب متن گویانی که از متون مذهبی و مقدمه اهل حق است با ترجمه‌ی آن بینان فرانسه و تفاسیر و یادداشت‌های گرامی و زبان شناسی برای فرهنگ گویانی در پاریس در سال ۱۹۶۸ نشر یافته است. این اثر ابتدا در مجله‌ی آسیائی پاریس در سپتامبر ۱۹۶۲ نشر یافته و سپس بناهای توصیه‌ی پروفسور منورسکی جد اگانه بطبع رسیده است.

در مقدمه‌ی جالبی که دکتر مکری بینان فرانسه برای اثربوشه است مسئله‌ی "راز مکو" و "سنگ سیاه" را توضیح میدهد. نایاندگان حقیقت که دارندگان راز مکو "اهل السر" نام دارند در میان مردم پراکنده اند و آنها باید راز خود را در باره‌ی مقام خدائی علی و ربیه‌ی ویژه‌ی سلطان پارسی (پهربینی‌امن) که از تختیین فرشتلگان الهی است بر نااهل فاش نکنند (زیرا ممکن است به کفر متهم شوند و مورد آزار قرار گیرند). در مورد سنگ سیاه یا "حجرالاسود" (که همان سنگ کعبه است) نیز اسطوره‌ی شنگی در زند "اهل حق" وجود دارد. بعیده‌ی آنها این سنگی است که بر آن "میشاق" یعنی عهد نامه‌ی اولیه بین خدا و پیشوونده شده است. این سنگ مدت‌ها در خراسان بود و سپس وقتی ابراهیم پیغمبر کعبه را بنیاد نهاد، این سنگ از خراسان به حجاز آمد و ابراهیم از راه رمح کعبه نصب کرد. اکنون نیز بالمن این سنگ شخص بیاد می‌شانی افتاده بین او و خدا است.

دکتر مکری بات‌خطیل علی، جنبه‌های میستیک و تفسیرهای باطنی اسرارآمیز (از وتریک) نظرسنجیات و عقاید اهل حق را، در این مقدمه نشان میدهد.

از آن گذشته دکتر مکری برای "انسیکلوپدی موسیقی" که در پاریس چاپ شده است تحریت

عنوان "موسیقی کردان اهل حق" مقاله‌ای نوشته است.

صرف‌نظر از تحقیقات مربوط به "اهل حق" ، دکتر مکری در زمینه‌ی کرد شناسی بطور اعم آثاری دارد مانند "ازدواج در زندگانی" (فرانسه) ، "اجاق کرد" (فرانسه) ، "امستان در فوکلور کرد" (فرانسه) ، "بادهای کردستان" (فرانسه) ، "کرد شناسی و تعلیم زبان کردی در اتحاد شوروی" (فرانسه) وغیره وغیره . تعداد این آثار بیش از ۲۰ بالغ می‌شود که از جمله در "مجله آسیائی" ، "مجله انتسونگرافی" ، "مجله بررسیهای ارمنی" وغیره در فرانسه چاپ شده است (۱).

آثار دیگر دکتر مکری در زمینه‌های عمومی زبان و ادب شناسی عبارتست از "فرهنگ تفسیری زبان فارسی" ، ترجمه‌ی دو متن پهلوی ("اندیز خسرو کواتان" و "پوشش فریان") ، "نمونه‌های نظم و نثر زبان فارسی" ، "صوفیگری و موسیقی" (فرانسه) ، "صید ماہی در خلیج فارس" (فرانسه) "مراسم مازیک در ایجاد چهارشنبه سوری" (فرانسه) وغیره که برخی از آنها از جانب خود مولف و برخی از طرف دانشگاه تهران وبرخی در نشریات پژوهشی علمی فرانسه بطبع رسیده است .
بررسی کوتاه ماقرئعاتیت علمی پژوهش و جالب دکتر محمد مکری نشان میدهد که این دانشمندان مترجم ایرانی برای خدمت به مردم کشور خود ایران و خلقی که از میان آنها برخاسته ، یعنی خلق کرد فعالیت فراوانی کرده است . ماموقعت بیشتر این دانشمندان ایرانی را خواستاریم .

(۱) اخیراً بسیاری از مقالات نایبرده در این متن و برخی مقالات دیگر در سه جلد تحت عنوان "پژوهشها و ریزه‌یابیهای علمی - تحقیقات مربوط به زبان ، تاریخ ، مذهب ، لهجه ها ، طایفه ها و فرهنگ عامه ای ایران که در سالهای ۱۳۳۶ - ۱۳۴۲ ه . ش . در مجلات آسیائی نشر یافته است " از طرف کتابفروشی کلینکسیک در پاریس (۱۳۴۸) منتشر شده است . آقای دکتر مکری وعده میدهد که جلد چهارمین مجموعه (متضمن مطالب زبانشناسی و لهجه شناسی ایرانی و فرهنگ عامه و تحلیلات جامعه شناسی تاریخی و برخی نویافته های وی در زبانهای سعدی و پهلوی و علامی) نیز نشر خواهد یافت .

برخی مفاهیم و اصطلاحات

بنابه پیشنهاد برخی از خوانندگان - "دنیا" تصمیم گرفته است که از این پس در هر شماره‌ی مجله تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات سیاسی، اقتصادی و فلسفی را به زبان فارسی و معادلهای روسی و انگلیسی و آلمانی آن انتشار دهد.

بدینهی است که این کوشش اولیه نمیتواند خالی از نقش باشد. بدینجهت "دنیا" از اهل فن و همه‌ی خوانندگان سپاسگزار خواهد بود که با تذکرات خود در تکمیل آن بپاکمل کنند.

پس از انتشار بخش اول این لغات و اصطلاحات برخی از خوانندگان مجله‌ی دنیانامه‌های نگاشتنده و ضمن آن هم مارا به ادامه‌ی این کاری‌شویق کردند و هم انتقاد اتی وارد ساختند که مامیکوشیم آن نکاتی را در این

انتقادات که وارد میدانیم مورد توجه قراردهیم.

ما از این خوانندگان ارجمند بمناسبت توجه آنها

بدینوسیله تشکرمیکنیم.
"دنیا"

فارسي

наследственность	ارث
натуральное хозяйство	اقتصاد طبیعی
абстракция	انتزاع
зрение	باصره
общий кризис	بحران عمومي
наёмное рабство	بردگی مزد وری
нейтральность материи	بی پایانی ماده (اصطلاح لنین)
научное предвидение	پیش بینی علمی (پیشگوی)
обобщение	تعجم
производство	تولید (فرا آرش - فرا آورد ن)
общество ведение	جامعه شناسی
насилие	جیر (اعمال قهر، اعمال جیر)
необходимое и случайное	جیر و اختیار
национально-освободительное	جنیش رهائی بخش ملی (یاجنبیش)
движение	نجات بخش ملی)
справедливая и несправедливая война	جنگ عاد لانه و ظالمانه
догадка	حدس
чувство нового	حس توپابی
аналогическое суждение	حکم تحلیلی (در منطق)
автономия	خود مختاری (خود فرمانی)
народ	خلق
прав	خلق (خوبی)
добро и зло	خیر و شر
внешнее и внутреннее	در رونی و بر رونی (ظاهری و باطنی)
народная демократия	demokrasi توده ای
критический реализм	realismus انتقادی (دراد بیات)
нейкапиталистическая путь развития	راه رشد غیر سرمایه داری
неравномерное развитие капитализма	رشد ناموزون سرمایه داری
конституционная монархия	سلطنت مشروطه
неограниченная монархия	سلطنت مطلقه
кооперативное общество	شرکت تعاوونی
компьютор	شمارگر (ماشین محاسباتی الکترونیک)
бунт	شورش
историзм	شیوه ای تاریخی (اسلوب تاریخی)

انگلیسی

heritage
natural economy
abstraction
eyesight, vision
general crisis
wage-slavery
infinity of the matter
scientific prediction
generalisation
production
sociology
force
necessity and freedom
national liberation movement

just and unjust war
guess
sense for the new
analytic judgment
autonomy
people
temper
good and evil
internal(interior) and external
(exterior)
people's republic
critical realism
non-capitalist road of development
uneven development of capitalism

constitutional monarchy
absolute monarchy
cooperative
computer
rebellion, revolt
historical method

الاتری

Erbe
Naturalwirtschaft
Abstraktion
Augenlicht, Sehkraft
allgemeine Krise
Lohnsklaverei
Unendlichkeit der Materie
wissenschaftliche Voraus-
sage
Verallgemeinerung
Produktion
Soziologie
Gewalt
Notwendigkeit u. Freiheit
nationale Befreiungsbewe-
gung
gerechter u. ungerechter
Krieg
Vermutung
Sinn für das Neue
analytisches Urteil
Autonomie
Volk
Gemüt
Gute und Böse
das Innere(innerlich) u.
das Äußere(äußerlich)
Volksrepublik
kritischer Realismus
nichtkapitalistischer
Entwicklungswege
ungleichmäßige Entwick-
lung des Kapitalismus
konstitutionelle Monarchie
absolute Monarchie
Genossenschaft
elektronische Datenver-
arbeitung
Rebellion, Revolte
Historismus

فارسي

روسي

диалектический и метафизический метод
мышление

شیوه‌ی تفکر دالکتیک و متافیزیک

малая посылка

صغری (مقدمه‌ی غیر عدد در حکم منطقی)

необходимость и случайность

ضرورت و تصادف

причина и следствие

علت و معلول

наука

علم (دانش)

научество

علمیت

объективный и субъективный

عینی و ذهنی (درون ذاتی و بیرون ذاتی)

культура

فرهنگ

основной закон

قانون اساسی

восстание

قام

наёмный труд

کار مزد وری

действие и противодействие

کنش و واکنش (فعل و انفعال)

культ

کیش (در مذہب)

культ личности

کیش شخصیت (شخص پرستی)

космическое пространство

کیهان (عالم)

космология

کیهان شناسی

космонавт

کیهان نورد (فضانورد)

матриархат

مادرسالاری (مادر شاهی)

собственность

مالکیت

личная и частная собственность

مالکیت خصوصی و مالکیت شخصی

наивный материализм

ماتریالیسم ساده لوحانه

национальный вопрос

مسئله‌ی ملی

потребление

صرف (گسارش - گساریدن)

содержание

مضمون (محتوی)

абсолютизация

مطلق کردن (یک جهت بزیان جهت دیگر)

достоверное знание

معرفت موثق (معرفت معتبر)

понятие

مفهوم (دریافت)

критерий истинности

ملک حقیقت (در تئوری شناخت)

нация

ملت

логика

منطق

математическая логика

منطق ریاضی

формальная логика

منطق صوری

картина мира

منظره‌ی جهان (تصور کلی از حرکت ماده‌ی

جاذدار و بیجان)

мировой порядок

نظام عالم (نظام جهان)

انگلیسی

العَمَانِي

dialectical and methaphysical method of thinking	dialektische und methaphysische Methode des Denkens
premise	Prämisse
necessity and accident	Notwendigkeit und Zufall
cause and effect	Ursache und Wirkung
science	Wissenschaft
scientific character	Wissenschaftlichkeit
objective and subjective	objektiv und subjektiv
culture	Kultur
constitution	Verfassung
uprising	Aufstand
wage-labour	Lohnarbeit
action and reaction	Aktion und Reaktion
cult	Kult
cult of personality	Kult der Persönlichkeit
cosmos	Kosmos
cosmology	Kosmologie
cosmonaut	Kosmonaut
matriarchal	Matriarchat
property, ownership	Eigentum
private and personal property (ownership)	Privateigentum und persönlicher Eigentum
naïve materialism	naiver Materialismus
national question	nationale Frage
consumption	Konsumtion
content	Inhalt
(to) abstract	abstrahieren
valid cognition	gültige Erkenntnis
concept	Begriff
criteria of the truth	Kriterium der Wahrheit
nation	Nation
logic	Logik
mathematical logic	mathematische Logik
formal logic	formale Logik
world picture	Weltbild
world order	Weltordnung

فارسی

روسی

народонаселение
новое и старое
общественные производительные силы
объективная действительность

نفوس (اهمی، باشندگان)
نو و کهن
نیروهای مولده ای اجتماعی
واقعیت عینی

ترازدی "فرار مغزها"

یک از وسائل بهره کشی امپرالیسم امریکا ایجاد شرایط "فرار مغزها" (Brain Drain) از کشورهای رشد یافته و رشد یابند به امریکاست. در این زمینه، بوزیر آنچه که مربوط به وطن ما ایران است فاکت های زیرین که منابع امریکائی از آن خبر مید هند (منابع عیندار رزیزو پس ذکر شده است)، واقعاً بحث انگیز است:

- ۱) در امریکا تعداد مهندسین ایرانی (ونیز تایوانی و کره جنوبی) از تعداد مهندسین کشور را زدگاه بیشتر است! (۱)
- ۲) از ۳۰ تا ۵۰٪ فارغ تحصیلان دانشکده های پزشکی ایران ترک، فیلیپین، کره ای جنوبی و غیره به امریکا مهاجرت میکنند. (۲)
- ۳) تنها در شهر نیو یورک تعداد پزشکان ایرانی تحصیل کرد و امریکا از تمام ایران بیشتر است! (۳)

A. Maddison, The Contribution of Foreign (۱)
بقیه در صفحه ای بعد

انگلیسی

المانی

population
new and old
social productive forces
objective reality

Bevölkerung
neu und alt
gesellschaftliche Produktiv-
kräfte
objektive Wirklichkeit

باقیه ای زیرنویس صفحه ای قبل :

Skill. Training and Technical Assistance
to Economic Developement. OECD Developement
Centre Studies. No. 3 (Paris, 1965),
p. 70

G. Henderson. Foreign Students : (۱)
Exchange of Immigration ; "International
Developement Review" December 1964.

L. I. Zimmermann. The Demand of (۲)
Intellectual Manpower in Developing Coun-
try for the Next Twenty Years. OECD, An-
nual Meeting 1966, p. 5

فهرست دهساله «دُنیا»

فهرست زیرین که دهسال مجله‌ی "دُنیا" را (از سال ۱۳۲۹ تا آخر ۱۳۴۸) در بر میگیرد، برای تسهیل کارخوانندگان است. مجله‌ی دُنیا در پاکتن مطالعی است که مورد علاقه‌ی آنهاست. این فهرست نشان میدهد که در اطراف موضوعات ذکر شده طی ده سال در مجله مطالع فراوانی نشر یافته است که مطالعه و جمع به آنها میتواند منبع سودمندی برای خوانندگان و دارندگان مجله باشد.

"دُنیا"

۱) ایدئولوژی، سیاست و خط مشی حزب توده ایران

عنوان	سال	شماره	صفحه
آنچه کو نیعم در ایران.	سوم (۱۳۴۱)	۲	۲۶
از درواه تکامل اقتصادی کدامیک را باید برگزیند؟	پنجم (۱۳۴۳)	۳	۲۱
اسلام و نهضت رهائی بخش میهن ما	ششم (۱۳۴۴)	۲	۲۰
انتربن سیونالیسم پرولتاری و میهن پرستی حزب ما	اول (۱۳۲۹)	۲	۷۶
انعکاس اندیشه‌های کنگره هفتکمینتن در فعالیت حزب	ششم (۱۳۴۴)	۳	۹
طبقه‌ی کارگر ایران	هشتم (۱۳۴۶)	۱	۵
انقلاب اکبر و جنبش رهائی بخش میهن ما	سوم (۱۳۴۱)	۳	۳
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و جنبش رهائی بخش مردم ایران	هشتم (۱۳۴۶)	۲	۲۴
بدون یک سیاست واقعاً انقلابی حق انقلاب غیرممکن است	هفتم (۱۳۴۵)	۴	۱۸
برخی از مسائل ایدئولوژیک مربوط به اپوزیسیون متقدم ایران	ششم (۱۳۴۴)	۲	۱۰
برخی جواب رشد و تکامل اقتصاد ایران در پرتو تعالیٰ	هشتم (۱۳۴۶)	۳	۴
"کاپیتان" مارکس			

صفحه	شماره °	سال	عنوان
۱۲	۲	(۱۳۴۵) هفتم	برخی مسائل مربوط به انقلاب ملی و دموکراتیک در کشورها بمناسبت پنجاه‌مین سالگذشت انقلاب کیپراکتیر (جريدة سعینار علی سوم)
۱۱۳	۳	(۱۳۴۶) هشتم	بیست و پنجم سال مبارزه‌ی پرافتخار
۲	۲	(۱۳۴۵) هفتم	پنج آماج، صلح، استقلال، دموکراسی، ترقی، رفاه
۳	۴	(۱۳۴۴) ششم	" توفان " در شوره زار / درباره رسالت " روینو فیض در تشوری و درصل /
۳	۴	(۱۳۴۷) نهم	چرامباره در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک عدد ترین وظیفه‌ی کنونی است ؟
۳	۴	(۱۳۴۵) هفتم	چگونه مارکسیسم‌های " واقعی " مارکسیسم را تحریف میکنند (در رباره‌ی جزوی " موبایل دموکرانسی سازمان انقلابی حزب توده‌ی ایران در خارج کشور)
۱۲	۱	(۱۳۴۵) هفتم	حزب توده‌ی ایران - حزب طراز نوین طبقه‌ی کارگر
۰	۲	(۱۳۴۰) دوم	حزب توده‌ی ایران در مبارزه برای تشکیل جمهه‌ی واحد ملی و دموکراتیک (صفحه ای چند از تاریخ حزب ما)
۶	۳	(۱۳۴۳) پنجم	حزب توده‌ی ایران و جیشه‌ی واحد ملی
۴	۴	(۱۳۴۰) دوم	حزب توده‌ی ایران و جنبش دهستانی رساله‌ای ۳۲۰-۳۲۲
۱۱	۳	(۱۳۴۲) چهارم	حزب توده‌ی ایران و مسئله‌ی اصولیت در دفاع از ملت‌میهن سیاسی هفتم
۴۲	۴	(۱۳۴۵) هفتم	حزب توده‌ی ایران یک ضرورت تاریخی میهن ما، سخنی چند با دوسستان جمهه‌ی ملی
۳۱	۱	(۱۳۴۰) دوم	حزب ما و مسئله‌ی بهبود مناسبات دولت ایران و اتحاد جهانی شوروی
۳	۴	(۱۳۴۲) چهارم	حکومت یک حزبی یا چند حزبی
۳۸	۳	(۱۳۴۴) ششم	حوالات اخیر کشور مالزی اتحاد کلیه‌ی نیروهای میهن پرست را هرچه بیرون مطرح می‌سازد
۳	۱	(۱۳۴۰) دوم	در رباره‌ی نهضت ۲۱ آذر
۹	۴	(۱۳۴۴) ششم	در رباره‌ی " پاره‌ای انتظارات عمومی جمهه‌ی ملی ایران "
۲۱	۴	(۱۳۴۲) چهارم	در رباره‌ی وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه‌ی کارگر ایران
۰	۳	(۱۳۳۹) اول	در راه استقرار یک حکومت ملی
۲۰	۴	(۱۳۴۴) ششم	در زیر پرچم حزب توده‌ی ایران، در افشا کتاب " تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده‌ی ایران "
۹	۲	(۱۳۴۰) دوم	در زیر نقاب سوسیالیسم
۷	۱	(۱۳۴۰) دوم	د و برخورد متضاد به کشورهای در حال رشد
۸۰	۱	(۱۳۴۵) هفتم	د وست بزرگ میهن ما، بمناسبت نود مین سال میلاد ولاد یمیر ایلیچ لنین
۱۰	۱	(۱۳۳۹) اول	رستاخیز دنیا
۱	۱	(۱۳۳۹) اول	

صفحه	شماره	سال	عنوان
۷	۱	(۱۳۴۵)	رiform پا انقلاب ؟
۵۸	۳	(۱۳۲۹)	روشنگران از ترویج طبقه ی کارگر
۳	۲	(۱۳۴۲)	شاه چه میخواهد و ما چه میخواهیم
۳۸	۲	(۱۳۳۹)	شاہنشاهی پا جمهوری
۲۸	۲	(۱۳۴۷)	فقر و انقلاب
۳	۱	(۱۳۴۷)	کارل مارکس و برخی مسائل تاریخ و جامعه ای ایران
۱۰۱	۲۱	(۱۳۴۲)	کارل مارکس و نظری آموزشی، بمناسبت ۱۴۵ سالگی تولد کارل مارکس
۸۸	۲	(۱۳۴۶)	گزارش درباره ای سمینارهای علمی بمناسبت پنجماهیمن سالگذشت انقلاب کبیر اکتبر
۳	۱	(۱۳۴۴)	گفتگوی پانوهمند گان " مجله سوسیالیسم " ارگان " جامعه سوسیالیستهای ایرانی در اروپا "
۲۸	۳	(۱۳۴۸)	لنین و ضرورت مبارزه در راه هدفهای میر
۲۱	۲	(۱۳۴۴)	مارکسیسم و ترویج مارکسیسم
۲۴	۲	(۱۳۴۰)	" ماموریت " شاه و " رسالت " خلیل ملکی
۱	۲	(۱۳۳۹)	مبانی طبی شعار جمهوری واحد نیروهای ملی و دموکراتیک
۳	۳	(۱۳۴۴)	بعتابه خط مشی اساسی حزب توده ای ایران
۱۴	۱	(۱۳۴۱)	مسائل جهان و ایران
۷۱	۳	(۱۳۴۶)	ملی کیست ؟
۹	۱	(۱۳۴۶)	منشاء طبقاتی و معرفتی چپ روی درآپوزیسیون ضد رژیم هشتم
۱۹	۴	(۱۳۴۴)	نیروهای اپوزیسیون، جبهه ای متحد ملی و جزب توده ای ایران هشتم
۹۷	۱	(۱۳۴۶)	و حدت یا افتراق ؟
۲	۱	(۱۳۴۳)	وظایف مترقب ترین دانشجویان در خارج از کشور
۳۵	۱	(۱۳۴۸)	وضع کنونی ایران و وظایف میر ما
۷	۳	(۱۳۳۹)	یک سالگرد سترگ (بمناسبت پنجماهیمن سال تشکیل کمیته‌نامه دهم
۱۷	۳	(۱۳۴۶)	یک گام مهم در راه روش ساختن خط مشی و تجهیز اید ئولو -
۱۰۲	۱	(۱۳۴۵)	ژئک حزب، درباره اسناد مصوبه پلنوم هفتم
۵۶	۱	(۱۳۴۴)	(وسيع) کمیته‌ی مرکزی حزب توده ای ایران
۹	۲ او	(۱۳۴۲)	۱) وضع اجتماعی و سیاسی ایران
۱۷	۴	(۱۳۴۶)	۲) از زیبایی یک کتاب / درباره کتاب شاه " انقلاب مفید " / هشتم
۳۹	۳	(۱۳۳۹)	اسناد و فاکتهای دیراره نفوذ ناظمی و سیاسی امریکا در ایران هفتم
۴	۴	(۱۳۲۹)	اصلاح ارضی تو استعماری و اصلاح ارضی دموکراتیک
۱۷	۴	(۱۳۴۶)	اصلاحات ارضی دیراره
۳۹	۳	(۱۳۳۹)	اصلاحات ارضی و سیاست اقتصادی دولت در کشاورزی
۴	۴	(۱۳۲۹)	انتخابات دیراره بیست و پیهان رئیم کودتا
			اوپرای اخیر کشور و وظایف ما

صفحه	شماره	سال	عنوان
۷۶	۲	ششم (۱۳۴۴)	پیرامون لایحه استخدام کشوری
۳	۲	سوم (۱۳۴۱)	تبیت ارتجاعی یاتحول انقلابی؟
۸۷	۲و۱	چهارم (۱۳۴۲)	جنیش مفرق زنان
۴۳	۳	هفتم (۱۳۴۵)	چشم اندازی اصلاحات ارضی در ایران
۳۶	۲	پنجم (۱۳۴۳)	چهره واقعی اصلاحات ارضی شاه خانواده هایی که در ایران حکومت میکنند و مواضع اقتصادی آنان
۲۲	۳	دهم (۱۳۴۸)	در باره انتخاباتی که انجام گرفت
۷۹	۳	هشتم (۱۳۴۶)	در باره سیاست باصلاح مستقل ملی
۳	۳	هفتم (۱۳۴۵)	در باره مناسبات کنونی ایران و شوروی و عمل واقعی بحران آن
۲۰	۲	اول (۱۳۲۹)	در باره وضع آموزش در ایران
۶۶	۴	هفتم (۱۳۴۵)	در مرکزی خاورمیانه حکومت کودتا در سراسر خیانت
۵۱	۱	پنجم (۱۳۴۲)	تازه است
۴	۴	سوم (۱۳۴۱)	در میان مانچه میگذرد
۳۶	۱	ششم (۱۳۴۴)	دستگاه اداری کشورها
۵۰	۳	ششم (۱۳۴۴)	زندگی و مجازی طبقه کارگر ایران پس از کودتای مرداد ۱۳۲۲
۷۸	۴	نهم (۱۳۴۷)	سخنی چند در باره "شرکتهای سهامی زراعی"
۱۱۲	۱	اول (۱۳۲۹)	سیاست خارجی ایران و مسئله پیطرغی مثبت
۶۷	۱	اول (۱۳۲۹)	سیاست دولت کنونی ایران در باره حل مسئله ارضی
۵۶	۱	هشتم (۱۳۴۶)	سیر تکوین سیاست فرهنگی رژیم
۱۹	۳	ششم (۱۳۴۴)	شاه و چهره هایش
۲۲	۲	ششم (۱۳۴۴)	شه ای از تاریخ ارتش ایران و مبارزات دموکراتیک درویان آن
۶۶	۲	دوم (۱۳۴۰)	شه ای در باره جنبش و وضع کارگران ایران
۲۰	۳	سوم (۱۳۴۱)	قانون اساسی و سلطنت پهلوی
۷۵	۲	دهم (۱۳۴۸)	قوانین جزائی ایران افزایی در دست هیئت حکمه و امپریالیسم
۶۷	۳	هفتم (۱۳۴۵)	کارشناسان و سازمانهای دولتی امیرکار ایران
۹۸	۲	سوم (۱۳۴۱)	کنسرسیون نفت یکی از شکلهای استعمال معاصر است
۱۰	۴	دوم (۱۳۴۰)	لایحه خرید و فروش اراضی و نتایج آن
۱۰	۲	سوم (۱۳۴۱)	ماهیت امپریالیستی کودتا ۲۸ مرداد و مد ارکی چند در راین زمینه
۶۶	۲	دوم (۱۳۴۰)	مبارزه حزب توده ای ایران در راه اصلاح ارضی مختصی در باره تاریخ تحول مالکیت ارضی و مناسبات

صفحه	شماره	سال	عنوان
۷۹	۳	اول (۱۳۳۹)	تولیدی در کشاورزی ایران
۶۱	۴	ششم (۱۳۴۴)	نظری به ارتشر ایران از دیدگاه جنبش آزاد پیشنهاد ملی
۷۳	۳	نهم (۱۳۴۷)	نظری بر تاریخ سازمان جوانان توده‌ی ایران
۸۵	۲	اول (۱۳۲۹)	نکاتی چند درباره‌ی پژوهش‌های رشد سرمایه‌داری در ایران
۲۱	۴	سوم (۱۳۴۱)	واقعیاتی درباره‌ی ترکیب طبقاتی جامعی ایران
۳۷	۴	هشتم (۱۳۴۶)	وضع اقتصادی زحمتکشان ایران
۴۴	۴	ششم (۱۳۴۴)	یاسای جهنه‌ی است نه قانون دادگری
۳	۱	سوم (۱۳۴۱)	پیک‌سال حکومت دکتر امینی

(۳) وضع اقتصادی ایران

۱۹	۱	اول (۱۳۲۹)	آزادی بازارگانی و سیاست در راهی باز
۸۹	۴	سوم (۱۳۴۱)	امار بازارگانی خارجی و راه و راه آهن
۱۱۰	۲	سوم (۱۳۴۱)	آمار صنایع و معدن
۲۰	۳	ششم (۱۳۴۴)	آهنگ رشد و راه رشد
۵۸	۲	نهم (۱۳۴۷)	آهنگ و سطح رشد اقتصادی ایران
۸	۳	هفتم (۱۳۴۵)	ارزیابی برخی جوانب رشد اقتصادی ایران پس از کودتا
۴۲	۳	دهم (۱۳۴۸)	از اقتصاد جنسی تا اقتصاد کالائی در ایران اوجاد صنایع سنتی شرط اساسی تأمین استقلال
۷۷	۳	اول (۱۳۳۹)	اقداماتی کشور است
۷۶	۲	سوم (۱۳۴۱)	ایران - کشوروابسته
۴۹	۳	چهارم (۱۳۴۲)	ایران و کشورهای عضو بازار مشترک
۷۸	۱	نهم (۱۳۴۷)	برخی مشخصات رشد صنایع در ایران
۷۳	۱	سوم (۱۳۴۱)	برنامه "ثبتت اقتصادی" دولت و نتایج آن
۵۶	۲	سوم (۱۳۴۱)	برنامه هفت ساله کشور عزل ناکامی آن
۴۰	۱	اول (۱۳۳۹)	پایگاههای اقتصادی امیریالیس در ایران پیدا شن سرمایه‌ی بزرگ با نکی و صنعتی پکی از ثمرات عده‌ی
۶۹	۱	دهم (۱۳۴۸)	سیاست اقتصادی دولتی داری رفرم
۶۱	۳	دوم (۱۳۴۰)	ترازدی ذوب آهن
۳۷	۲	هفتم (۱۳۴۵)	حقایقی درباره‌ی نفوذ اقتصادی امرکاد را برا
۶۵	۱	دوم (۱۳۴۰)	درآمد ملی و سطح زندگی
۲۴	۱	ششم (۱۳۴۴)	درباره‌ی اوپک و نقش ایران
۴۶	۴	دوم (۱۳۴۲)	درباره‌ی یانکهای خارجی در ایران پس از کودتای آمراد اچ‌بی‌ام
۵۶	۳	نهم (۱۳۴۷)	درباره‌ی برخی ازم‌عضلات اشتغال در ایران
۴۱	۱	دهم (۱۳۴۸)	درباره‌ی بعضی ازم‌عضلات اقتصاد کشاورزی ایران

عنوان	سال	شماره	صفحه
دربارهی روابط اقتصادی و فنی ایران با کشورهای سوسیالیستی هشتم (۱۳۴۶)	(۱۳۴۶)	۴	۰
دربارهی سرمایه‌ی مختلط در ایران	(۱۳۴۴)	۲	۴۸
دربارهی قرضه‌ی امپریالیستی در ایران	(۱۳۴۱)	۴	۱۱
دربارهی "کله" امریکا به ایران	(۱۳۴۲)	۲۱	۴۰
دو سیاست متضاد در بازارگانی خارجی ایران	(۱۳۴۳)	۲	۷
راه رشد اقتصادی ما زکد امین سو است؟	(۱۳۴۲)	۲۱	۳
سیاست نفتی دولت و نظر حزب ما	(۱۳۴۶)	۱	۲۳
علل انحطاط صنعت قالی‌بافی و تابا شیر آن در اقتصادیات			
کشور و زندگی زحمتکشان			۷۵
فروش کارخانه‌های دولتی بین‌زان رشد اقتصادی ایرانست			۱۳
کشور امکانات شکرف (درباره‌ی منابع نفت ایران)			۶۰
کنسرسیوم بین‌المللی نفت عدد ترین اهرم تسلط			
استعمار نوین در ایران			۸۲
لزوم احداث صنایع پتروشیمی و سیاست رژیم کودتا			۹۰
و رفع فعلی صنایع نفت			۳۰
مبانی تئوریک برنامه‌گذاری و "برنامه‌گذاری" در ایران			۴۶
مختصات آماری کشاورزی ایران			۱۰۴
مختصات عمومی آماری میهن ما			۹۱
مسئله‌ی صنعتی کردن راه صنعتی کردن کشور ما			۳۲
نکاتی چند در پیرامون درآمد ملی، توزیع و استفاده‌ی			
نهایی از آن در ایران			۵۲

۴) درباره‌ی خط مشی نهضت جهانی کمونیستی

اسناد و مدارک فاش میکنند. چگونه رهبران چین از مشی			
متوافق جنبش جهانی کمونیستی دور شدند			۱۹
انسانی "احیا" سرمایه‌داری در اتحاد شوروی			۲۴
انسانی "هکاری شوروی و امریکا برای تسلط بر جهان"			۶۹
امکان انقلاب سوسیالیستی مسالمت امیز در یک سلسله			
از کشورهای سرمایه‌داری			۲۷
انتربنیونالیسم و استقلال احزاب			۹۴
"انقلاب فرهنگی" یا کودتای ضد انقلابی			۵۸
تروتکسیسم معاصر			۶۷
تسريع مشاوره‌ی احزاب برای رعمنظور تحریم و حدت در			

عنوان	سال	شماره صفحه
جنیش بین المللی کمونیستی و کارگری تصویحات اعلامیه ای احزاب برادر درباره : وظایف احزاب	۱۳۴۳	۲ (۱۳۴۳)
کمونیستی و کارگری در دوران کنونی	۱۳۲۹	۴ (۱۳۲۹)
جنگ و صلح مهترین مستله ای دوران ما	۱۳۲۹	۴ (۱۳۲۹)
درباره‌ی پرسنل حاد جنیش کارگری بین المللی	۱۳۴۲	۲۱ (۱۳۴۲)
درباره‌ی پرسنل مرسوط به تئوری و پراتیک جنیش جهانی کارگری	۱۳۴۲	۳ (۱۳۴۲)
درباره‌ی بعضی خصوصیات دوران معاصر	۱۳۲۹	۳ (۱۳۲۹)
درباره‌ی دوراه شد	۱۳۴۱	۱ (۱۳۴۱)
درباره‌ی کیش شخصیت استالین و موضع حزب تود ڈایران	۱۳۴۲	۱ (۱۳۴۲)
درباره‌ی کیش شخصیت و کیش شخصیت استالین	۱۳۴۰	۴ (۱۳۴۰)
دولتها دموکراسی ملی، سیاست داخلی و خارجی آنها	۱۳۲۹	۴ (۱۳۲۹)
راه رشد غیرسرمایه داری و دولت دموکراسی ملی	۱۳۴۲	۴ (۱۳۴۲)
روزنیونیسم معاصر و خطوط اساسی آن	۱۳۲۹	۲ (۱۳۲۹)
سوسیالیسم علمی وايد ئولۇرى خىدە بۇزۇۋائى	۱۳۴۰	۲ (۱۳۴۰)
سوسیالیسم و دموکراسی	۱۳۴۷	۳ (۱۳۴۷)
شورش بنام انقلاب یا "انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاپائی چین"	۱۳۴۶	۳ (۱۳۴۶)
کونویستها و سوسیال دموکراتها	۱۳۴۴	۱ (۱۳۴۴)
کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری و مسائل	۱۳۴۸	۲ (۱۳۴۸)
جنیش رهائی ملی	۱۳۴۵	۲ (۱۳۴۵)
کیش شخصیت و انتقاد ازان	۱۳۴۶	۲ (۱۳۴۶)
لنینیسم پرچم اندیشه ای انقلاب اکابر مشی سیاسی - اقتصادی - اجتماعی گروه مائوتسه تونگ	۱۳۴۷	۲ (۱۳۴۷)
و طبقه‌ی کارگرچین	۱۳۴۶	۱ (۱۳۴۶)
نظری به وقایع چین، مارکسیسم و مائوئیسم	۱۳۴۵	۴ (۱۳۴۵)
نظری بوضع چین	۱۳۲۹	۱ (۱۳۲۹)
هزینه‌ی مسالمت آمیز - یک گرایش نو در سیاست جهانی	۱۳۴۳	۴ (۱۳۴۳)
یادداشت پالمیرو تولیاتی		

(۵) درباره تاریخ کمونیسم و حزب توده ایران

ازتاریخ حزب کمونیست ایران / ۱۳۴۷ - ۲۹ مین سال شهادتش /	۱۳۴۷	۴	۵۲
ازتاریخ حزب کمونیست ایران	۱۳۲۹	۲	۱۶
ازتاریخ حزب کمونیست ایران درباره کنگره دوم (کنگره ارومیه) اول	۱۳۲۹	۳	۵۱
ازتختستان کنگره‌ی حزب تاجنبش اذربایجان صفحاتی از تاریخ			

صفحه	شماره	سال	عنوان
۲۲	۴	نهم (۱۳۴۷)	حزب توده ای ایران - دو ران مبارزه ای علمی / استنادی از تاریخ حزب کمونیست ایران . سند اول : چرا "پکار" در آلمان توقیف شد . سند دوم : شماره فوق العاده راجع به انتخابات
۱۰۷	۴	پنجم (۱۳۴۳)	برخی تاریخهای مهم حیات حزبی
۹۶	۲	دوم (۱۳۴۰)	بمناسبت بیست و پنجمین سال درگذشت دکتر تقی ارانی
۲۰	۳	پنجم (۱۳۴۳)	بمناسبت گذشت چهل و پنج سال از تاریخ تأسیس حزب کمونیست ایران
۳	۲	ششم (۱۳۴۴)	بیاننامه و پیشنهادات حتمی الاجرام کمیته ایالتی خراسان ، فرقه اشتراکیون اکثریون ایران "عدالت"
۱۱۲	۱	سوم (۱۳۴۱)	پروگرام عملیات حزب کمونیست ایران معمولة کنگره ای دوم حزب کمونیست ایران
۱۱۵	۴	اول (۱۳۴۹)	پیرامون قدیمیترین سند چاپی از تاریخ سوسیالیسم رایران
۷۷	۲	دهم (۱۳۴۸)	پیرامون نخستین اشنازی ایرانیان با مارکسیسم
۱۰۰	۲	سوم (۱۳۴۱)	"پکار" چگونه توقف شد ، ورقه از تاریخ حزب کمونیست ایران چهره ای یک انقلابی که هنصال (بمناسبت ۸۵-۸۶ مین سال تولد
۱۰۴	۴	پنجم (۱۳۴۳)	میرزا محمد آخوندزاده)
۵۷	۴	نهم (۱۳۴۷)	خطاطرایی از حزب کمونیست ایران
۳۳	۱	سوم (۱۳۴۱)	خطاطرایی از حزب کمونیست ایران
۸۷	۴	سوم (۱۳۴۱)	خطاطرایی درباره فعالیت سازمان حزب کمونیست ایران در گلستان (۱۹۲۰ - ۱۹۲۷)
۸۰	۳	ششم (۱۳۴۴)	دکتر تقی ارانی - شعله ای که برآفروخت و خاموش شد ولی برای همیشه آتشی فروزان باقی گذاشت
۸۵	۳	دهم (۱۳۴۸)	دلی بظوفان سپرده / بمناسبت ده سالگی شهادت خسرو روزبه قهرمان ملی ایران /
۳۹	۲	چهارم (۱۳۴۲)	دو ران اولیمه نفوذ اندیشه های مارکسیستی در ایران
۱۲	۱	نهم (۱۳۴۷)	دستور نامه حزب سوسیال دموکراتی ایران
۴۷	۴	سوم (۱۳۴۱)	دکتر ارانی و مجله ای "دنیا" / خطاطرات /
۸۶	۴	سوم (۱۳۴۱)	سازمان حزب کمونیست ایران در تهران
۹	۴	دهم (۱۳۴۸)	خطاطرایی درباره فعالیت سازمان حزب کمونیست در تهران
۱۱۲	۳	هفتم (۱۳۴۵)	خلاصه ای صورت جلسه ای کنگره ای اول حزب کمونیست ایران
۱۰۷	۴	هشتم (۱۳۴۶)	درباره ای تشکیل حزب کمونیست ایران و کنگره ای اول آن استخراج از مجله "انترباسیونال کمونیستی"
۱۰۰	۲	نهم (۱۳۴۷)	درباره سوسیال دموکراسی انقلابی / گوشه ای از جنبش رهایی بخش کشورما /
۹۹	۲	نهم (۱۳۴۷)	
۳۶	۲	سوم (۱۳۴۱)	

عنوان	سال	صفحه	شماره
زندگی و فعالیت یکی از درخشانترین مردان انقلابی ایران / بمناسبت هشتاد و مین سال ولادت حیدر عوالي /	سوم (۱۳۴۱)	۴	۶۰
سازمان حزب کمو نیست ایران در خراسان سندی ناشناخته درباره حزب سوسیال دموکرات ایران (اجتماعیون عامیون)	ششم (۱۳۴۴)	۳	۷۶
شهه ای از تاریخچه دانشکاه کمو نیستی زحمتکشان شرق در مسکو (کوتو) مفهای از تاریخ حزب توده ایران، دوران مبارزات	هفتم (۱۳۴۵)	۲	۹۹
علنی حزب - تشکیل حزب توده ایران مفهای از تاریخ حزب توده ایران - دوران مبارزات علنی حزب - نخستین کنگره حزب گوشه ای از تاریخ مبارزات انقلابی، درباره فعالیت	نهم (۱۳۴۷)	۴	۹۶
برخی از ایرانیان در جنبش‌های انقلابی فقاز لوحه ای افتخار (شهیدان حزب توده ایران) متن دفاع دکتر رانی دردادگاه پنجاه و سه نفر مجمع ادبی "فرهنگ"	هفتم (۱۳۴۵)	۳	۲۴
مطالعات راجح با وضعیت اعلانی ایران، تزمیت مصوب کنگره دوم حزب کمو نیست ایران نظام امامه شعبه ای ایرانی جمعیت "مجاهدین" مشکله در مشهد	نهم (۱۳۴۷)	۳	۱۰۷
نظری بتاریخ حزب توده ایران یادداشت‌های درباره شرکت ایرانیان مقیم روسیه تزاری در حوادث انقلابی این کشور یک سالگرد پزرگ - چهل سال از تأسیس حزب کمو نیست ایران میگذرد	دوم (۱۳۴۰)	۴	۵۳
اطلاعیه دیرخانعی کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره پلنوم دوازدهم (پنجم) کمیته مرکزی اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران (بمناسبت شصتین سالگرد انقلاب مشروطیت ایران) تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف میرمما (سند مصوب سویین اجلسیه هیئت اجراء کمیته مرکزی حزب توده ایران)	چهارم (۱۳۴۲)	۲	۱۰۷
درباره برشی مسائل مورد اختلاف در جنبش جهانی	هشتم (۱۳۴۶)	۴	۷۹
اول (۱۳۳۹)	۴	۱۰۸	
اول (۱۳۲۹)	۱	۶	
چهارم (۱۳۴۰)	۱	۴۸	
چهارم (۱۳۴۲)	۳	۸۹	
هفتم (۱۳۴۵)	۱	۴۸	
هشتم (۱۳۴۶)	۴	۷۹	
اول (۱۳۳۹)	۱	۶	

۶- برخی استاد حزبی

اطلاعیه دیرخانعی کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره پلنوم دوازدهم (پنجم) کمیته مرکزی اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران (بمناسبت شصتین سالگرد انقلاب مشروطیت ایران) تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظایف میرمما (سند مصوب سویین اجلسیه هیئت اجراء کمیته مرکزی حزب توده ایران)	نهم (۱۳۴۷)	۲	۳
درباره برشی مسائل مورد اختلاف در جنبش جهانی	ششم (۱۳۴۴)	۲	۷
درباره برشی مسائل مورد اختلاف در جنبش جهانی	دهم (۱۳۴۸)	۱	۳

عنوان	سال	شماره	صفحه
کارگری و کمونیستی / متن گزارش‌شوری کمیته‌ی مرکزی به پلنوم یازدهم (چهارم) کمیته‌ی مرکزی حزب توده ایران پنجم (۱۳۴۳)	۳	۴	۲
درباره‌ی کفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو دهم (۱۳۴۸)	۳	۳	۲
صلح دارای پشتیانان نیرومندی است اول (۱۳۲۹)	۹۰	۲	۲
گزارش عمومی‌شوری کمیته‌ی مرکزی به پلنوم دوازدهم کمیته‌ی مرکزی نهم (۱۳۴۷)	۴	۲	۲
توده‌ی ایران درباره‌ی مسائل مورد اختلاف در چندین جهانی کارگری و کمونیستی سلسله‌ی وحدت در چندین جهاد رجیانی زمینه مقررات مصوب هیئت تحریریه‌ی "دنیا"	۱۰۸	۱	۱
نامه‌ی تبریک حزب توده‌ی ایران به کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت چهل و سومین سالگذشت انقلاب اکبر کبیر	۳۸	۲	۲
نظری اجمالی به تحولات اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور در فاصله‌ی بین دو پلنوم کمیته‌ی مرکزی / گزارش‌شوری کمیته‌ی مرکزی به پلنوم یازدهم (چهارم) کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران یادی ازشهیدان حزب ما	۱۰۳	۱	۱
اول (۱۳۲۹)	۵	۳	۲
اول (۱۳۴۳)	۴۷	۴	۴
دوم (۱۳۴۰)	۴۴	۴	۴

۷) ازتاریخ جنبش‌های اجتماعی و انقلابی در ایران

باپل خرم دین	اول (۱۳۲۹)	۴	۱۰۱
جنپش انقلابی در اویش ایرانی در قرن هشتم هجری	دوم (۱۳۴۰)	۲	۷۷
جنپش زنگیان در قرن سوم هجری	سوم (۱۳۴۱)	۱	۸۴
خیزش کاوه‌ی آهنگر	دهم (۱۳۴۸)	۳	۷۷
ستارخان سرد ار قهرمان ملی	هشتم (۱۳۴۶)	۲	۹۷
شمۀ ای درباره‌ی جنبش‌های اجتماعی و انقلابی در ایران	هفتم (۱۳۴۵)	۳	۹۶
ایضا	هفتم (۱۳۴۵)	۴	۱۱۹
ایضا	هشتم (۱۳۴۶)	۱	۹۱
ایضا	هشتم (۱۳۴۶)	۴	۱۰
ایضا	نهم (۱۳۴۷)	۲	۷۰
شمۀ ای درباره‌ی جنبش اسماععیلیه	هفتم (۱۳۴۰)	۲	۸۰

عنوان

صفحه	شماره	سال	
۱۰۱	۴	(۱۳۴۵)	هفتم
۷۹	۱	(۱۳۴۶)	دوم
۶۶	۱	(۱۳۴۴)	ششم
۹۰	۲	(۱۳۴۸)	دهم

(۸) تجربه مبارزه و انقلاب کشورهای دیگر

۱۲۹	۲	(۱۳۴۶)	هشتم	ارنستوچ ۰ گوارا از جنبش رهائی پخش تاسوسیالیسم / مبارزه، جنگ وايجاد
۶۴	۲	(۱۳۴۳)	پنجم	جامعه‌ی نوين در الجزاير / ايضا
۳۲	۳	(۱۳۴۳)	پنجم	استعمار نو، اشكال و شيوه‌های آن
۷۷	۱	(۱۳۴۶)	هشتم	با جنبش آزاد پیخش ملی عرب بر ضد امپريالیسم
۳۰	۲	(۱۳۴۸)	دهم	جمهوری متعدده‌ی عرب در راه تکامل غير سرمایه داری
۸۵	۴	(۱۳۴۵)	هفتم	حل مسئله‌ی ارضی در کشورهای کم رشد
۲۳	۱	(۱۳۴۱)	سوم	در رباره‌ی اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق
۱۰۴	۳	(۱۳۴۰)	دوم	در رباره‌ی شيوه‌های استعمار نوین یانشکولنيالیسم
۴۵	۴	(۱۳۳۹)	اول	در رهائی از حروادث عراق
۶۵	۲۱	(۱۳۴۲)	چهارم	در رهائی کنگو
۴۸	۱	(۱۳۴۰)	دوم	دموکراتهای انقلابی آسیا و افريقا
۱۰۶	۳	(۱۳۴۵)	هفتم	راه انقلاب اندونزی
۹۶	۴	(۱۳۴۶)	هشتم	مرحله‌ی کنونی جنبش آزاد پیخش ملی
۸۱	۴	(۱۳۴۳)	پنجم	مسئله‌ی ارضی و پووند ش با مبارزه ضد استعماری در
۲۰	۴	(۱۳۴۰)	دوم	کشورهای کم رشد
۸۷	۲	(۱۳۴۱)	سوم	ملاظھاتی در رباره‌ی "سوسیالیسم افريقيائی"
۹۳	۲	(۱۳۴۵)	هفتم	نامه‌ی سرگشاده به جانسون
۷۳	۴	(۱۳۴۱)	سوم	تئوكولونيالیسم چیست؟
۱۰۷	۱	(۱۳۴۷)	نهم	وستاند در روشنایی محاکمات نوربرگ

(۹) در رباره‌ی کشورهای سوسیالیستی

۱۱۵	۲	(۱۳۴۶)	هشتم	ارزیابیها و گواهی‌ها در رباره‌ی انقلاب اکابر
۱	۲	(۱۳۴۶)	هشتم	اهمیت چهانی و تاریخی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکابر
۱۶	۳	(۱۳۴۰)	دوم	برنامه‌ی ایندھی در خشان و سعاد تمند بشریت

عنوان	سال	شماره	صفحه
بیستمین سالورز جمهوری دموکراتیک آلمان پیروزی درخشنان نخستین آزمایش شکرف تاریخی	دهم (۱۳۴۸)	۲	۲۸
جزیره‌ی امید، درباره‌ی انقلاب کوبا - سرزمین ازاد امریکا	هشتم (۱۳۴۶)	۲	۷۷
جمهوری دموکراتیک آلمان، دولت سوسیالیستی ملت آلمان درباره‌ی حوادث اخیر چکوسلواکی	دوم (۱۳۴۰)	۲	۵۱
درباره‌ی روابط اقتصادی کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر	نهم (۱۳۴۷)	۱	۴۲
درباره‌ی ساختمان سوسیالیسم در یوگسلاوی و جهان، چهانی که رشد میباید وجهانی که درازواز است	نهم (۱۳۴۷)	۳	۳
درباره‌ی چند درباره‌ی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر سیری در رویدادهای اکبر بزرگ	دوام (۱۳۴۰)	۴	۹۵
شیوه‌های جدید رهبری اقتصاد سوسیالیستی کار جمعی و مسئولیت	هفتم (۱۳۴۵)	۴	۵۸
کنگره‌ی بیست و دوم حزب کمونیست اتحاد شوروی	اول (۱۳۳۹)	۴	۷
کنگره‌ی بیست و سوم حزب کمونیست اتحاد شوروی کوبا و مارکسیسم، مطالعه‌ای درباره‌ی انقلاب کوبا	هشتم (۱۳۴۶)	۲	۶۰
ماهیت انقلاب کوبا	ششم (۱۳۴۴)	۳	۷۱
معجزه‌ی اقتصادی جمهوری دموکراتیک آلمان	هفتم (۱۳۴۵)	۲	۶۰
	پنجم (۱۳۴۰)	۳	۳
	دوام (۱۳۴۳)	۲	۲
	دوام (۱۳۴۰)	۲	۲
	دوام (۱۳۴۵)	۱	۳
	دوام (۱۳۴۳)	۱	۷۴
	دوام (۱۳۴۰)	۴	۶۸
	دهم (۱۳۴۸)	۲	۲۳

(۱۰) مسائل ایدئولوژیک و فلسفی

اعین مهر	ششم (۱۳۴۴)	۲	۱۲۲
آزاد اندیشی خیام و حافظ	پنجم (۱۳۴۳)	۴	۱۱۶
ابن مقع	پنجم (۱۳۴۲)	۴	۱۱۱
اندیشه‌های درباره‌ی عده ترین مسائل اتیک	ششم (۱۳۴۴)	۱	۸۱
انتقاد از تئوری "جامعه‌ی صنعتی"	هفتم (۱۳۴۵)	۲	۶۶
انتقاد از تئوری همگرائی و پیوند و نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی	نهم (۱۳۴۷)	۴	۶۰
انتقاد رستواز فلسفه‌ی اجتماعی مارکس و انتقاد برایان انتقاد	پنجم (۱۳۴۳)	۳	۵۸
انتقاد بر انتقاد از فلسفه‌ی ماتریالیسم دیالکتیک (درباره‌ی کتاب "علم کلام" ناء لیف آقای دکتر سید احمد صفائی)	دوم (۱۳۴۰)	۳	۹۲
اندیشه‌ی دیالکتیکی تضاد و تبرد ضدین در مژده استاد پژوهشی	دوم (۱۳۴۰)	۳	۸۹
درباره‌ی هسته‌ها و غاصردیالکتیک بد و د راند یشقا برای اول	سوم (۱۳۴۱)	۱	۴۰
اندیشه‌های چند درباره‌ی حافظ			

عنوان	سال	شماره	صفحه
بازهم انتقاد "از مارکسیسم برخی اندیشه ها درباره دیالکتیک برخی عناصر دیالکتیک و مادی در افکار عبد الرزاق لاهیجی صاحب "گوهر مراد"	هشتم (۱۳۴۶)	۴	۵۶
برخی مختصات سبک ارانی در ترویج افکار مارکسیستی در ایران برخی یادآوریها و توضیحات / درباره آثار ارانی / بشر از نظر مادی	اول (۱۳۳۹)	۴	۸۲
بعضی از گراشتهای رشد اقتصادی جهان امروز تئوری ارزش و "علم اقتصاد"	دوم (۱۳۴۰)	۲	۸۳
جهان بینی یک شاعر (بحثی بر اساس میان حافظ درباره ای جهان بینی اش)	اول (۱۳۲۹)	۴	۹۵
دراین سو و انسوی ارمان انقلابی (از پیر تامارکوزه) درباره اولین مکاتب فلسفی مادی در ایران - زیوانیان و دهربون	دهم (۱۳۴۸)	۴	۱۱۸
درباره بینی از اندیشه های فلسفی خیام و ریشه های اجتماعی و تاریخی آن، فلسفه لذت و فلسفه ای مرگ در نزد خیام	پنجم (۱۳۴۳)	۱	۷۹
درباره سرشت و سرنوشت انسان	ششم (۱۳۴۴)	۳	۹۵
درباره سیر تغیر فلسفی در ایران	دهم (۱۳۴۸)	۴	۶۰
درباره شیوه دی درست رفتار با زان بایکد بگر	سوم (۱۳۴۱)	۱	۵۷
درباره شخصات سرمایه داری معاصر قصیت	دوم (۱۳۴۰)	۱	۹۰
درباره منطق دیالکتیک یا اسلوب دیالکتیکی شناخت و آ	چهارم (۱۳۴۲)	۴	۸۴
دریامون جهان بینی احمد کسری تبریزی	سوم (۱۳۴۱)	۳	۴۹
دو ملاک در ازیابی شخصیت انسانی	هشتم (۱۳۴۶)	۱	۸۶
دیالکتیک دراندیشه ای برخی از متفکران ایرانی - دیالکتیک مولوی و دیالکتیک مدرالدین شیرازی	هفتم (۱۳۴۵)	۳	۳۵
طبایان - دهربون و اصحاب هیولی	اول (۱۳۳۹)	۲	۱۰
عبد الرحیم طالب تبریزی - دوران زندگی و اندیشه ای وی	دوم (۱۳۴۰)	۳	۱۱۲
عرفان و اصول مادی	دوم (۱۳۴۰)	۴	۸۵
کسری، ارانی و ماتریالیسم و سوسیالیسم	دهم (۱۳۴۸)	۴	۵۲
ماتریالیسم دیالکتیک	دهم (۱۳۴۸)	۱	۸۴
مارکسیسم و شناخت آبنده	دهم (۱۳۴۸)	۴	۱۵
مارکسیسم و «و مانیسم	هشتم (۱۳۴۶)	۴	۷۳
مبازه ای لینین بارسونخ ایدالیسم در فیزیک جدید	پنجم (۱۳۴۳)	۱	۳۹
نکته ای چند از اندیشه های فلسفی بروجردی	دهم (۱۳۴۸)	۲	۱۰
والت ویتن رستو و فلسفه ای اجتماعی مارکسیسم	دوم (۱۳۴۰)	۴	۷۷
والت ویتن رستو و فلسفه ای اجتماعی مارکسیسم	پنجم (۱۳۴۳)	۲	۲۹

عنوان	سال	شماره صفحه	تاریخ
بادی از فرزانه‌ی سترگ ابویکر محمد بن زکریاء رازی	پنجم (۱۳۴۳)	۲	۸۷

۱۱) درباره‌ی هنروادیات

برخی مسائل مربوط به هنر و نقش اجتماعی آن	دوم (۱۳۴۰)	۲	۸۹
درباره‌ی ارشیه‌ی ادبی ما	سوم (۱۳۴۱)	۲	۴۶
درباره‌ی یک پرخورد نادرست به ارشیه‌ی ادبی ایران	هشتم (۱۳۴۶)	۴	۸۵
راه‌های تکامل‌اندیشه‌های دمکراتیک در ادبیات پارسی	دهم (۱۳۴۸)	۲	۱۰۸
در سده‌های نوزدهم و بیستم	دوم (۱۳۴۰)	۳	۷۸
زبان پارسی و راههای تکامل آن	نهم (۱۳۴۷)	۱	۱۳۰
سخنی درباره‌ی برتوبلد برشت و مکتب هنری او (بنسبت ۷۰ سالگی تولد برشت)	سوم (۱۳۴۱)	۴	۳۹
طلسم یاس			
طلسم یاس فرو میشند . درباره‌ی برخی مسائل صیرم در زندگی هنری کشورما	نهم (۱۳۴۷)	۱	۱۳۹
کاوهی آهنگر	دوم (۱۳۴۰)	۲	۴۷
کمال الملک یکی از بنیانهای هنر ایران	ششم (۱۳۴۴)	۲	۱۰۰
نادر پور شاعر توپید از	دوم (۱۳۴۰)	۳	۴۸
نکاتی چند درباره‌ی منظمه‌ی ویس و رامین	ششم (۱۳۴۴)	۲	۱۱۰
هنر و هنرمند در مبارزه‌ی طبقاتی امروز	دهم (۱۳۴۸)	۲	۸۴
هنر و علم - وجود شباهت و اختلاف	نهم (۱۳۴۷)	۳	۱۰۰
یادی از استاد بهمنیار	دهم (۱۳۴۸)	۲	۱۰۱
یادی از افراشته شاعر تده‌ای	دهم (۱۳۴۸)	۱	۸۱

۱۰) داستان ، شعر و قطعات ادبی

آغین مرد انگی ، شعری ازفرد وسی و قسمتی از دفاعیه‌ی روزبه	نهم (۱۳۴۷)	۴	۹۵
آغین مردی	سوم (۱۳۴۱)	۱	۸۳
آدم بزرگ	ششم (۱۳۴۴)	۳	۸۹
آفتاب آزادی	دهم (۱۳۴۸)	۲	۱۰۰
آن جاودان / بمناسبت یادبود شهادت دکتر رانی /	هشتم (۱۳۴۶)	۴	۳
ارانی	دهم (۱۳۴۸)	۴	۰
از ایرانم	سوم (۱۳۴۱)	۴	۳۷
از زبان مادر	سوم (۱۳۴۱)	۴	۵۹

صفحه	شماره	سال	عنوان
۱۰۴	۱	ششم (۱۳۴۴)	از سروده های دیگران
۱۲۶	۴	هفتم (۱۳۴۵)	افراسیاب و مرگ
۳	۱	هشتم (۱۳۴۶)	اندوه (بمناسبت عکسی از مصدق)
۹۴	۳	هفتم (۱۳۴۵)	اناهیتا
۸۶	۲	هشتم (۱۳۴۶)	اید آل انقلاب
۴۳	۴	دوم (۱۳۴۰)	باز پرسینه ای دیوار نویسنده براه
۷۵	۲	هشتم (۱۳۴۶)	باز هم در وصف لینین
۵۰	۴	دوم (۱۳۴۰)	پریاپال نسیم
۱۰۳	۴	ششم (۱۳۴۴)	برگزیده از "زنده رود"
۶۶	۳	هفتم (۱۳۴۵)	بجزئه و طنبور
۱۰۶	۲	دهم (۱۳۴۸)	بهار مرد رسان
۱۰۷	۴	اول (۱۳۳۹)	به امید، به امید، به امید
۶۲	۴	اول (۱۳۳۹)	به برادر سیاهم
۱۱۲	۳	هشتم (۱۳۴۶)	به دلیران محبوس
۱۱۰	۳	هشتم (۱۳۴۶)	به شاعر نو جوان توده
۷۵	۱	هشتم (۱۳۴۶)	به فروغ فرخزاد
۱۱۱	۳	هشتم (۱۳۴۶)	به مبارزان توده
۸۷	۲	هشتم (۱۳۴۶)	بمناسبت دهمین سال انقلاب
۱۴	۴	دهم (۱۳۴۸)	بیاد اراثتی
۵۵	۱	دهم (۱۳۴۸)	پایانسخن یک مبارز شهید
۱۱۳	۲	هشتم (۱۳۴۶)	پرداشتگار یک کارگر
۱۰۰	۳	هفتم (۱۳۴۵)	پشه و چراغ
۸۷	۲	هشتم (۱۳۴۶)	پیام لینین
۱۰۹	۲	هشتم (۱۳۴۶)	ترانه ای امید
۱۱۰	۳	هشتم (۱۳۴۶)	ترانه ای پکار
۱۱۱	۳	هشتم (۱۳۴۶)	توده ای مرد و مبارز کامکاری میکند
۳	۱	نهم (۱۳۴۷)	جسارت راشعار خود سازیم
۹۶	۱	هشتم (۱۳۴۶)	جهانگرد و پرنده
۱۰۴	۲	دهم (۱۳۴۸)	چراتسلیم تقدیری ؟
۱۲۱	۴	هشتم (۱۳۴۶)	چکامه ای در باره ای اختراع چاپ
۱۱۴	۴	هشتم (۱۳۴۶)	چند استان کوتاه تاریخی
۹۱	۲	نهم (۱۳۴۷)	حرقیال و بردہ ای ایلامی
۹۳	۳	هفتم (۱۳۴۵)	خردمند و چشممه
۹۱	۳	دهم (۱۳۴۸)	داستانهای کوچک
۰۹	۲	هفتم (۱۳۴۵)	در شنای انسان
۱۱۳	۲	هشتم (۱۳۴۶)	در شنای کونیس

صفحه	شماره	سال	عنوان
۵۹	۲	هشتم (۱۳۴۶)	دروصف شوروی
۵۸	۲	هشتم (۱۳۴۶)	دروصف لینین
۹۷	۲۱	چهارم (۱۳۴۲)	دیدار
۰۰	۱	هشتم (۱۳۴۶)	رویاه جلوه فروش
۳۸	۳	اول (۱۳۳۹)	روشنی گوهر از کجاست
۹۰	۱	هشتم (۱۳۴۶)	روشی چون ستاره ته در پیش
۴۳	۳	دوم (۱۳۴۰)	زندگی خوش + یک قطعه از شاعر بزرگ فرانسوی وکتور هوگو
۲۶	۲	دهم (۱۳۴۸)	زنده است لینین
۲۰	۱	دوم (۰۰)	سخنان حکمت آمیز از خواجه شمس الدین حافظ شیرازی
۸۹	۱	دوم (۱۳۴۰)	سخنان حکمت آمیز از مشتوفی جلال الدین مولوی
۱۱۲	۲	هشتم (۱۳۴۶)	سرود مرغ طوفان
۱۲۲	۱	هفتم (۱۳۴۵)	سقراط و زنگیر
۷۶	۲	هشتم (۱۳۴۶)	سقوط تزار
۷	۳	هفتم (۱۳۴۵)	شراره‌ی مغروف
۸۶	۲	هشتم (۱۳۴۶)	شعله‌ی انقلاب
۶۰	۳	سوم (۱۳۴۱)	شغال‌بیشه‌ی مازندران یا وصیت نامه
۹۴	۲	پنجم (۱۳۴۳)	شکنجه‌گر
۷۵	۴	دوم (۱۳۴۰)	صلح و جنگ در زند شاعران ما
۷۱	۲	سوم (۱۳۴۱)	علی سیاه
۱۰۲	۲	ششم (۱۳۴۴)	فرد وسی شاعر (از هاینریش هاینه)
۷۴	۱	ششم (۱۳۴۴)	قصیده‌ای درستایش قیام ملی خراسان و تا میرانقلاب اکابر
۴۰	۲	دهم (۱۳۴۸)	کارنامه‌ی زندان
۷۴	۱	هشتم (۱۳۴۴)	کبوتر و مار
۹۳	۳	هفتم (۱۳۴۰)	کوه و دود
۸۵	۱	هشتم (۱۳۴۶)	گل چینی
۰۸	۳	هفتم (۱۳۴۵)	گبد و خورشید
۱۰۰	۴	هفتم (۱۳۴۵)	الله
۲۱	۱	هشتم (۱۳۴۶)	مرغ و ستاره
۸۳	۲۱	چهارم (۱۳۴۲)	مرگ بابل
۹۸	۳	نهم (۱۳۴۷)	مسقطی درباره‌ی انقلاب کبیر اکبر و قیام خراسان
۲۳	۳	هفتم (۱۳۴۰)	مه و صخره
۴۱	۴	هفتم (۱۳۴۵)	ناهید
۲۴	۲	سوم (۱۳۴۱)	نیایش من
۷۴	۱	دوم (۱۳۴۰)	وصف سرمایه داری از زبان بهار، یک قطعه‌ی جالب
۲	۱	نهم (۱۳۴۷)	از "کارنامه‌ی زندان"
			وصفی از جوانی مارکس

صفحه	شماره	سال	وان
۲۸	۱	دهم (۱۳۴۸)	ولاد پیغمبر ایلیچ لنین
۵۰	۳	اول (۱۳۲۹)	یادی از صور اسرافیل

(۱۳) معرفی و تصریح کتاب

۷۹	۳	سوم (۱۳۴۱)	شهر آهو خانم - نوشه‌ی محمد علی افغانی
۱۱۱	۱	سوم (۱۳۴۱)	تاریخ مختصر ایران باستان
۷۴	۳	سوم (۱۳۴۱)	ایلات فارس - نوشه‌ی م. س. ایوان
۱۰۶	۱	هشتم (۱۳۴۶)	تعدن پارتها - بقلم کاشه لنکو
۱۰۵	۱	هشتم (۱۳۴۶)	دوازده مینیاتور (بقلم برگانسکی)
۱۱۰	۴	ششم (۱۳۴۴)	کردستان و کرد ها
۸۶	۱	ششم (۱۳۴۴)	تاریخ نوین ایران (بقلم دانشمند شوروی پروفسور م. س. ایوا)
۱۲۴	۲	پنجم (۱۳۴۳)	زیرا سمان کویر
۱۲۱	۲	پنجم (۱۳۴۳)	بلوج ها

(۱۴) متفرقه

۱۰۷	۳	هشتم (۱۳۴۶)	ابوالقاسم لاهوتی (بمناسبت د سالگی درگذشت و هشتاد سالگی ولادتش)
۱۱	۳	دوم (۱۳۴۰)	از سرزمین تخیل پسونی دنیای کمونیسم
۱۰۴	۲	چهارم (۱۳۴۲)	افتخار برخولیان گریموفرزند قهرمان خلق اسپانیا
۱۳۲	۳	هشتم (۱۳۴۶)	ابلیا ارنیورگ
۹۷	۳	دهم (۱۳۴۸)	برخی از مقاومتیهای واصطلاحات
۱۰۵	۴	دوم (۱۳۴۰)	بهار، سرایند و آزادی و صلح (بمناسبت گذشت ده سال از مرگ بهار)
۴۴	۱	دوم (۱۳۴۰)	بیان نود سالگی کمون پاریس
۲۷	۱	دوم (۱۳۴۰)	پدیده های نوین در سیاست خاورمیانه
۵۶	۱	نهم (۱۳۴۷)	تاریخچه رئیم کاپتو لاسیون در ایران و لغو آن
۶۶	۴	هشتم (۱۳۴۶)	"جامعه بین المللی کارگران" - بین الملل اول، بمناسبت صد مین سال تشکیل بین الملل اول
۵۰	۲	پنجم (۱۳۴۳)	حسین خیرخواه
۸۵	۴	سوم (۱۳۴۰)	خطاب به ملت ایران (رادیولندن)
۱۰۹	۱	هشتم (۱۳۴۶)	خلیج فارس
۳۵	۳	نهم (۱۳۴۷)	درباره‌ی کارتل بین المللی نفت
۵۶	۱	دهم (۱۳۴۸)	

صفحه	شماره	سال	عنوان
۹۰	۲	پنجم (۱۳۴۳)	درگذشت موریس تورز
۹۳	۳	نهم (۱۳۴۷)	رشته‌ی زندگی
۸۸	۱	ششم (۱۳۴۴)	سخنی درباره‌ی متنیک
۳۳	۴	دوم (۱۳۴۰)	کنگره‌ی پنجم فدراسیون سندیکائی جهانی و برنامه‌ی فعالیت سندیکائی در مرحله‌ی کنونی
۱۱۱	۲	دهم (۱۳۴۸)	نخستین بار در تاریخ کیهان نوردی
۵۲	۲	دهم (۱۳۴۸)	وضع کارگران و اتحادیه هاد رضایت نفت
۱۰۱	۱	ششم (۱۳۴۴)	یادی از رضا شاهنشاهی
۹۶	۲	پنجم (۱۳۴۳)	یک ضایعه‌ی دیگر — درگذشت رفیق تولیاتی

DONYA
Political and Theoritical
Organ of the Central
Committee of the Tudeh
Party of Iran
Price : 50 Cents
Druckerei "Salzland".
325 Stassfurt

مجله " دنیا "

ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی
حزب توده ایران
چاپخانه "زالمن لاند" ۳۲۵ شتابسفورت
دوره دوم، سال یازدهم، شماره دوم
تایستان سال ۱۳۴۹
بهاد رایان ۰ ۴ ریال
در خارج معادل ارزی همین مبلغ

بها» ۴۰ «ریال یا معادل ارزی آن